



وزارت آموزش پرورش
سازمان سپاه دانش

مهرگان

۱۳۰۰



گشتن گاو فرمز وسیله فرشته مهر



خطابه

علیختر یون شاهنشاهی ایران در برابر آرامگاه کوروش کبیر

کوروش ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه هخامنشی ، شاه ایران زمین ، از جانب من ، شاهنشاه ایران و از جانب ملت من ، بر تو درود باد .

درین لحظه پر شکوه تاریخ ایران ، من و همه ایرانیان ، همه فرزندان این شاهنشاهی کهن که دو هزار و پانصد سال پیش بدست تو بنیاد نهاده شد ، در برابر آرامگاه تو سر ستایش فرود میآوریم وخاطره فراموش نشدنی تو را سپاس میداریم .

همه ما درین هنگام که ایران نو با افتخارات کهن پیمانی تازه می بندد ، تو را بنام قهرمان جاودان تاریخ ایران ، به نام بنیانگذار کهنسالترین شاهنشاهی جهان ، به نام آزادی بخش بزرگ تاریخ ، به نام فرزند شایسته بشریت ، درود میفرستیم . کوروش ، ما امروز در برابر آرامگاه ابدی تو گرد آمده ایم تا بتو بگوئیم ، آسوده بخواب ، زیرا که ما بیداریم ، و برای نگاهبانی میراث پر افتخار تو همواره بیدار خواهیم بود .

سوگند یاد میکنیم که آن پرچمی را که تو دو هزار و پانصدسال پیش برافراشتی ، همچنان افراشته و در اهتزاز نگاه خواهیم داشت . سوگند باد می کنیم که بزرگی و سربلندی این سرزمین را بعنوان ودیعه ای مقدس که گذشتگان ما به ما سپرده اند با اراده ای پولادین حفظ خواهیم کرد ، و این کشور را سربلندتر و پیروزتر از همیشه به آیندگان خویش خواهیم سپرد . سوگند یاد میکنیم که سنت بشر دوستی و نیک اندیشی را که تو اساس شاهنشاهی ایران قراردادی همواره پاس خواهیم داشت و همچنان برای مردم جهان پیام آور دوستی و حقیقت خواهیم بود .

در این بیست و پنج قرن کشور تو و کشور من ، شاهد سهمگین ترین حوادثی شد که در تاریخ جهان برای ملتی روی داده است و با اینهمه هرگز این ملت در برابر دشواری های گران ، سر تسلیم فرود نیاورد . در طول دوهزار و پانصدسال ، هر وجب از خاک این سرز و بوم با خون دلیران و جانبازان ایران زمین آبیاری شد تا ایران همچنان زنده و سربلند بماند .

بسیار کسان بدین سرزمین روی آوردند تا آنرا از پای درآورند ، اما همه آنان رفتند و ایران برجای ماند ، و در همه این مدت علی رغم تیرگیها ، این سرزمین فروغ جاودان همچنان تجلی گاه اخلاق و کانون ابدی اندیشه باقی ماند . اکنون ما در این جا گرد آمده ایم تا با سربلندی بتو بگوئیم که :

پس از گذشت بیستوپنج قرن ، امروز نیز مانند دوران پر افتخار تو پرچم شاهنشاهی ایران در اهتزاز است . امروز نیز مانند روزگار تو نام ایران در سراسر گیتی با احترام و ستایش بسیار آمیخته است . امروز نیز مانند عصر تو ، ایران در صحنه پر آشوب جهان پیام آور آزادی و بشردوستی و پاسدار والاترین آرمان های انسانی است .

مشعلی که تو برافروختی ، و در طول دوهزاروپانصد سال هرگز در برابر تندبادهای حوادث خاموش نشد ، امروز نیز فروزان تر و تابناک تر از همیشه در این سرزمین نورافشان است و فروغ آن همچون دوران تو ؛ از سرزهای ایران زمین بسیار فراتر رفته است .

کوروش ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، آزادمرد آزادمردان و قهرمان تاریخ ایران و جهان ، آسوده بخواب ، زیرا که ما بیداریم و همواره بیدار خواهیم بود .



وزارت آموزش پرورش
سپاه دانش

صفحه

نشریه

سپاه دانش

شماره‌های ۷۸ - ۷۹ - ۸۰

شهریور - مهر - آبان ۱۳۵۰

سر دبیر: کیومرث پدزوکی

با همکاری: شورای نویسندگان

نویسندگان: پاسخگوی نوشته‌های خود هستند.

جای اداره: خیابان استخر، خیابان سپه، تهران

تلفن: ۶۶۶۸۴۲ و ۴ - ۶۶۸۹۲۳

روی جلد: فرشته‌مهر گاوهر مزرا می‌کشد

پشت جلد: نقش برجسته‌ای منسوب به کوروش

(کار جمال بخش پور)

۴	افتخارات سازمان سپاه دانش دربرگزارى جشن‌های شاهنشاهی
۵	مهرگان و سوابق تاریخی آن
۷	طب و داروهای گیاهی
۱۰	آیا کودك ماقبل آخر فلسفه، فرزند خلفی است؟
۱۲	۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران (ارقام سخن می‌گویند.)
۱۵	گوکن
۱۷	خدمات اجتماعی بانوان
۱۸	کوششی دیگر در راه گسترش نمایشگاه‌های سپاه دانش
۲۰	لکنت زبان
۲۵	کودوش حکمران جهان
۲۷	عشق نیمه‌کاره (داستانی از رسول پرویزی)
۲۸	
۳۱	بهداشت و محیط روستائی
۳۴	شعر و ادب
۳۸	شاهنشاهی ایران
۴۰	خواستگاری و عروسی (آداب و رسوم در گوشه‌های از ایران)
۴۶	مکس بیاز (مقاله کشاورزی)
۵۰	قضاوت جهانیان درباره جشن‌های شاهنشاهی
۵۴	دفتر فعالیت‌های سپاهیان دانش

افتخارات سازمان سپاه دانش دربو گزاری خجسته جشن های شاهنشاهی



تهیه و تنظیم از : مقدری کرمانی

سازمان سپاه دانش با اعتقاد کامل به برگزاری هرچه باشکوهتر جشنهای ۲۵۰۰ ساله بنیان گذاری شاهنشاهی ایران افتخار دارد که با کمک سپاهیان دانش برنامههای هفته برگزاری جشنها را با جلال هرچه تمامتر در سطح روستاهای کشور مرحله اجرا در آورده است .

برای وصول به این هدف مقدس و منظور ادای این فریضه ملی و میهنی از سال ۱۳۴۸ با صدور بخشنامه ها و دستورالعملهای لازم به راهنمایی سپاهیان دانش پرداخت و خطمشی آنان را در اجرای این رستاخیز مقدس مشخص کرد .

نخستین قدمی که در این راه برداشته شد صدور دستورالعملها و بخشنامههای لازم برای سپاهیان دانش بود تا در مسیر اصلی این هدف مقدس قرار گیرند . همزمان با صدور این دستورالعملها يك سلسله مقالات تاریخی که نماینده عظمت اسامی شاهنشاهی و ذکر خدمات برجسته پادشاهان ایران بود تهیه و برای سپاهیان دانش فرستاده شد تا در جلسات سخنرانی و جشن و سرور مورد استفاده قرار گیرد . در اردیبهشت ماه امسال هیات هئاتی از کارشناسان روابط عمومی سازمان سپاه دانش به استانها و فرمانداریهای کل کشور اعزام شدند و با تشکیل سمینارها و جلسات سخنرانی فلسفه و وجوب برگزاری جشنها را برای سپاهیان دانش تشریح کردند . تشکیل نمایشگاه فعالیت سپاهیان دانش در ایتالیا و آمریکا از جمله اقدامات چشمگیر سازمان سپاه دانش بود که به میمنت این جشنهای فرخنده انجام پذیرفت . مقدمات کار تشکیل این نمایشگاه از سال ۱۳۴۹ فراهم آمد و در سال جاری همزمان با برگزاری جشنها عملی شد .

برای وصول به این هدف و نمایاندن هر چه بیشتر و بهتر فعالیت سپاهیان دانش از بین ۴۰ نفر سپاهی دانش منتخب استانها و فرمانداریهای کل کشور ۳ پسر و ۳ دختر که تسلط بیشتر به زبان انگلیسی داشتند انتخاب شدند و پس از کسب اطلاعات عمومی لازم در باره ایران ، که در کلاسهای مخصوص فرا گرفتند ، عازم اروپا و آمریکا شدند تا هم سمبل سپاهیان دانش ایران باشند و هم خارجیان برنامهها و فعالیتهای سپاهیان دانش ایران را از زبان خود ایشان بشنوند . در این نمایشگاه ها از فیلم ، عکس ، اسلاید و تشریح که نمایشگر کوشش های نثر بیخوش دختران و پسران سپاهی دانش است استفاده میشود و همچنین محصولات مختلف ایران در معرض دید بازدید کنندگان قرار میگيرد . علاوه بر این نمایشگاه که جنبه جهانی و بین المللی دارد ، در مراکز استانها و بعضی از شهرستانها نیز در هفته برگزاری جشنها نمایشگاه هائی از فعالیت های سپاهیان دانش و کارهای دستي دانش آموزان روستائی

تشکیل شد . اختصاص قسمت میهنی از ماهنامه سپاه دانش به ذکر خدمات پادشاهان ایران و معرفی جنبه های مختلف فرهنگ و ادب این سرزمین و چاپ تشریها و پستریهای مخصوص جشنهای شاهنشاهی ایران از دیگر اقدامات سازمان سپاه دانش است که باید چاپ دو شماره مجله زبانهای انگلیسی و فرانسه را در ۴۰ هزار نسخه به این قسمت از فعالیتها اضافه کرد . از آغاز سال ۱۳۴۸ با اتخاذ تدابیر لازم ترتیبی داده شد که سپاهیان دانش روستائیان را به ساختن مدارس یادبود تشویق کنند و برای این منظور بخشنامههای لازم نیز صادر شد . خوشبختانه به این هدف نیز جامعه عمل پوشانده شد و سپاهیان دانش موفق شدند که با خودداری اهالی روستاها ۱۳۵۵ باب دبستان جدیداً تأسیس سازند . این مدارس در هفته جشنها افتتاح شد و مورد بهره برداری قرار گرفت . (این مدارس غیر از ۲۵۰۰ مدرسه یادبود است که با کمک مردم ساخته شده است) برای استقرار معلم کافی در مدارس یادبود امسال ۲۸۰۰ سپاهی دانش علاوه بر سهمیه معمول بخدمت اعزام شدند و سهمیه دوره های بعد نیز به همین منظور از ۴۰۰۰ نفر به ۵۰۰۰ نفر افزایش یافت .

برای اینکه سپاهیان دانش در مراسم برگزاری فرخنده جشنهای شاهنشاهی در تخت جمشید سهمی داشته باشند ۴۰۴ دختر و ۶۰۰ پسر سپاهی دانش منتخب استانها و فرمانداریهای کل به تهران دعوت شدند و در دبیرستان نظام تهران ، دانشکده افسری و یادگان فرح آباد آموزشهای لازم را فرا گرفتند و در مراسم رژه با شکوه روزتاریخی بیست و سوم مهرماه در تخت جمشید شرکت کردند . سازمان سپاه دانش بسیار مفتخر و سربلند است که توانسته است در برگزاری جشنهای شگوهمند بیست و پنجمین سده بنیان گذاری شاهنشاهی ایران دین خود را ادا کند و همگام با دیگر هموطنان در این عیش و سرور سهیم و شریک باشد .

امید است که آیندگان نیز به برگزاری ۵۰۰۰ ساله بنیان گذاری شاهنشاهی ایران تشویق یابند و اسامی شاهنشاهی ایران تا ابد جاویدان بماند .

واژه مهرگان

از نظر لغوی

مهرگان کلمه مرکبی است شامل يك اسم «مهر» و يك پساوند «گان». مهر در زبان فارسی امروز، بمعنی دوستی و محبت و نیز نام خورشید و همچنین اسم هفتمین ماه سال است و از ترکیب این اسم و پساوند، صفت «مهرگان» ساخته میشود که اسم متصل بخود را منسوب به مهر میسازد. چنانکه گوئیم جشن مهرگان، یعنی جشنی که منسوب به مهر ماه است. اما این صفت، گاه بجای موصوف و مانند اسم بکار میرود، چنانکه منوچهری بجای اینکه بگوید «جشن مهرگان آمده» میگوید: «مهرگان آمده، هان در بکشائیدش».

واژه مهر

از نظر تاریخی

واژه‌های هر زبان در طول زمان بتدریج تغییر شکل داده و در تلفظ آنها تغییرهایی حاصل میشود و این تغییرها معمولاً تابع ضوابط و قواعدی است که چگونگی آنها موضوع علم زبان‌شناسی است و در اینجا اجمالاً یادآور میشود که کلمه «مهر» در زبان فارسی باستان که زبان عهد هخامنشیان است «میترا» Methra در زبان پهلوی اشکانی «مهر» Mehr در زبان پهلوی ساسانی Metrimehr تلفظ میشده و در زبان فارسی دری (فارسی بعد از اسلام تاکنون) «مهرتلفظ میشود.

مهر و مهرگان

از نظر اجتماعی و تاریخی

با اعتقاد ایرانیان کهن که قبل از ظهور زردشت میزیستند، مهر از بزرگترین و معتدترین و محبوبترین خدایان بوده و بین تمام قبایل آریائی قبول عام داشته است، چنانکه در سنگ نبشته‌ای که از ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد، در ازمان هیت‌هادر آسیای صغیر بدست آمده، نام مهر که معبود قبایل آریائی ساکن شمال عراق امروزی بوده، برده شده است. این بزبان‌نوع، با هزاران گوش و هزار چشم که همواره بیدار و ناظر بر اعمال مردمان است کیش بدهنده سخت‌گیری گذشته‌ها و شکنان و پاداش دهنده راستگویان و پیمان داران، و در میمانهای نبرد پیروزی بخش جنگجویان وفادار و راستکار و درست کردار بوده است و در نظر او فرقی بین اشخاص از جهت درجه و مقام نبوده و هیچکس یارای دروغ گفتن به او را نداشته، زیرا دروغ‌گو را بزودی و با شدت کیش میداده است. مهر نور و روشنائی و حفظ نظم و قانون و وفای به عهد دوستی و محبت است و باین ملاحظه تا این حد در نظر ایرانیان، کهن که عاشق نظم و انضاط و رادبی و راستی و شجاعت و درستی بوده‌اند حرمت داشته و ستایش میشده است:

مغان که کاهانان مذهب مهرپرستی بودند بقدری در عبادت و ریاضت و سادگی و تهذیب نفس اصرار داشتند که در تمام عالم واژه «مغ» مراد واژه «حکیم» بکار می‌رفتند و ادبیات ماهنوز حاوی این معنی است چنانکه حافظ مکرر از مغان یا حکیمان آنها پاک و پاکظری و صفاوفا و پاک‌یادی کند. با ظهور زردشت و رواج آئین زردشتی که مبنی بر توحید بود، هورا مزدا خدای یگانه شناخته شد و رب النوعهای سابق که مهر و آنهایی تا بزرگترین آنها بودند، مقام قدیم خود را از دست دادند. اما با وجود این، مهر که در نظر عامه مقام والا و بی‌شکلی طرد نشد و باز جزو فرشتگان یا ایزدان ارجمند دین زردشتی قرار گرفت و تدبیر امور مربوط به مهر و روز مهر و نیز نظارت بر عهد و پیمان و مهر و محبت و نور و روشنائی را متکفل گشت. ولی مهر پس از زردشت جز مدت کمی در عهد ویشناسب (گشتاسب) که اولین حامی

مهر مظهر نور و روشنائی و حفظ نظم

و قانون و وفای به عهد و دوستی و محبت است.

مهرگان، چون نوروز سر آغاز یکی

از دو فصل معتبر سال است.

من نیروی چیرگی و پیروزم

و از جانب خداوند آمده‌ام

و آهنگ پادشاه دارم

نامم خجسته

و تهنه‌ام نصرت و پیروزی است

و بهمهراه خود صحت و سلامت و شادمانی

آوردده‌ام

و مروج آئین زردشتی بود و نیز در زمان فرزند او داریوش کبیر و در عهد خشایارشا فرزند داریوش، در ردیف فرشتگان باقی نماند و پس از آن باز بمقام خدائی رسید چنانکه در سنگ‌نبشته‌های عهد اردشیر اول پسر خشایارشا، مجدداً نام او را در کنار هورامزدا قرار داده‌اند که گاهی نام آن‌ها نیز فرشته بزرگ دیگر نیز در ردیف آنها دیده میشود.

حرمت و پرستش این رب النوع که لااقل از ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد تا قرن هفتم میلادی ادامه داشته، موجب گسترش و رواج این آئین در اکناف عالم گردیده است، چنانکه آثار معابد مهر، امروز تقریباً در تمام کشورهای اروپائی و حتی در امریکای جنوبی مشاهده میشود.

ارتباط ایزد مهر

با جشن مهرگان:

بطور کلی ایرانیان قدیم دارای روحیه‌ای شاد بودند و بمناسبت‌های مختلف مراسم سرور انگیز ابداع میکردند و جشنها بر پا میداشتند. این مردم بقدری سرشار از شادی و خرمی بودند که نویسندگان قدیم تصور کرده و نوشته‌اند خاصیت آب و هوای سرزمین ایران سرور آور و شادی‌بخش است از جمله جشنهای سالانه ایرانیان قدیم، جشنهای دوازده گانه‌ای بود که در دوازده ماه سال برگزار میکردند. باین ترتیب که برای ماههای سال، دوازده نام از نام فرشتگان و غیر آن انتخاب کرده بودند و روزهای هر ماه را نیز بهممان دوازده نام باضافه هجده نام دیگر میخواندند * که در نتیجه در هر ماه، روزی پیش می‌آمد که با نام آن ماه همنام بود. مثلاً روز تیر از ماه تیر یا روز مهر از ماه مهر یا روز بهمن



● ابوریحان نوشته است :

«مهر که اسم خورشید است در چنین روز ظاهر شد و»
 «باین مناسبت این روز را بدو منسوب کرده‌اند. در»
 «آئین پادشاهان ساسانی است که در این جشن پادشاهان»
 «تاجی بشکل خورشید که بجزخی استوار است بر»
 «میگذاشتند.»
 «و گویند در این روز فریدون بر بیوراسب که»
 «ضحاك خواندش دست یافت و چون در این روز فرشتگان»
 «از آسمان بیاری فریدون فرود آمدند، در جشن»
 «مهرگان در سرای پادشاهان مرد دلیری می‌گشاید»
 «که بامدادان بهنگام برخاستن خورشید به آواز بلند»
 «میداد: ای فرشتگان! بسوی دنیا بشتابید و چهار»
 «را از گردن اهریمنان برهانید، و روزها که پس از»
 «مهرگان‌اند هم‌جشن‌اند بر کردار آنچه از پس نوروز»
 «بود و ششم آن مهرگان بزرگ که «رام‌روز» نام است.»

● * اسامی روز های هر ماه :

● ۱ - هورمزد - ۲ - بهمن - ۳ اردیبهشت
 ۴ - شهریور - ۵ - اسفندارشد - ۶ - خرداد - ۷ - ارداد
 ۸ - دیبازر - ۹ - آذر - ۱۰ - آبان - ۱۱ - خور - ۱۲ -
 ماه - ۱۳ - تیر - ۱۴ - گوش - ۱۵ - دیبهر - ۱۶ - ۱۷ -
 روش - ۱۸ - روش - ۱۹ - فروردین - ۲۰ - بهرام - ۲۱ -
 رام - ۲۲ - باد - ۲۳ - دیدین - ۲۴ - دین - ۲۵ - ارد
 ۲۶ - اشناد - ۲۷ - آسمان - ۲۸ - زامیاده - ۲۹ - ساراسیند
 ۳۰ - ایزان .
 این عقاید را روایات و داستانهای ملی نیز تأیید و
 تقویت نمیکرده است .
 ● طبری گوید :
 «فریدون مظهر یافت و ضحاك را بگرفت و بکشت و
 همان روز تاج بر سر فریدون نهاده جهان بروی سیرد
 و آن مهرروز بوده و آنرا مهرگان نام کردند و
 فریدون بملك نشست»

از ماه بهمن و اینگونه روزها را که با سپوند «گان» چون «تیرگان - مهرگان - بهمنگان» میخواندند و در آن روزها جشن میکردند و شادی و سرور میبرداختند.

یکی از سببهای برگزاری جشن مهرگان این بود که در شازدهم این ماه، نام روز با نام ماه مطابقت میکرد. دلیل اهمیت مخصوص مهرگان نسبت به جشنهای دیگر این بود که مانند نوروز سرآغاز یکی از دو فصل معتبر سال بود که در طی آن روزها بر شب فزونی میگردد و بمبارت دیگر روشنائی برآوردگی غلبه میکند و از آن مهمتر اینکه روز مهر و ماه مهر منسوب به ایزد مهر، فرشته بزرگ و محبوب روشنائی و نور بود که او را ایزد خورشید نیز میدانستند و اعتقاد داشتند که خورشید که همواره مورد احترام ایرانیان بوده است در این روز ظاهر گشته و نیز در چنین روزی از ماه که تا آنوقت منخسف و تاریک بوده از خورشید کسب نور کرده است و زمین گسترده شده است و خداوند در این روز «مشاومشانه» را که آدم و حوای آریایی هستند، آفرید و در کالبد جانداران جان دمیده است.

آیین مهرگان در دربار پادشاهان

در عهد هخامنشیان و ساسانیان - سوجتی در عهد بعضی خلفای عرب - و پس از آن تا پایان دوره غزنویان، همه ساله مراسم جشن مهرگان با شکوه تمام در پیشگاه سلاطین برگزار میشده است و در ایام جشن مهرگان که از شازدهم تا بیست و یکم مهرماه ادامه داشته است پادشاهان بارعام میداده و طبقات مردم را بترتیب خاص بحضور میپذیرفته اند. در این روز شاهنشاهان ایران بدن خود را باروغن بآن که متبرک شناخته میشده چرب میکردند و لباسهای فاخر و با شکوه بر تن میکردند و تاجی که صورت خورشید بر آن نصب شده بود بر سر میگذاشتند و نشان خورشید باین معنی بوده که مهرگان، روز آفریده شدن خورشید است. در این روز هنگامی که پادشاه لباس فاخر ویژه آن روز را بر تن میکرد و بر جایگاه مخصوص می نشست، مردمی خوش اندام و خوش سیما و خوش پوش و خوش بیان که از شب قبل در پشت در بانتظار ورود ایستاده بود، بامدادان سرزده برشاه وارد می شد. شاه میبرسید:

— از کجا آمدهای تو را که هرهنمون بوده است؟ همراهت کیست؟ و آهنگت که داری؟

آنگاه میگفت:

من نیروی چیرگی و پیروزم

و از جانب خدا آمدهام

و آهنگ پادشاه دارم

نام خسته

و تخرام نصرت و پیروزی است

و پیرواه خود صحت و سلامت و شادابی آوردهام.

آنگاه شاه باو میگفت:

— درون آی و بدو مینگریست

و پس از وی مردی یا سیدی زرین وارد میشد که درون آن نانهای بود که از آرد انواع حبوبات بدست آمده بود و از هریک از حبوبی که نان از آنها بدست آمده بود هفت دانه و نیز هفت خوشه انگور، هفت سکه، یک شاخه اسفند و هفت شاخه از درختی که پاک نام داشته قرار داشت و بر روی هریک از آنها نام شهری و همچنین کلمات: «افزاید» -

افزون تر کند»

نوشته شده بود و آن مرد سید را بپادشاه تقدیم میکرد در این روز تحف و هدایای بسیار بپادشاه پیشکش میشد و شعرا

و خطبا هریک بنوبه خود بهترین اشعار و اندرزا و خطبهها را تقدیم میداشتند.

این رسوم تا دوره غزنویان در ایران معمول بوده و باشکوه و جلال برگزار میشده است و آثار شعرا و نویسندگان قدیم که بر جای مانده دلیل بر این مطلب است که از آنجمه است: ملکا جشن مهرگان آمد

رودکی
بفرخی و بشادی و شاهی ایران شاه

بمهرگانی بنشست بادبگانه
فرخی
برخیزهانی جاریه، می در فکن در بایطه

آراستان مجلسی از بلخ نارمینیه
آمد خسته مهرگان جشن بزرگ خسرو و نارنج و ناروغان آورده از هرناحیه

پیش تخت تو معرفی خواند شعر تهیت
هم جشن تو بیار و هم جشن مهرگان
امیر معزی

بجوی و عادت آبا بجمع زائران زرده
برسم و سیرت اجداد جشن مهرگان می خور

منوچهری
چون تو کردی نوای مهرگانی
ببردی هوش خلق از مهربانی
نقاسی

و ابوالفضل یقینی آورده است:

«روز دوشنبه دوروزمانه ازماه رمضان جشن مهرگانی
بنشست (سلطان مسعود) و چندان تترها و هدیهها و

ظروف و ستور آوردند که از حلو اندازه بگشت و
صاحبیوان بی نهایت چیزی فرستاده بود نزدیک و کبیل

درش تابیش آورد. همچنان و کلا و بزرگان اطراف
چون خوارزمشاه و التوتاش امیر چغانیان و امیر بزرگان

و ولایت قضا و دیگران و دیگران بسیار چیز آوردند
و روزی بانام گذشت. روز چهارشنبه عید کردند و

تعیبهای فرموده بود امیر رضی الله عنه چنانکه بروزگار
سلطان ماضی پدر رحمت الله علیه (سلطان مسعود) دیده

بودم وقتی که اتفاق افتاد که رسولان ایقان و بزرگان
عراقی و ترکستان بصحرت حاضر بودند و چون عید

کرده امیر از میدان بصفه بزرگ آمد، خوانی نهاده
بودند سخت با تکلف، آنجا نشست و اولیاء و حشم و

بزرگان را نشانندند و شعرا پیش آمدند و شعر بخوانند»
پیوند با گذشته
افتخار آمیز

حمله خانان سوز مغول زخمهای مهلک و غمهای دیربائی
بر دل ایرانیان نهاد که قرنهای متبادی اثر آن باقی مانده

جای جشنها و شادیاها را به غمها و سوگها داد و دیگر حال
و ذوقی برای مردم این مملکت نماند تا به اجرای سننهای

شادی آفرین قدیم و ترتیب جشنهای باستانی از قبیل سده و
مهرگان بپردازند و هنوز آن زخمها روی ایروندی ندیده

بود که تیمورلنگ بر آنها نمک شایید چنانکه اثر سوزش
جانفرسای آن هنوز در روحیات ملت ما باقی است.

اکنون بسیار خوشحال و سرافرازیم که در این عصر
خجسته، سر بجهت تدبیر خدایگان «آریامهر» شاهنشاه بزرگ

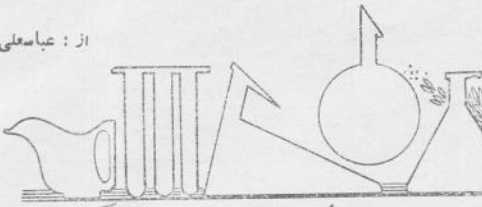
ایران در کار آنست که گرد عقب ماندگی از چهره ایران و
ایرانی بزداید و دردهای دیرینه را در همان کند. بموازات

سایر اقدامات، تجدید آداب و سنن زیبا و باشکوه ملی
زیاد رفتن نیز که چون گل میخهای طلائی ما را با گذشته

افتخار آمیزمان پیوند میدهد، مورد توجه و اعتنا قرار گرفته
است و ترتیب جشنهای فرح انگیز و شادی بخش، هر روز

بصورتی خمیر مایه شادی و سرور در دل ما زانو بنیاد می-
نهد.

از: عباسعلی صرافعی



طب و داروهای گیاهی



معالجه بیماریها و اصول بوجود آوردن تاجائیکه معالجه‌های آنان بالاتر از معالجه‌های یونانیان و هندیان شناخته شد. «بعلاوه پزشکان جندی‌شاپور روشهای علمی اقوام دیگر را نیز می‌پذیرفتند و آنها را با تجربیات و اکتشافات خود تلفیق میکردند و تغییر میدادند. برای فن طبابت نیز مقرراتی وضع کردند و کارها و مطالعات علمی خود را یادداشت و ثبت می نمودند.

این است مطلوب طب جدید: مطالعه روشهای علمی معمولی و تغییر آنها در نتیجه تجربه و آزمایش و انتشار مطالبی که بدست آمده برای استفاده دیگران.

همینکه معلمان این مدرسه‌های تدریس در مدرسه جدیدطب و کاربرد بیمارستانهای بغداد بسوی پای تخت خلفای عباسی شتافتند، مدرسه بطور طبیعی از میان رفت.

معروفترین بیمارستان بغداد آن بود که عضدالدوله بنا کرده بود که تجهیزات کامل و موقوفات فراوان داشت. این بیمارستان دارای داروخانه‌ای بود که داروهای آن از اکناف جهان آن روز، جمع‌آوری شده بود و در ضمن مانند امروز معالجه بیماران سرپایی، معمول و خدمات کارورزی (انترنی) در آنجا متداول بود.

هم‌زمان این وضعیت، در شیراز بیمارستانی وجود داشت که جزء دانشگاهی بود که در آن فلسفه و

در ایران قرون وسطی، حکیم باشی - یا رئیس طبیبان - مقامی بس ارجمند داشت، که گاهی از حیث قدرت با مقام صدارت پهلو میزد.

شاید مفهومی که ایرانیان از بیمارستان داشتند بزرگترین و با دوامترین یادگاری باشد که باروستائیان هیته کرده‌اند. بیمارستانهای جدید نتیجه مستقیم توسعه و بسط مؤسسات ایرانی است.

نخستین بیمارستانی که از آن اطلاع کافی داریم بیمارستان جندی‌شاپور است که در شهری در جنوب ایران نزدیک پاهواز فعلی، دایر بوده است. جندی‌شاپور شهری قدیمی بوده و بیمارستان و مدرسه پزشکی و دانشکده یا دانشگاه آن از زمان شاپور اول (۳۷۱-۳۵۱ ق.م) پی ریزی شده است. با احتمال قوی در آغاز کار در این مؤسسه‌ها تعلیمات یزیدان سانسکریت بوده و روشهای طبی هندی بر سایر روشها غلبه داشته است. با بسته شدن مدرسه (رها) که بسال (۴۳۹-۴۱۸ ق.م) وقوع یافت، بسیاری از معلمان یونانی آن به جندی‌شاپور شتافتند و بی‌شبه روشهای یونانی را هم در آنجا متداول ساختند. از اختلاط این دو روش، روش خاصی بوجود آمد و حائز اهمیت شد تا جائیکه به‌التفصیل مجال داد که چنین بنویسد:

«ایرانیان در علوم پیشرفتهای سریع کردند و روشهای جدید برای

نمی‌توان نا گفته گذاشت که وضع آبرومند طبیب را در جامعه امروزی باید مرهون ایرانیان دانست، چه در یونان و رم پزشکان در وضعی بدوی! آبرومیز بسته‌اند. لیکن مدارک تاریخی نشان دهنده آن است که در ایران اطباق بمقام مشاوره پادشاه میرسیدند. پزشکان یونانی که در جنگ با آن، با پزشکانی که در جنگ با رم شرقی (بیزنطه) باسارت درمی‌آمدند، با عزت و احترام پذیرفته میشدند و با آنان مانند سایر رفتار نمیشد، بلکه بصورت میهمان یا آنان رفتار می کردند. گاهی بزرگترین مشاوران پادشاه که در حقیقت دست راست او بودند، از میان پزشکان انتخاب میشدند، از آنجمله بزرگمهر وزیر خسرو انوشیروان عادل بود (که از ۵۳۱ تا ۵۷۸ = ۹۱ تا ۴۴ پیش از هجرت سلطنت میکرد). شرح حال وی که بقلم خود او است بوسیله «نولدکه» به آلمانی ترجمه شده است. دلیلی که بزرگمهر برای طبابت خود ذکر می‌کند نشانه‌ای از اهمیت اخلاقی است که فن طبابت در آئین زرتشت داشته است.

در زمان خلفای عباسی نیز این مقام محفوظ بود و کارهای دیوانی غالباً وسیله پزشکان تعهد میشد. مثلاً افراد خاندان بختیشوع تاشش نسل طبیب و مشاور مخصوص خلیفه بودند. شهرت ابن سینا در سیاست کمتر از آوازه وی در طب نیست.

طب و نجوم و شیمی و ریاضیات تدریس میشد. در آریل بیمارستانی مخصوص برای نابینان و برای مبتلایان به بیماری‌های حاد و مزمن و برای نگاهداری بچه‌های سر راهی وجود داشت. در بیمارستان کودکان، دایگانی همیشه برای شیردان بچه‌ها آماده بودند.

دری‌ریز هم که امروز وضع قدیمی خود را از دست داده، سال ۱۳۳۸ هجری (۱۶۲۸ میلادی) بیمارستان و مدرسه طبی وجود داشته است.

باید دانست که بیمارستانهای آن روز مانند بیمارستانهای متداول امروز تمام تکالیف مورد نظر را از حیث جراحی و غیره انجام می‌دادند و برخی از آنها وظیفه دانشکده پزشکی امروز را برعهده داشتند.

غالب آنها بسیار کوچک و کارشان محدود بتعلیم شاگردان بود. سالها این رویه ادامه داشت و هر استادی می‌توانست شاگرد خود هر زمان که بخواهد اجازه طبابت بدهد، تا اینکه بغلط بودن این روش پی بردند و سال ۳۱۹ هجری (۹۳۱ میلادی) زمان خلافت المقتدر، نوعی امتحان برای شاگردان مدارس طب مقرر شد. از زوایای تاریخ‌نگاری می‌شود که پس از پایان گرفتن دوران خلافت، موضوع امتحان متروک شد و نوعی اجسازه طبابت جای آن را گرفت. در زمان سلاطین صفویه (حدود قرن دهم هجری) نظارت برشاغلان امرطبابت، از هر مقامی و صنفی که بودند و کارشان ارتباط با طب پیدا میکرد مانند دارو فروشی، نیشتر سازی و، نظایر آنها، به یک فرد غیر طبیب دیوانی ملقب به «محتسب» یا «بازرس کل» واگذار میشد.

اهمیتی که طب پیدا کرده بود و سر و کارش با عموم بود، کم‌کم موجب شد که مقررات اخلاقی برای آن وضع شود و همه ملزم باجرائی مفاد آن باشند. تدریجاً این مقررات حالت کاملاً و بهتری بخود گرفت.

در کتابهایی مانند المدخل تألیف ابن‌الحاج و تعالیم التریبی تألیف ابن‌الانوخه، نکاتی از اخلاق و آداب طبی درج شده و در اختیار اهل مطالعه قرار گرفته است. در کتابهای مقدس زرتشتیان، نظاماتی در باره حق‌العلاج پزشکان وجود داشت که همانها با تغییرات جزئی در دوره اسلامی متداول شد. داستانهائی از حق‌العلاج پزشکان نقل شده که برای

دریافت آن، کار بدادگاهها کشیده شده است.

Bar Hebraeus

بارهبرائوس می‌کند که برای معالجه نوبه (سه‌ویک) دعوت شده بود و چون بمعالجه توفیق نیافته، حق‌القدس را نپرداخته بودند و طبیب نصف حق‌القدس را به این دلیل مطالبه میکرد که اگر بیمار را کاملاً شفانداده لاقبل بیماری او را به (شش‌ویک) تبدیل کرده است.

زکریای رازی کتابی در باره بینائی نوشت. وی اولین کسی است که در باره عمل آب مروارید نظریه داده و کتابی نگاشته و در مقابل واکسن طبیعی مردمک با نورخورشید گفتگو کرده است.

در این زمینه باید برای ابن‌سینا هم، که معالجه مجرای اشک را با گذراندن میل طبی در آن، متداول ساخت، سهمی قائل شد. می‌توانیم از جبرئیل بن‌عبدالله که یکی از افراد خاندان بختیشوع و چشم‌پزشک عضدالدوله بوده و رساله‌ای هم در باره چشم نوشته است یاد کنیم.

نخستین کسی که در این باره کتابی بزبان فارسی نوشت محمدبن منصور جرجانی است. این کتاب مرکب از ده مقاله است که بخصوص هفتمین آن جنبه فنی و علمی دارد و بسیار جالب است.

دومین کتابی که بنظر نگارنده رسیده کتابی است در طب فارسی تألیف سید اسماعیل جرجانی طبیب نامدار قرن ششم هجری بنام «الاعراض الطبیعه و المباحث العالیه خوارزمشاهی» که جمعا ۴ کتاب در مباحث مختلف طبی بحساب می‌آید (این مجلد در شهر روم ماه ۱۳۵۵ با سرمایه بنیاد فرهنگ ایران که زنده‌کننده ادبیات کهن و معرف ارزنده کتب متروک و از یاد رفته پارسی نویسان است و ریاست یافته آن با شهبانوی گرامی ایران علی‌احضرت فرح پهلوی و نیابت ریاست آن با والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

میباشد بسبکی بسیار زیبا، عین‌نسخه اصلی باعکسبرداری و کلیشه دو رنگ چاپ رسیده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است).

بسیاری از پزشکان خارجی در مورد طب بالینی برای ایرانیان بهم و اعتبار قائلند. همه کسی میدانند که «رازی» نخستین کسی است که آله را از سرخک تمیز داد. توصیفی که وی از این بیماری کرده وسیله انجمن «سیدنهم» با انگلیسی ترجمه شده است. اما نمیتوان بطور مطمئن حکم کرد که رازی به مری بودن آله برده باشد. ایرانیان برای جلوگیری از ابتلای بآله از تلقیح بازو و بیازو استفاده میکردند. احتمال است که این رویه مقتبس از چینان باشد. نظر ارباب علم بر این است که ابن‌سینا متوجه تفاوت بین یرقان دموی و یرقان مسدود کننده شده است. توصیفی که ابن سینا از بیماری ورم غشاء مغز (مننژیت) کرده موجب شده است که برخی از مورخان وی را متخصص در بیماری‌های اعصاب بدانند که بر زمان خود پیشی گرفته است. گر چه با مطالعه کتاب قانون تألیف ابن‌سینا، اهل مطالعه پی برده‌اند که وی از تمام عقاید نادرست معاصران بهره داشته، ولی پیروی وی از عقیده ابن‌هشیم در باره علل بینائی که مخالف معتقدات زمان بوده امروز صحت آنها به ثبوت رسیده است، موجب قدر و اعتبار ابن‌سینا است.

پیشرفت ایرانیان در معالجه امراض زیادتر بود تا در تشخیص آن. دارونامه‌های مدون مبتنی بر دارو - های گیاهی بود. که از آنجمله: سنا، کافور، جوزهندی، بنجک، سنبل، فلوس، تمر و مهمتر از همه نیشکر است.

نظریه اهل فن بر این است که ایرانیان از حدود گیاهان تجاوز کردند و بنارونامه‌های خود تعداد زیادی دواهای شیمیائی افزودند که بقیه ۲۵۴ درصفحه ۴۷

- بسیاری از داروهای معروف اصل و منشاء ایرانی دارند.
- موفقیت‌های بزرگ دانشمند ایرانی در معالجه بیماریها با داروهای گیاهی
- وضع مقررات در طب وسیله ایرانیان
- نخستین بیمارستانی که از آن اطلاع داریم ...

جلوه‌های پر شکوهی که به اوج میرسد

ز بلندی‌های دیوار زمان جلال و عظمت
گذشته‌ها را دیدن و تماشا کردن ، هم
دل‌انگیز است و هم شوک‌هنگام . دل‌انگیز

از آن جهت که این گذشته از آن ما است و پیوندی
با ما دارد که با لحظه‌های سیری شده ، نسل به نسل
و سینه به سینه بنا رسیده است ؛ شوک‌هنگام برای آنکه
ملیت ما است و عرق ملیت بنا به صیانت غریزه
اجتماعی بودن انسان ، در نهاد هر فردی می‌جوشد و
می‌خروشد .

تجلیل از گذشته و تاریخ يك ملت ، شاید گاه
از سر حسرت باشد و یا تقاضی را دربرگیرد . در
حالی‌که امروز در کشور ما این تجلیل ، هدفی را
دنبال می‌کند که هم از عرق ملیت و پیوند ناگسستی
ما ایرانیان سرچشمه دارد و هم مفری است تا منطق
انسانی و پادشاهی ایران در روال حاکمیت و حکومت،
مورد قضاوت جهانیان قرار گیرد .

۳۰۰ ساله باعقب برگشتن و از سیر و حرکت
و جهت‌های سازنده و انسانی پادشاهی ۳۰۰ سال قبل
یادکردن ، نشانه آنست که تاریخ بررسی شود ، تاریخ
حیات يك ملت مجدداً احیا شود و زیر و به‌های
انسانی و اجتماعی پادشاهی قادر و بشردوست از میان
هاله زمان صورت عینی بخود بگیرد .

لحظه‌های پر شکوه سالگرد ۳۰۰ سال از عمر
پادشاهی ایران دارد فرامیرسد و در چنین روز های

حساس ، چهره‌های مردم ، رنگ و روی شهرها ،
کوچه‌ها و خیابانها و همه نموده‌های حیاتی سرزمین
ایران بطور قابل توجهی تغییر کرده است . نشاط و
انتظار ، شادی و التماس با همه لطافت در گوشه و
کنار هر محیطی که شور زندگی، در آن می‌جوشد و
می‌خروشد در حرکت و در جریان است .

باید انعام داشت که شکون و بین این یادآوری
بیش از هر چیز تزیین روستاهای ایران شده است زیرا
اگر شهرهای ما در روزهای جشن از برکت نئون و
غول روشنائی الکتریک ، خیره‌کننده میشود ، ولی در
روستاهای ما این روشنائی از فضای عینی به فضای
معنوی نفوذ می‌کند و علم و دانش بیاری جوانان‌سباهی،
دل و جان روستائیان و روستازادگان را روشن و
تابناک میسازد . آنجا که سخن از جشن و رسم و سنت
و خاطره‌های بنیانی می‌آید این سؤال مطرح میشود که
این جشن و رسم و سنت و خاطره به چه گروهی از
اجتماع و یا به چه سلسلی از جامعه تعلق دارد .

تجلیل از تاریخ ۳۰۰ ساله شاهنشاهی ایران ،
سنت و خاطره‌ای است که از يك سو همه فضای اجتماعی
کشور ما را دربر میگیرد و از سوی دیگر تلاشی
است در نشان دادن عظمت ایران و خصوصاً صورت
جهانی‌گرفتن این جشن . حضور زمامداران کشورهای
مختلف در ایران ، آمادگی يك يك انبای وطن در
چه باشکوهر جلوه‌دادن حاکمیت ایران، لحظه‌درخشان
و حماسی است که نه تنها ارزش و اعتبار بشریت ،
حکومت ، ملیت و قومیت يك جامعه را احترام‌آمیز
صحه می‌گذارد ، بلکه ندا و صلابت مهر‌آمیزی است که
خشونت‌ها ، جنگ‌ها و دوگانگی‌های دور از فرهنگ
را محکوم و متکوب خواهد کرد .

ملت ایران می‌خواهد نشان دهد که اولین پادشاه
ایران اگر صلابت بردوستی و حفظ حقوق انسانی را
در برهوت زمان سرداد ، امروز پادشاه ایران دارد
جلوه‌های پرشکوهر را باوج میرساند .

اتزام ۳۸۰۰ سپاهی رزمنده میدان فرهنگ برای
تدریس در ۳۰۰ مدرسه یادبود ، شعاع کوچکی از
این روشنائی است که می‌رود تا عدالت را ، فرهنگ
را و منطق انسانی را در جامعه ایرانی از برکت حکومت
پادشاهی خلف از سلف مانده ، موجودیت و واقعیت
بخشد .

سپاهیان ما فردا نشان خواهند داد که بشیر این
شعاع درخشاند و بشیر فرهنگ و عدالت ؛ و مدلسا
فردا روزی خواهد بود تا فضیلت قوم ایرانی ، عدالت
اجتماعی ایران ، حکومت‌های سازنده و خیرخواه
ایرانی مورد توجه زمامداران قرار بگیرد ، باشد تا
سالگرد شاهنشاهی ایران با نبوغها و نیات انسانی‌ان،
آغاز يك جنبشگی جهانی و مولود يك مهر و دوستی
بشری گردد .

وقتی که صحبت از علم بطور اعم می‌شود، ذهن ما در مرحله اول بر میگردند بسوی فلسفه - مادر علوم انهم در یونان قدیم. در آنجا بود که فلسفه نقطه بست، رشد کرد و به اوج رسید و به مفهوم و معنای آرزوی خود همه‌علوم را در آغوش خود پروراند و به ثمر رسانید و به هیاتی رشد کرده و بالغ و کامل از خویشتن جدا کرد. در این مسیر اولین کودک خف فلسفه و یا در واقع طفل ارشد وی، ریاضی بود که به منظم‌ترین و عقلی‌ترین علوم موسوم است زیرا که همه قضایا و قوانینش بر مبنای عقل انسانی متکی است.

روانشناسی از نظر مادر، تقریباً کودک ما قبل آخر است که قبل از علوم اجتماعی از ما جدا شده، قواعد و قوانین دقیق و علمی خود را تنظیم کرده و خود نیز به رشته‌های مختلف تقریباً ۱۸ رشته تقسیم شده است. با توجه باین مختصر، میتوان در باره این علم گفت که قدمت آن کشیده می‌شود به اولین شناساگرهای انسان از محیطش و خودش. پس همانطور که یکبار نیز تکرار کرده‌ام. طول عمر روانشناسی پاندازه طول عمر انسان است که برای اولین بار در آنسوی تاریخ و در آنسوی مرز نوشته‌ها، در مقابل طبیعت خشن، خشک، بی-احساس، رام شد. قد علم کرد، ایستاد و چوب دستی ناصافش را با هراس، اما با اعتماد به‌خاک تکیه داد و اولین قدمش را برداشت. و امر کرد به خاک و باد و آب، و بعداً به آتش که به فرمان من باش، و درون دستهای من جاری شو، و مرا برکت و قوت بخش. بدین ترتیب این اولین تلاشهای انسان بود برای توجیه ارتباطش با آنچه که در درونش بود و با آنچه که در بیرون از وی و در طبیعت، بصورت نور و باران و عوامل بخشنده و یا عوامل ترسانک و بنظر وی وحشت‌آور - متجاسمی بود و فعالیت‌های انسان آرزوی را بخود معطوف میداشت و به متقاضی شناسایی که آن انسان اولیه از خویشتن و از روح خود داشت، برای همه عوامل طبیعت‌جان و روحی می-انگاشت نیرومند و پر قدرت، مانند روح و جان خودش که می‌بایست آنرا بشناسد و ستایش کند و بکوشد که مهر و عطوفت‌وی را جلب نماید و برکت و بخشش وی را بخود منحصر سازد.

در حدود ۶۰۰ سال قبل از تولد مسیح و تقریباً تا ۱۰۰۰ سال بعد از آن، هوشمندان یونانی قوانین جهان را که از رابطه انسان با آن جهان بوجود آمده بود در اثر مشاهده درک کرده و توضیح داده‌اند که مقدار فراوانی از عقاید آنها هنوز هم اعتبار و سندیّت خود را از دست‌ننداده است:

امپدوکلس Empedocles

که بین سالهای ۴۹۰ و ۴۳۰ قبل از میلاد می‌زیسته است اعتقاد داشت که جهان از چهار عنصر «خاک» و «هوا» و «آتش» و «آب» بوجود آمده است، و بقراط حکیم نیز همین چهار عنصر را سازنده سرشت آدمی میدانست که ترکیب و نحوه ترکیب آنها چگونگی رفتار و اندیشه انسانی را تضمین می‌کرده است و هنوز هم مساله تب و معالجه وضع فیزیکی بدن مورد توجه و علاقه محققان می-باشد. افلاطون در ۳۴۷ - ۴۲۷ ق م پیوسته از عوامل توجه داشت: یکی اشیاء و دیگری ایده‌ها و بنظر او، ایده‌ها از دو منبع سرچشمه می‌گیرند: مقداری از آنها درونی بوده و ناشی از روحند و مقداری نتیجه کار اعضاء حسّانند. از همین جاست که مساله دوگانگی جسم و روح هم در فلسفه و هم در روانشناسی مطرح می‌شود و بالاخره تکیه هوشمندترین هوشمندان یونان (ارسطو) روی عوامل بدنی- که قبلاً بیان شد در کشاندن علم روانشناسی بسوی بلوغ و رشد و تکامل سهمی عظیم دارد.

بعد از ارسطو بیشتر دانشمندان یونان بسوی اخلاق و علوم اخلاقی، و بی‌ریزی مباحث آن کشیده میشوند. از جمله زنون می‌اندیشید که مرد عاقل مردی است که مطابق قواعد عقل رفتار کند و غلیان و جوشش شهوت را مهار کند و نسبت به رنج و شادی بی تفاوت باشد. و اپیکور (حدود ۲۷۰ - ۳۴۲ ق م) فکر می-کرده که غایت و هدف اصلی واقعی و مورد پذیرش زندگی عبارتست از لذت پایدار و واقعی و قابل اعتماد. وی معتقد بود هر عملی و هر اقدامی و هر چیزی که بتواند چنین لذتی را در فرد بوجود آورد، خیر است و نیکو، که متأسفانه امروز بعلم‌عدم درک عقیده اصلی و امیل اپیکور، بیشتر زندگی توأم با خور و خواب و شهوت و لهو و لعب و غلتیدن

آیا کودک ما قبل آخر فلسفه، فرزند خلفی است؟

از: پرویز صالحی

دنیاه مطلب را در صفحه روبرو
مطالعه فرمائید

تعلیم و تربیت و قوانین روانشناسی اینک به اوج خود نزدیک شده و زیر و بم روح و نیازهای وی و نحره سازگار کردن را درک کرده است

در لذت های زود گذر و تند و مبتذل
جسمانی به زندگی اپیکوری منسوب
می گردد که با عقاید هوشمندانه وی
تفاوت بسیار دارد .

بعد از تولد عیسی و پیروزی -
های اولیه مسیحیت ، توضیحات علمی
و فلسفی بیشتر در خدمت توجیه و
ترویج دین بکار گرفته می شد و رهایی
و آزاد شدن روح و نفس انسانی نقطه
نظر متفکران بود . سنت توماس آکوئینی
سمی داشت که بین علم و دین هماهنگی
و ارتباطی بوجود آورد و پل ایجاد
کند . و هم او بود که عقیده داشت
حقایق علمی بر مشاهده و آزمایش
متکی است در حالیکه حقایق دینی
به قدرت الهی و خدائی کلیساستکی
دارد .

بالاخره در طول قرنهای ۱۵ و
۱۶ ، تمدن غربی ، در همه جوانب ،
توسعه ای عظیم پیدا کرد و در قسمت
های مختلف مانند هنر ، ادبیات ،
موسیقی و اکتشافهای جغرافیائی وسعت
یافته دامنه علم را وسیع تر و وسیع تر
نمود . در این راه میتوان از دانشمندان
نامبرده زیر یاد کرد و خاطر نشان را
گرامی داشت : کپرنیک در ستاره
شناسی ، کیپلر در ستاره شناسی ، نیوتن
در فیزیک و روانشناسی ، هاروی در
فیزیولوژی و ... که بدون تردید
بشترین فایده ای که این دانشمندان
عاید علم و بخصوص علم روانشناسی
کرده اند ، عبارتست از تکیه آنها بر
مطالعه عینی حقایق و امور ، و
کشاندن علوم ذهنی از این راه
حیطه علوم تجربی و پیروزی بنای
آنها بر روی تجربه و آزمایش ، و
بخصوص روانشناسی که تقریباً از
سال ۱۸۱۵ با بن سس ، توانسته است
در این طریق و در این مسیر به -
نشافت های فراوان دست یابد ،
مقدار اوانی از مشکلات انسانی را
درک کند و همراه و یاریای علوم
دیگر ، رسالت عظیم خویش را بر
دوش کشیده تحمل کند . در این
حیطه تعلیم و تربیت ، و بطور کلی
علوم تربیتی روانشناسی توانسته است
نظام های کهن را در هم نوردد و
با توجه به پیشرفت های همه جانبه
انسانی و ریزه کاریهای روح و
احتیاجات روحانی و مادی انسانی
طرح هایی نو برانگیزد و اینک می-
تواند ادعا کند که در شناسائی انسان و
تعلیق وی و ایجاد عالیترین و بالاتر
ترین حد سازگاری کام های بلند و
مؤثر برداشته به اوج پیروزی و
موفقیت نزدیک شده است .



«باخواندن این مقاله تملیه اطلاعات»
 «مهم درباره دوهوار و پانصد سال»
 «شاهنشاهی ایران را بدست خواهید»
 «آورد»

از : ناصر انتطاع



۲۵۰ سال شاهنشاهی

ارقام سخن میگویند

ساعت ۲۴ روز نوزدهم مهرماه یکهزار و سیصد و پنجاه هجری شمسی (یعنی به هنگامی که جشنهای بزرگ دوهزار و پانصد سال شاهنشاهی در سراسر جهان آغاز می شود) درست از هنگامی که کورش بزرگ بنای عظمت ایران را استوار کرد ، سی هزار ماه می گذرد . یعنی سی هزار بار ماه نو بر آسمان استقلال و عظمت این آب و خاک تابیده و به عبارت دیگر یکصد و سی هزار هفته از آن تاریخ گذشته است . یعنی ۹۲۲۵۰۰ روز متوالی آفتاب درخشان آسمان از افق خاور بر پرچم شاهنشاهی

ایران تابیده و سپس در افق باختر غروب کرده است . در حقیقت ۲۱۹۰۰۰ ساعت که معادل ۳۱۴۰۰۰ روزه و ۱۳۸۴۰۰۰۰ ثانیه است ، نام «ایران» بر صفحه پهنای گیتی ، یا نام «شاهنشاهی» قرین بوده است ، و در سراسر این چنین زمان درازی ، همه مردم جهان ، ایران را «کشور شاهنشاهی ایران» نامیدند .

سلسله ها و شاهنشاهان

در این زمانهای دراز که ایران را ازورای تاریخ به امروزمی پیوند تا آنجا که تاریخ مدون ایران نشان میدهد ، بروی هم ۳۴ سلسله (به استثنای سلوکیها که ایرانی نبودند) زمام امور این کشور را بدست داشته اند و این ۳۴ سلسله از ۳۱۵

پادشاه و امیر تشکیل یافته است که به ترتیب عبارتند از : هخامنشیان ۱۲ نفر ، اشکانیان : ۲۰ نفر ، ساسانیان : ۳۵ نفر ، طاهریان : ۵ نفر ، صفاریان : ۷ نفر ، علویان : ۴ نفر ، سامانیان : ۱۰ نفر ، آل زیار : ۶ نفر ، آل بویه (امرای فارس) : ۷ نفر ، آل بویه (امرای ری و اصفهان) : ۶ نفر ، آل بویه (امرای عراق و خوزستان) : ۷ نفر ، غزنویان : ۱۱ نفر ، سلجوقیان بزرگ : ۸ نفر ، سلجوقیان کرمان : ۱۳ نفر ، سلجوقیان عراق : ۹ نفر ، خوارزمشاهیان : ۷ نفر ، اتابکان آذربایجان : ۶ نفر ، اتابکان فارس : ۱۰ نفر ، اتابکان لرستان : ۲۱ نفر ، ایلیخانان ایران : ۱۱ نفر ، قراختیایان : ۹ نفر ، ملوک کرت (آل کرت) : ۸ نفر ، مظفریان (آل مظفر) : ۷ نفر ، ایلیکانان (آل جلایر) : ۸ نفر



سریداران: ۱۲ نفر، چوپانیان: ۲ نفر، گورکانان: ۹ نفر، قره‌قویونلو: ۴ نفر، آق‌قویونلو: ۹ نفر، صفویان: ۷ نفر، قاجاریه: ۲ نفر و سلسله‌پهلوی تاکنون: ۲ نفر.

از این ۳۱۵ پادشاه و امیر که بر این سرزمین و ملت سلحشور آن حکم رانده‌اند ۷۷ پادشاه قبل از ظهور اسلام و حمله عرب (۱۵) پادشاه از سلسله سلوکی‌ها در این رقم به حساب نیامده است) و ۲۳۸ تن دیگر که بعد از یورش تازی‌ها سلطنت کرده‌اند. یعنی ۴ سلسله‌قبل از اسلام و سی سلسله نیز بعد از آن تشکیل شده است.

جوانمردان جاوید

به این عده‌ی سیصد و پاترده نغری، باید نام شش تن قیام‌کننده بر ضد تسلط عرب را نیز افزود. آن شش تن شجاع‌نامدار به ترتیب عبارتند از: ایومسلم خراسانی، سنباد، استادسیس، هاشم‌بن‌حکیم (المقتع)، یابک خرم‌دین، ومازیار که‌نماشان جاوید و ارواشان شاد باد.

از سیصد و پاتزده پادشاه، تنها چهارتن دارای لقب «کبیر» شدند: کوروش، داریوش، شاه‌عباس و رضا شاه.

مدت فرمانروایی

ضمناً دوران سلطنت تنها چهل تن از ۳۱۵ شاهنشاهی که بر این کشور فرمانروایی کرده‌اند ازمرز «سی‌سال» گذشت که از آن جمله‌اند: اردشیر دوم، مهرداد اول، فرهاد چهارم انوشیروان عادل، خسرو پرویز،

یزدگرد سوم، سلطان محمود غزنوی، امیر تیمور گورکان، شاه تهماسب صفوی، شاه عباس کبیر، شاه سلطان حسین صفوی، فتحعلیشاه قاجار، ناصرالدین شاه قاجار و محمد رضاشاه پهلوی (آریامهر). از میان این گروه نیز شاپوردوم (دوالاکتاف) با ۶۹ سال سلطنت، صاحب‌طولانی‌ترین مدت شاهنشاهی در سراسر تاریخ ۲۵۰۰ ساله‌ی این سرزمین محسوب می‌شود. ضمناً بدنیست بدانید که دوران سلطنت شاپور دوم از طول عمر این پادشاه نیز بیشتر بوده چون از ۵ ماه قبل از تولدش به سلطنت رسید و تاج را بالای سر مادرش قرار دادند و این سلطنت تا واپسین دم حیات شاپور ادامه داشت. مدت فرمانروایی خودکورش کبیر به گفته‌ای ۲۰ و به گفته‌ای ۲۹ سال بوده است.

ضمناً از میان این ۳۱۵ پادشاه، دوران‌پادشاهی—چهارپادشاه‌بنام‌های «خرادخسرو» و «خسرو» و «هرمز پنجم» و «فیروز دوم» که هر چهار تن از شاهان سلسله ساسانی بودند، کوتاهتر از همه بود (یعنی هر یک فقط چندروز سلطنت کردند).

بیش‌ترین و کم‌ترین

پادشاهان سلسله

از ۳۴ سلسله‌ی نامبرده شده، ساسانیان با ۳۵ پادشاه، پیرشاهنشاه‌ترین و چوپانیان با ۲ شاه، کم‌فرمانروا‌ترین سلسله‌ها محسوب می‌شوند.

عمر سلسله‌ها

عمر سلسله اشکانی با ۴۷۴ سال زمامداری در درجه نخست قرار دارد و پس از آن ساسانیان با ۴۲۸ سال حکومت طولانی‌ترین حکومت‌ها را داشتند و در عوض دوران حکمرانی سلسله چوپانیان نیز با ۲۰ سال فرمانروایی کوتاه‌ترین عمر در سلسله‌های یاد شده به حساب می‌آید. پس از چوپانیان، سلسله‌های آق‌قویونلو و زندیه، به ترتیب با ۳۶ و ۳۷ سال سلطنت کوتاه‌ترین سلسله‌ها از نظر طول‌مدت فرمانروایی بشمار می‌آیند.

پادشاهان زن

قسمتی از افتخار ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران نیز متوجه زنان است. از ۳۱۵ شاهنشاه، ۷ نفرشان «زن» بوده‌اند که به ترتیب عبارتند از: پوراندخت، آذرمیدخت، سیده ملک‌خاتون، ابش‌خاتون، بانوقتلغ ترکان و بانو صفوات‌الدین (پادشاه خاتون).

پایتخت‌ها

در این دوران دراز، شهرهای گوناگونی به پایتختی ایران برگزیده شدند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: تهران، شیراز، اصفهان، قزوین، تبریز، بخارا، مراغه، همدان، ری، تیسفون، شوش. به هر صورت، بیست و پنج قرن‌شاهنشاهی ما آکنده از افتخارها، پیروزی‌ها، شکست‌ها و ناکامی‌هاست که اگر بخواهیم آماری در هر زمینه تهیه کنیم صد‌ها و شاید هزاره‌ای‌برگ شود. این بود که تنها به‌یادآوری اهم مطالب آن قناعت‌شد.



پل گوگن در هفتم ژوئن ۱۸۴۸ -
 سالی که انقلاب فرانسه آغاز شد -
 در خانه شماره ۵۶ «روبوتردام»
 دولتره، پاریس چشم دنیا گشود -
 پدرش از هواخواهان جمهوری بود
 و سر دبیر روزنامه انقلابی ناپیونال
 را بعهده داشت. در سال ۱۸۵۱
 خانواده او از راندریا به پاریس رفتند.
 پدر گوگن در کشتی مرد و از آن
 پس تربیت پل را مادرش به تنهایی
 بعهده گرفت. مادر پل «آلین شازال»
 دختر شازال هنرمند مشهور گرافیک
 و مادر بزرگش «فلورا ترستان»
 نویسنده کتاب «در باره فقر موجود
 در کشور پرو» نیمه اول قرن نوزدهم
 بود.

د رسال ۱۸۵۰ پل به همراه مادرش
 به پاریس بازگشت و در یک مدرسه
 کاتولیک مشغول درس خواندن
 شد و در ۱۷ سالگی در کشتی تجاری
 «لوسیانو» بین بندر «لوهاور» و
 «ریودو ژانیرو» بکار پرداخت.
 اغلب سفرهای طولانی میرفت و همین
 سفرها بود که رویاهای آینده او را
 از جزایر اقیانوسیه و زبان نیمه برهنه
 هاوایی به ریزی کرد.

در سال ۱۸۷۸ کار در کشتی
 را ترک کرد تا در یکی از بانکهای
 پاریس استخدام شود. او که در طی
 سفرهای طولانی خود مرد
 جهانگردی شده بود، در اندک مدتی
 در کارش آنچنان موفقیتی بدست
 آورد که درآمدش را ۲۰۰ هزار
 تومان در سال رسانید. در همین سالها
 با یکی از همکاران خود بنام
 «شوفنه کر» دوست شد. چندی بعد
 با دختری از یک خانواده مرفه
 دانمارکی بنام «متزوفی گاد»
 ازدواج کرد و یکسال بعد از عروسی
 صاحب اولین پسر شد. مت و پل زندگی
 مرفه داشتند.

گفتم که در ابتدا پل با همسرش
 کمک میکرد و گاهگاه نیز خود را با
 طراحی سرگرم میساخت و یکشنبهها
 نیز با دوستش شوفنه کر بدیندن
 نمایشگاهها میرفت. اندکی بعد
 چنان به نقاشی علاقمند شد که بیشتر
 شها تا دیر وقت به طراحی می -
 پرداخت و یکشنبههایش را نیز به
 نقاشی اختصاص داده بود. علاقه
 به نقاشی در گوگن به جایی رسید که
 به جمع آوری آثار نقاشان انقلابی
 امپرسیونیست پرداخت.
 در سال ۱۸۷۶ یکی از طرحهایش
 را در سالی بنمایش گذاشت و مورد
 تشویق قرار گرفت و این امر به

علاقه اش نسبت به نقاشی افزود. در
 همین زمان بود که با پیسارو و سزان
 آشنا شد و این آشنایی به دوستی
 صمیمانه ای انجامید تا آنجا که اکثرآ
 با آنها برای نقاشی از طبیعت به
 حومه پاریس میرفت و رفته رفته
 تحت تاثیر پیسار و به امپرسیونیسم
 روی آورد. در سال ۱۸۸۰ چند
 تابلو و یک مجسمه از آثار خود را
 به معرض نمایش گذاشت. در موقعی
 که زندگی پل با همسرش مت، روبه
 سردی گذاشته بود، بیشتر از پیش
 به نقاشی روی آورد. در ششمین
 نمایشگاه امپرسیونیستها شرکت کرد
 و مورد تحسین فراوان قرار گرفت،
 اما در نمایشگاه هفتم این گروه
 موفقیتی بدست نیاورد. در سال ۱۸۸۲
 بورس پاریس دچار ورشکستگی شد
 و عواید گوگن به سفر رسید، ناچار
 ناچار از ذخیره ای که داشت شروع
 به خرج کرد که آن هم دیری نمانید

در اوایل ۱۸۸۸ به پاریس بازگشت.
 تابلوهایی که گوگن از این سفر
 با خود آورد، همگی از امپرسیونیسم
 دور بودند. در این تابلوها رنگهای
 غنی تر و شفاف تری بکار رفته بود
 که خاص مناطق استوایی بود.
 تابلو «انگوک»، برادر و نسان
 و «انگوک» (نقاش معروف هلندی)
 نمایشگاهی از کارهای گوگن بر پا
 کرد و پس از این نمایشگاه بود
 که گوگن بکلی از امپرسیونیسم روی
 گرداند و به نظریات سزان در طرز
 امپرسیونیسم صحنه گذاشت. سطوح
 در نقاشیهایش پهن تر و وسیع تر شد
 و خطوطی ساده با رنگهای خاص در
 تابلوهایش بوجود آورد.

در این دوره آثار او بیشتر به
 سمبولیسم گرا تبدیل و برای بیان روشن تر
 و مؤثرتری از تصور ذهنی و یا
 حالت انفعالی خود به تحریف خطوط
 و رنگها پرداخت.

ارزش تابلوهای گوگن از ۱۱۵ دلار

به ۳ میلیارد دلار رسید!

هشتمندی که پس از یک عمر سرگردانی،
 در میان فقر و بیماری و تنیائی با زندگی

وداع کرد

در همان سال گوگن به آرل
 در جنوب فرانسه رفت به این امید
 که میتواند باوتسان وانگوک که در
 خانه زرد خود در آرل اقامت داشت
 کار کند. مدتی این دو در کنار هم
 بکار پرداختند. اما دیری نمانید
 نامازگاری، گوگن آغاز شد. او
 اغلب در بحثهای وانگوک راجحان
 می آزد که کارشان به جدا می -
 کشید. این بحثها و جدالها بطوری
 اعصاب وانگوک را خسته کرد که
 طولی نکشد به بحران انجمید
 یکتب در کافه ای که شام می -
 خوردند، وانگوک گلاس شرابش
 را بطرف گوگن پرتاب کرد. گوگن
 خود را بکناری کشید و وانگوک
 غش کرد. فردای آفریوز، گوگن
 در میدان شهر قدم میزد، یکباره
 احساس کرد کسی در تنه ای اوست.
 روی گرداند و وانگوک را دید که

و در عرض یکسال تمام شد. گوگن
 بنابه خواهش همسرش به یکبهالکرفت
 و در آنجا به استخدام شرکتی درآمد
 ولی در این کار هیچ موفقیتی بدست
 نیاورد و ناچار نزد خانواده اش
 بازگشت.

در سال ۱۸۸۵ بدنبال تراعی که
 با خانواده اش کرد همراه پسر ۶
 ساله اش «کلویس» به پاریس رفت.
 در پاریس گرفتار فقر شدیدی شد
 بطوریکه بهر کار کوچکی دست میزد
 حتی مدتی مأمور چسباندن آکهی
 پدیوارها شد. اغلب او و پسرش
 گرسنه بودند و حتی جایی برای خواب
 و استراحت نداشتند. عاقبت مت به
 پاریس آمد و پسرش را با خود برد.
 گوگن در بهار ۱۸۸۶ در آخرین
 نمایشگاه امپرسیونیستها شرکت کرد
 و پس از چندی با یک نقاش جوان
 پسرزمینهای استوایی سفر کرد و

تبع برهنه‌ای در دست دارد. گوگن به او دستور داد که پخانه برگردد و خود به هتل رفت. وانگوگ تحت تأثیر نگاه نافذ گوگن به پخانه می‌گشت، گوش خود را بریده، آنرا در پاکتی گذاشت و برای زن بدکارهای هدیه فرستاد. چند روز بعد گوگن، آریل را ترک کرد و به پاریس بازگشت.

در سال ۱۸۸۹ با گروهی از پیروان خود نمایشگاهی در کافه ولین ترتیب داد. پس از نمایشگاه به دهکده «بن‌آون» رفت. اغلب نقاشان بخاطر طبیعت زیبا و مناظر سرشار از رنگ بن‌آون به اینجا هجوم می‌آوردند. گوگن تابلو- معروف «مسیح زرد» و «وجدان فرشته و یعقوب» را در همین دهکده بوجود آورد. در این تابلوها قرم و رنگ در کمال سادگی به روی بوم منتقل گشته است. او در سال ۱۸۹۷ در نامه‌های بدوستی می‌نویسد:

«بزرگترین خطا، توجه به هنر یونان است. باید هنر ایرانی‌ها را در نظر داشت و از هنر مصر هم غافل نبود»

ون گوگ تحت نفوذ او

گوش خود را برید

و گوگن در آوریل ۱۸۹۱ بار سفر را بست. این سفر ۶۶ روز طول کشید. در ۸ ژوئن ۱۸۹۱ با یکدنبیا امید و آرزو به پایتخت تاهیتی رسید و بلافاصله تصمیم گرفت که او از تاهیتی به عنوان یک تاجر داشته باشد. قتر و گرسنگی و استعمار در این سرزمین غوغا میکرد.

در تاهیتی، گوگن بجای معاشرت با مسیونرها و کارمندان فرانسوی، فقط با بومیان می‌جوشید. بیشتر اوقات در بازارین بومیان سرگردان بود. یادختری بنام «تی‌تی» آشناده بود و دائم در کنار این دختر به شب زنده‌داری و مشروب خواری می‌گذاشت. تاهیتی را یکی کنار گذشته بود. سه ماه بیشتر نگذشته بود که

در جای دیگری می‌نویسد: «فکر تقلید از طبیعت را از سر بردارید. هنرمند باید در هر اثر چیزی هم از خود باقی بگذارد. زیبایی‌ها را از طبیعت بیرون بکشید و اندکی هم از احساس وجود خود در آن کار ببرید. همیشه به آفریدن فکر بکنید تا به نتیجه» گوگن نه تنها بر علیه امپرسیونیسم و رئالیسم شورش کرد بلکه تمایل جدیدی را بوجود آورد که اندکی پس از مرگش ماه به اصلی هنرمندین شد.

در سال ۱۸۹۱ تصمیم به سفر گرفت او «تاهیتی» را برای زندگی برگزید. بود. در حراجی که در گالری «درو» پریا شد، ۳۰ تابلو از آثار او در مقابل ۲۰۰۰ دلار بفروش رفت



تغییر آب و هوا و شب زنده‌داریهای بیش از حد، کار را بجائی رساند که گوگن سکنه کرده و به بیمارستان نظامی منتقل شد.

پس از چندی که سلامت خود را باز یافت، به دهکده‌ای در ۲۵ مایلی ساحل رفت و در آنجا کلبه‌ای کرایه کرد و دختری را بعنوان «همسر بومی» خود برگزید.

گوگن در این دهکده سرسبز و طبیعت سرشار از رنگ، آرامش خود را بازیافت و در عرض یکسال ۶۰ تابلو و تعداد زیادی کهنه کاری‌روی چوب بوجود آورد.

وجود تابلوها گوگن را به‌وسوسه انداخت و او را وادار کرد که برای پدمت آوردن پول در صدد فروش تابلوها برآید. بهمین جهت با سفر بست ودر ۳۰ اوت در بندر ماریسی از کشتی پیاده شد و از آنجا به پاریس رفت. ولی تابلوها بفروش نرسید. مدتی در بی‌پولی و فقر زندگی کرد تا آنکه ۲۰۰۰ دلار از مارتک عمویش

که بتازگی مرده بود به او رسید. گوگن استودیوی بزرگی در مونت پارانسی اجاره کرد و آنرا بشکل غربی آراست. در ماه نوامبر «دوران پوتل» نمایشگاهی از آثار تاجایی گوگن برپا کرد. مردم از دیدن زنان نیمه برهنه، سگ قرمز و اسب مسورتی رنگ در

دو تابلو از گوگن

تابلوهای او گیج و مبهوت می‌شدند. حتی دوستان امپرسیونیست او، مونه، رنوار و پیکاسو نیز از دیدن این آثار در شگفت بودند و تعداد گایود که آثار او را پسندید.

در تابستان ۱۸۹۵ او با مقداری پول به تاهیتی بازگشت و به‌ولخرجی و عیاشی پرداخت. باردیگر کلبه‌ای اجاره کرد و یک همسر بومی برگزید. مدتی نگذاشت که پولهایش تمام شود و کاریجائی رسید که اغلب غذایشان آب و برنج ساده بود. تابلوهائی که به پاریس می‌فرستاد، پول اندکی برایش فراهم میکرد. چنان شکسته و آزرده شده بود که حتی بزرگواران توانست نقاشی کند. در همین دوران بود که بزرگواران آخرین تابلوی خود را که شاهکار اوست به پایان رساند. این تابلو «از کجا می آئیب» چه هستی به کجا می روی» نام دارد که اکنون متعلق به موزه هنرهای زیبای بوستون است.

در ۱۸۹۸ دست بخودکشی زد. از کوه‌پشت کلبه‌اش بالا رفت، تعداد زیادی قرص آرسنیک خورد، اما چون حالش بهم خورد، زهرا استفراغ کرد و در بیمارستان نظامی دوباره بزندگی بازگشت. برای یکسال نقاشی را کنار گذاشت و به شغل منشیگری در پایتخت مشغول کار شد.

چندی بعد پولی از پاریس برایش رسید و او دوباره به کار نقاشی پرداخت. در نوامبر ۱۹۰۱ به اتوانا رفت و در آنجا با ماهی ۶۰ دلار که از پاریس در مقابل فروش تابلوهایش می‌رسید زندگی میکرد. در هشتمه ۱۹۰۳ هنگامی که در چنگال فقر و مرض و تنهایی گرفتار بود، در گوشه‌ای از کلبه‌اش در ۵۴ سالگی بدرد حیات گفت.

پس از مرگش طلبکارها سر رسیدند. ماهیگیری بیجای طلب خود جمعی‌ای پر از تابلوهای او را بخود برد و چون نتوانست آنها را بفروشد، بدریا افکند! بقیه تابلوهایش را طلبکارها بحراج گذاشتند. حراج از ۱۵ فرانک شروع شد و به همان ۱۵ فرانک خاتمه یافت. آخرین تابلوی او را کسی به ۱۵۰ دلار خرید. در همین اوقات یک دلال هنری در پاریس، از فروش کارهای او میلیونر میشد.

رفته رفته هنردوستان به ارزش آثار گوگن پی بردند. دیگر برای تصاحب تابلوهای او مهالغ هنگفتی پیشنهاد میشد. حتی نامه‌های او به قیمت‌های گزافی به فروش میرفت. اکنون کارشناسان هنری پاریس ارزش تمام آثار او را بیش از سه میلیارد تومان تخمین می‌زنند.

جمال



خدمات اجتماعی بانوان



بمنظور سهیم کردن بیشتر زنان در تحولات اجتماعی کشور و در اجرای اصول انقلاب شاه و مردم ، در تیرماه ۱۳۴۷ قانون مترقی خدمات اجتماعی زنان تصویب رسید و به استناد قانون مذکور ، خدمات آموزشی و بهداشتی و درمانی واجتماعی ، وظیفه مقدس ملی زنان شناخته شد.

با اینکه فارغ التحصیلان خرداد ماه سال ۱۳۴۷ مشمول قانون نبودند مع هذا با انتشار آگهی در حدود پنج هزار نفر از فارغ التحصیلان مذکور داوطلب خدمت شدند که از بین آنها حدود ۲۰۰۰ نفر برائز آموزشی اعزام گردیدند . بحث در اینستکه چرا افراد مذکور بمیل خود و بصورت داوطلب میخواستند وارد خدمت گردند بطوریکه بناچار بین افراد داوطلب قرعه کشی بعمل آمد .

یا توجه به مسأله های که با سایرین بعمل آمده است چیزی که نظر آنان را بخود جلب کرده و باعث این استقبال شده است احترام به اصول انقلاب شاه و مردم و در حقیقت احساس نیازمندی صدها نفر اطفال لازم التعلیم دختر روستائی با آموزش و پرورش بوده که در قلب جوانان کشور شعله اشتیاق بخدمت افکنده و باصرف نظر از کلیه مزایای شهری ، جهت خدمت عازم روستاها گردیدند .

با دوره های بعدی نیز پیوسته از بین افراد داوطلب خدمت ، تعداد مورد نیاز از دختران فارغ التحصیل انتخاب و تا امروز حدود ۷۳۴۶ نفر از زنان کشور جهت خدمت و تعلیم نوآموزان روستائی به دهات اعزام شده اند .

چگونگی احضار

با توجه بقانون خدمات اجتماعی زنان و آئین نامه اجرایی آن ، هر سال دویز زنان مشمول بخدمت فراخوانده میشوند و فارغ التحصیلان خرداد ماه هر سال در شهریور ماه و فارغ التحصیلان شهریور ماه هر سال ، در نیمه دوم همان سال باید خود را با ادارات آموزش و پرورش معرفی نمایند . البته این معرفی اجباری است و هر دختر باید در همان سال که فارغ التحصیل میشود جهت روشن کردن وضع مشمولی

خود با آموزش و پرورش محل سکونتش مراجعه کند . در غیر اینصورت ، این قبیل افراد غایب شناخته میشوند و در دوره های بعدی باید بعنوان داوطلب خدمت ثبت نام کنند .

افرادی که خود را معرفی می نمایند معمولاً به پنج گروه بشرح زیر تقسیم میگردند :

* گروه اول - دارندگان مدارک تحصیلی دیپلم و لیسانس و بالاتر که از اول سال تا آخر مرداد ماه همان سال فارغ التحصیل میشوند و به تحصیلات رسمی ادامه نمیدهند . (کسانی که در مؤسسات عالی آموزشی و دانشگاهها پذیرفته شده و جهت ادامه تحصیل ثبت نام کرده اند ، تا پایان تحصیل بخدمت احضار نمی شوند.)

* گروه دوم - کسانی که در دوره های گذشته بعضی از خدمت معاف شده اند (باستثنای معافیت های دائم پزشکی) میتوانند بطور داوطلب ثبت نام کنند .

* گروه سوم - کسانی که قبل از تاریخ تصویب قانون ، فارغ التحصیل شده اند ، در صورت داشتن شرایطی مندرج در قانون (حد اکثر ۲۵ سال برای دیپلمه ها و حداکثر ۳۰ سال برای افراد بالاتر از دیپلم) می توانند بطور داوطلب ثبت نام کنند .

* گروه چهارم - فارغ التحصیلان دیپلمه ای که بعلا داشتن سن کمتر از ۱۸ سال در دوره های گذشته نتوانسته اند ثبت نام کنند .

* گروه پنجم - فارغ التحصیلان غایب دوره های گذشته که باید خدمت کنند و برای غیبت خود معاذیری دارند ، میتوانند داروطلب خدمت گردند و این گروه بدون استثناء بخدمت اعزام میشوند .

رسیدگی بوضع مشمولانی که در موعد مقرر ثبت نام میکنند با کمیسیونی است که با حضور نماینده وزارت آموزش و پرورش در هر فرمانداری تشکیل میگردد و در اس آن فرماندار هر شهرستان قرار دارد و پس از رسیدگی بوضع مشمولان ، افراد بلامانع رابخدمت در وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی اعزام میکنند تا پس از طی دوره آموزشی بخدمت اشتغال ورزند و برای افرادی که معاف از خدمت شناخته میشوند برگ معافیت از خدمت صادر میکنند .

بانوانی که میتوانند از خدمت معاف گردند بشرح زیر میباشد :

۱ - دیپلمه های شوهردار و یا دارای فرزند

۲ - دیپلمه هایی که کفیل منحصر بفرد خانواده هستند .

۳ - کلیه فارغ التحصیلان اعم از دیپلمه و بالاتر که طبق گواهی شورای پزشکی از نظر جسمی و روحی قادر بانجام خدمات مذکور در قانون نباشند . ضمناً شورای پزشکی زیر نظر کمیسیون فرمانداری در هر شهرستان تشکیل میگردد و وظایف شورا نیز کاملاً مشخص و معین می باشد .

۴ - زنانیکه در تاریخ تصویب قانون (۱۳ تیرماه ۴۷) بطور رسمی در سازمانهای دولتی و وابسته بدولت اشتغال داشته و ضمن خدمات ، باخذ مدارک تحصیلی بالاتر نایل گردند ، از خدمات مقرر در این قانون معاف هستند .

خدماتی که در قانون خدمات اجتماعی زنان پیش بینی شده است بقرار زیر است :

کوششی دیگر در راه گسترش نمایشگاه‌های سپاه دانش



تاریخ ترویج و درخشش و درخشانی که نمایشگاه فعالیت‌های سپاهیان دانش در تابستان ۱۳۴۹ در لندن و پاریس در بر داشت، سازمان سپاه دانش را بر آن داشت که به پیشنهاد دولت‌های دیگر جهان نیز پاسخ مثبت داده و تشکیل این نمایشگاه‌ها را در سطح وسیع‌تر و با تجهیزاتی کامل‌تر در نقاط دیگر ادامه دهد.

ادامه تشکیل نمایشگاه‌های سپاهیان دانش که اصالت به میمنت جشن‌های خجسته دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران در چند شهر اروپا و آمریکا برگزار میشود بدین جهت است که فعالیت سپاهیان دانش ایران نموداری است برجسته از اهلیت و شایستگی جوانان در طریق خدمت و سازندگی که بطور قابل ملاحظه‌ای مورد اعتناء و استقبال جهانیان قرار گرفته است.

تنها بازدید ۷۲ هزار فرانسوی از نمایشگاه فعالیت سپاهیان دانش در فرانسه میتواند بهترین مشوق ما در گسترش هرچه بیشتر این نمایشگاه‌ها و ادامه برگزاری آن‌ها در سایر کشورهای جهان باشد.

مباهات دارد که هر روز می‌شنویم هر روز از اقمی نقاط دنیا برای بازدید آن می‌آیند، در مجله‌ها و روزنامه‌های خود به توصیف آن می‌پردازند و منحصر بفردش لقب می‌دهند.

این عظمت برنامه را مبرسانه که وقتی سپاهیان دانش اعزامی به اروپا و آمریکا افتخار شرفیابی بحضور شهانوی محبوب ایران را پیدا میکنند، معظم‌لها خطاب به ایشان چنین می‌فرمایند:

* ۱ - خدمات فرهنگی و آموزشی
* ۲ - پیکار با بیسوادی
* ۳ - خدمات بهداشتی و درمانی در وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی
* ۴ - خدمات مربوط به رفاه عمومی و مددکاری اجتماعی و ترویج خانه‌داری

سازمان سپاه دانش در هر دوره، احتیاجات کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی را که ما مورا جری خدمات مذکور میباشند، اخذ و بررسی می‌کند. عده مورد احتیاج وزارتخانه‌ها در درجه اول از بین کسانی که خود را داوطلب خدمت معرفی کرده‌اند تأمین میشود و چنانچه با اعزام داوطلبان، احتیاج دولت برآورده نشد، بقیه از بین افراد غیر داوطلب بتجدید قرعه انتخاب میگردند. مدت خدمت ۲ سال تمام میباشد که حداکثر شش ماه دوره آموزشی و یکسال و نیم دیگر خدمت سپاهگیری است و بعد از خاتمه خدمت با افراد منتقضی خدمت برگ خاتمه داده میشود که دارای مزایایی شرح زیر است:

۱ - تقدم در استخدام مؤسسات دولتی و سازمانهای وابسته بدولت

۲ - تقدم در استفاده از بورسهای تحصیلی و مطالعاتی با شرحی که گذشت مراحل اجرای قانون خدمات اجتماعی زنان بصورت خلاصه روشن گردید و لازم است اشاره شود که زنان فارغ التحصیل بهتر است بحضرت فراغ از تحصیل خود را معرفی کنند تا بموقع بوضع شمولی آنان رسیدگی شود. چون هیچیک از مؤسسات دولتی و غیردولتی حق استخدام افراد غایب را ندارند و برای استخدام در هر موسسه‌ای باید برگ خاتمه خدمت یا برگ معافی ارائه داد. همچنین سازمان سپاه دانش پیوسته آماده است بشکولات خوانندگان محترم مجله سپاه دانش در باره اجرای قانون خدمات اجتماعی زنان در این مجله پاسخ دهد.





وقتی سیاهیان دانش منتخب در يك مصاحبه مطبوعاتی به وزیر آموزش و پرورش معرفی می‌شوند، خانم دکستر فرخرو یارسی اهمیت برنامه سیاهیان دانش را که باعث فرور وزارت آموزش و پرورش است می‌ستاید و موفقیت‌هایی را که در نمایشگاه‌های سیاه دانش در سال گذشته در انگلستان و فرانسه کسب کرده است مورد قدردانی قرار میدهد.

روزیکه این سیاهیان دانش با وزیر فرهنگ و هنر ملاقات می‌کنند، آقای پهلبد ضمن ابلاغ رضایت خاطر ذات اقدس شاهانه از پیشرفت برنامه‌های سیاه دانش، جوانان سیاهی را مورد محبت کامل قرار میدهد و وظایف خطیر آنان را در این مأموریت مهم بایشان یادآور میشود.

آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه ضمن يك ملاقات ۴ دقیقه‌ای با سپاهیان دانش به آنان لقب « سفیر سیار میدهد » و آنان را نمایندگان جهش انقلابی ایران می‌شمارد.

وزیر امور خارجه به سپاهیان توصیه میکند که از عراق و مبالغه برحذر باشند و حقایق را آفلور که هست منعکس کنند.

در نمایشگاه‌های اروپا و آمریکاکه در آستانه و مقارن جشنهای بیست و پنجمین سده بنیاد شاهنشاهی ایران برگزار میشود علاوه بر عکس و فیلم فعالیت‌های سپاهیان دانش که نشان داده میشود، صنایع محلی روستاها و کارهای دستی روستائیان کشور در معرض دید جهانیان قرار میگردد و شش نفر دختر و پسر سیاهی دانش بنمایدگی از سوی خواهران و برادران خود در این نمایشگاه شرکت دارند. اولین نمایشگاه سیاه دانش سال جاری در شهر میلان (ایتالیا) از تاریخ سوم تا ۱۲ شهریور و نمایشگاه بعدی در شهر رم پایتخت آن کشور از تاریخ ۲۱ تا ۳۱ شهریور دائر است و پس از آن نمایشگاه‌های متعدد در ایالت‌های مختلف کشور آمریکا برگزار میگردد.

« زحماتی که جوانان دختر و پسر سیاهی در روستاهای کشور می‌کنند فوق‌العاده ارزنده است .
 « کار سیاهیان در کشور ما صد در صد نتیجه مثبت داشته و کمک سیاهیان بیدگران بسیار سودمند بوده است .

« این امکاناتی است که به جوانان داده میشود تا بتوانند مسئولیت‌ها را بهیچه بگیرند ، کاری انجام دهند و بحساب بیایند .

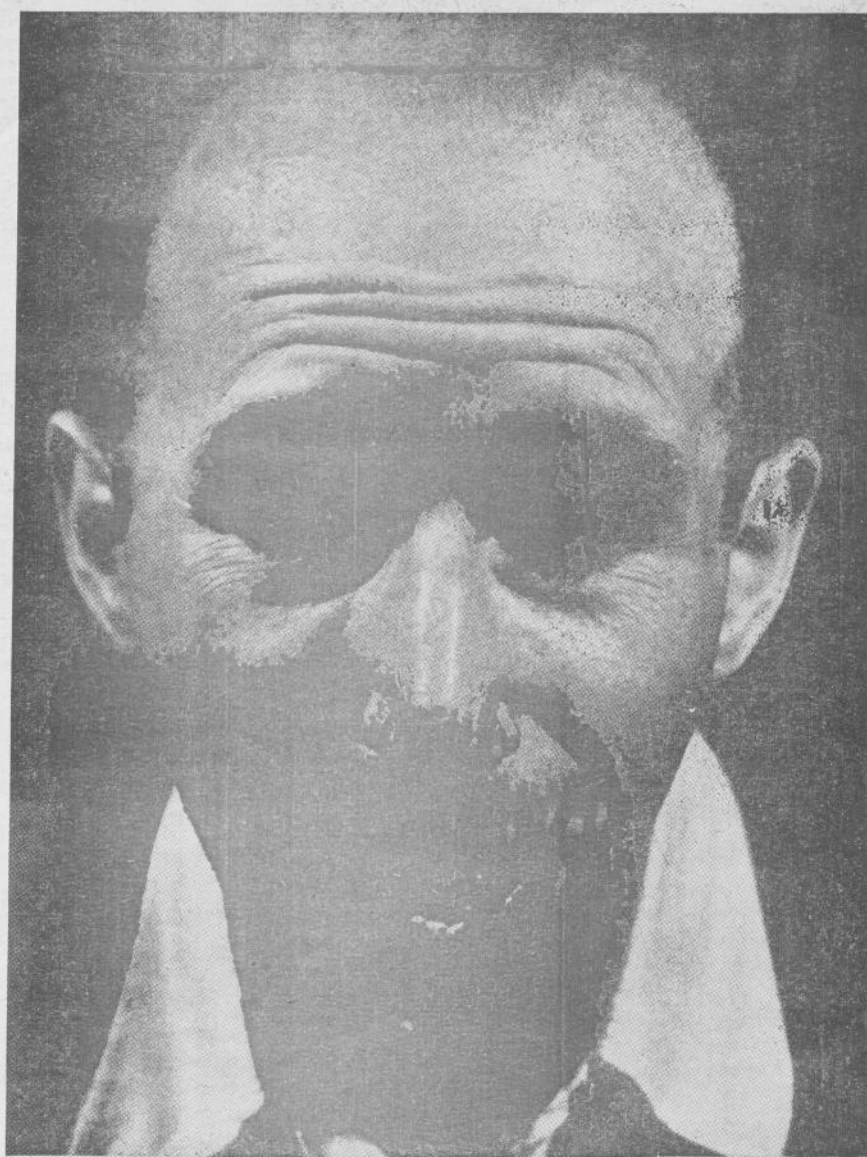
« در کشور ما سیاهیان دانش برای کمک به روستائیان کمر همت بستند و بکمک آنان شناختند

« امیدوارم سرفی که در پیش دارید با موفقیت همراه باشد و بتوانید کشور خود را و پیشرفتهای آنرا آنچنان که هست بپریم کشورهای دیگر بشناسید .

« شما نمونه‌هایی از جوانان امروز وطن ما هستید.

در کشورهای دیگر با اینکه جوانان از امکانات فراوانی برخوردار هستند ، نتوانستند آفلور که باید راهی پیدا کنند که از لحاظ روحی و معنوی در سطحی بالا بخمدت دیگران بشتایند .

« امیدوارم همه سیاهیان در راه تحقق هدفهای انسانی خود به موفقیت های چشمگیری نائل آیند.»



گفتارهای

های دانشمندی چون کوسماوئول
Kusamaul و گوتمان Ghotman
و سیکورسکی Sikaurski و امثال
آنان ، در اواخر قرن نوزدهم
معلوم شد که لکت زبان يك پدیده
عصبی است و بر اثر عدم هماهنگی
و ترتیب در سلسله مرکزی اعصاب
بوجود می آید . طبق نوشته و آمار
دانشمندان ، این اختلال در سلسله
مرکزی اعصاب بر روی قوای
محرکه تکلمی اثر میگذارد بطوری
که عدم هماهنگی در قوه محرکه ،
سبب وقفه در کار عضله های تکلمی
می شود ، و در جریان کلام (تکلم) ،
ناگهان حالات سکون و سکنه
بوجود می آید . این نظریه امروزه
است . حال جهت روشن شدن
موضوع ، عقاید دانشمندان مختلف
را در مورد علل اصلی لکت زبان
در زیر می آوریم :

۱- کامینکا Kaminka

عقیده داشت که لکت زبان پدیده ای
از حالت عدم تعادل در عامل
وراثت است .

۲- گیفتر Gefner و فرلش

Foreshiess عقیده دارند لکت
زبان بیشتر به فیزیولوژی اعصاب
مربوط است و در این حالت برخی
از اعصاب تکلمی دچار فلج میگرددند ،
و سکنه و لکت در گفتگو بوجود
می آید .

۳- بلیر ندالچین

Bleyer-Nedalchin
میگوید، لکت زبان يك بیماری عصبی
(Hevrous) است .

۴- پروفیسور ژانه فرانسوی
Janeh لکت زبان را يك پدیده
عدم تعادل اکسایش دانسته است .
۵- نتکاخف Netkachof

از پیروان مکتب پاولو ، اظهار
میدارد ، در نتیجه عدم همستگی و
هماهنگی در اعضای بدن انسان
بوجود میاید و مانند سایر تشنج
های عصبی ، لکت زبان نیز يك
تشنج عصبی است .

۶- گ. رویت G-Roit

معتقد است لکت زبان ، نتیجه يك
نوروز عصبی است و پدیده ای نظیر
تشنج در دستها و غیره میباشد .

۷- گوتلیر Gottelbez
با استفاده از اصول روانشناسی علمی ،
اظهار میدارد لکت زبان زائیده
قرص است .

۸- فروید Freud
مکتب روانکاوی وی لکت زبان
را پدیده ای از اختلالات ناخودآگاه

ضمیر انسان میداند .
۹- پروفیسور پیاژه Piaget
بیشتر بر روی عوامل اکسایش تاکید
میکند ، و آنها را در پیدایش لکت
زبان بسیار مهم میداند .
هرگاه تمام عوامل فوق الذکر
را خلاصه کنیم ، مسلم میشود که
در پیدایش لکت زبان دو عامل
مهم دخالت دارند :

- ۱- عامل روانی .
- ۲- عامل عضوی .

تکلم و مکانیسم آن

گفتار و کلام موجب تفهیم و
تفاهم بین مردم میگردد ، انسان از
طریق تکلم ، مقاصد ، احساسات ،
نظریات و افکار خود را به دیگران
می فهماند و متقابلا مطالب و مقاصد
و نتیجه افکار آنها را درک می کند .
کلمه ای را که انسان بیان می کند ،
میتواند با آهنگ و طرز بیان خود ،
معانی مختلفی به آن ببخشد . مثلا
واژه « خوب » میتواند معانی
گونگونگی داشته باشد که به آهنگ
کلام گوینده وابسته است . مثلا
گاهی برای تعجب ، گاهی برای
قطع سخن دیگری ، گاهی برای
تهدید ، گاهی نیز برای تصدیق سخن ،
قبول امر و فرمان ادا میگردد .
تکلم انسان صرف نظر از اینکه
همراه با آهنگ و لحن خاص است ،
با کیفیته و حرکات مختلف و تغییرات
گونگون در سیمای گوینده نیز توأم
است ، و هرگاه دقیقتر به گوینده
نگاه کنیم ، مطالبش را بهتر درک
خواهیم کرد .

دستگاه تکلم از سه قسمت مهم
به شرح زیر تشکیل شده است :

۱- اعضای تنفس = شامل :
ریه ، خرخره ، نای .

۲- حنجره = شامل چند
غضروف است که به دور رباط
صوتی متصل شده است .

۳- دستگاه حلقی = که شامل
زبان ، لبها ، فک پایین و . . .

اختلالات تشنجی در

موقع گفتار

چنانچه انسان ، هنگام سخن
گفتن دارای تکلم غیر عادی باشد ،
یعنی در بین گفتار به سکون و
موانع برخورد کند ، و در گفتارش
وقفه وجود داشته باشد ، واژه ها و
جمله ها را بطور نامرتب و بدون

ترجمه و اقتباس :

عبدالله شفیق آبادی

مقاله

بررسی ها و مدارك مختلف
نشان میدهند که بشر از زمانهای
بسیار دور لکت زبان را زائیده
اختلال در دستگاه ناطقه و روانی
میدانسته است . لکت زبان پدیده
های مختلفی همراه است . یکی از
این پدیده ها را میتوان عرضه
گوشه گیری شخص الکن دانست ، علت
این گوشه گیری ، احساس حقارت
شخص است ، و بر اثر این نقص
ممکن است بسیاری از استعداد های
شخص الکن پوشیده بماند .

بررسی های دانشمندان نشان
داده است که لکت زبان ممکن است
بعلت نقص عضوی در قسمت های
مختلف دستگاه تکلمی الکن باشد ،
و یا ضایعاتی در سلسله اعصاب
مرکزی شخص آنرا بوجود آورده .
ولی با توسعه و گسترش علم در
قرن نوزدهم ، معلوم شد که در
ساختمان و اعضای دستگاه تکلم
اشخاص مبتلا به لکت زبان ،
کوچکترین عیب و نقصی دیده
نمی شود . بهمین دلیل وجود این
عارضه را پدیده ای از يك ناراحتی
در سلسله مرکزی اعصاب انسان
دانستند و تحقیقات در این مورد
شروع شد .

در نتیجه مطالعات و بررسی

میخورد ، از قبیل تکان دادن دستها و گردن ، بستن چشمها و تکان دادن بی درپی اعضای مختلف بدن . این حرکات برای بیمار جنبه « کمک کننده » دارند . بدین معنی که بیمار از آنها بمنظور سهولت در تکلم استفاده میکند . هر گاه بیمار در سخن گفتن خود ، دچار اشکالی گردد ، فوراً به انجام حرکات فوق میردازد . غالباً شخص الکن ، نوعی سنگینی و گرفتگی در خود احساس می کند . سرخ شدن چهره ، عرق کردن و غیره . . . نیز در این افراد بد چشم میخورد . میتوان نواقص موجود در وضع ظاهری مبتلایان به لکت زبان را به سه گروه تقسیم بندی کرد ، بدین شرح :

۱- گروه خفیف

لکت زبان آنها سبک و خیلی کم است . به آسانی و راحتی میتوان با ایشان گفتگو و کارکرد و زیاد دچار حالت تشنجی نمیکردند .

۲- گروه متوسط

هنگام سخن گفتن ، تشنج های (کلونیک و تونیک) در این افراد مشاهده میشود . ولی بیمار میتواند افکار و نظریاتش را یکی پس از دیگری بیان کند .

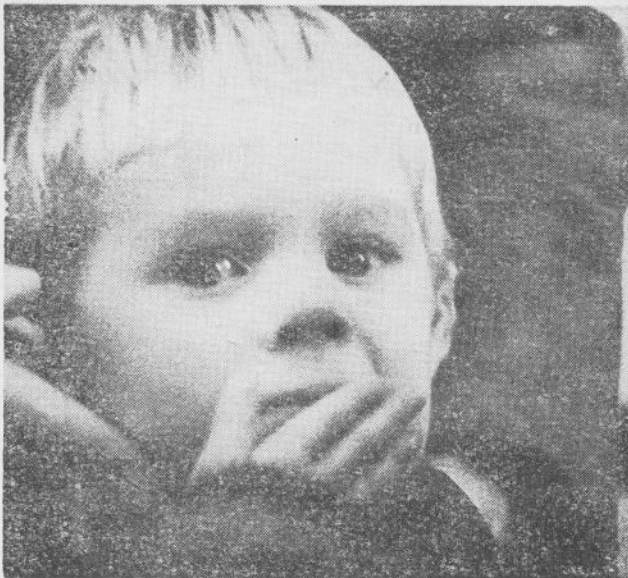
۳- گروه شدید

گفتگو با این افراد خیلی دشوار است . زیرا تکلم آنها بطور دائم قطع میشود و بر اثر مکتهای طولانی که به علل تشنجهای مختلف با ایشان دست میدهد ، به سختی قادر به تکلم هستند .

علل بروز لکت زبان

لکت زبان در اطفال کوچک در سنین ۳ تا ۵ سالگی - پیش از سنین دبستانی - بروز می کند و بر ایشان غالب میشود . تکلم افراد در این سنین ، در حال شکل گرفتن و پایه گذاری آن است . تشکیلات کلامی و علامات شرطی آن در مغز و اعصاب بسیار ضعیف است . لکت زبان در سنین ۲-۳ سالگی نیز ممکن است در طفل بروز کند ، لیکن در سنین ۴-۵ سالگی بیشتر مشاهده میشود . مطالعات و تحقیقات مختلف نشان داده است که لکت زبان بر اثر دو حالت اصلی و اساسی زیر میباشد:

اول - علل حاد و مزمن جسمانی Organie - در این حالت بر اثر ابتلا به امراض عفونی و مسری که برور زمان رشد و توسعه یافته



(پر ، بر ، تر ، گر ، در و . .) تشنج زبان هم مانند لپها در اشکالات تکلمی دخالت دارد . همچنین ممکن است در موقع تکلم ، گفتار دفعتاً قطع شود ، یا آنکه یک سلسله اصواب سر زبانی تکرار شوند . این حالت که از ناحیه لبها رخ میدهد ، تقریباً در تمام لکت داران مشاهده می شود . مثلاً بیمار بجای اینکه بگوید : « بابا » بگوید : « بابا بابا » و بجای اینکه بگوید « کارون » بگوید « کاکا کارون » . در مورد ادای کلماتیکه لبها بکلی بسته نمی شود و در حال نیم باز می باشد ، از قبیل (ف ، و ، ش ، س ، ز ، خ ، ل ، ر و غیره) تشنجهای کمتری مشاهده میشود . گاهی لکت زبان در اثر بروز تشنجهایی در عضله های شعبه تنفسی و دستگاه ناطقه انسان تولید میشود ، و بعداً همین اختلال به شعبه دستگاه حلقی ، از قبیل عضلات لبها و زبان رسوخ میکند ، و بدین طریق در عمل تکلم وقفه حاصل میشود ، و بر اثر برهم خوردن نظم و ریتم در سخن ، آرامی و فصاحت نطق و بیان از بین میرود . با توجه به قانون تحریکات در عضله های شخص الکن نیز علل از حرکات گوناگون به چشم

وزن و ریتم ادا می کند و مجبور میشود آنها را چندین دفعه تکرار کند . این حالت را لکت زبان می نامند . نامرتبی مکتها و تکرار واژه ها در اثر وجود اختلال در عضلات تکلمی دستگاه صوتی است . هنگام سکوت ، تشنجی در عضلات بدید نمی آید ، فقط در موقع تکلم این تشنجها باو دست می دهد . این تشنجها ممکن است ، کلونیک یا تونیک (تکان دهنده) باشند . در موقع بروز تشنج کلونیک حالتی در فرد ایجاد میشود ، که عضلات تکلمی به حال انقباض درمی آید و در نتیجه عضلات کوتاه میشود شخص مجبور میگردد ، یک کلمه را چندین دفعه تکرار کند . اما تشنج تونیک ، سبب میشود که عضلات تکلمی شدیدتر و طولانی تر به تکان درآیند و منقبض شوند و در نتیجه سبب ایجاد تشنج های تکلمی میگردد و شخص در گفتارش مکتها و سکوتهای طولانی میکند . معمولاً در حرفی که لب بسته میشود ، ادای آن کلمه دشوارتر است از قبیل : (پ ، م) ، و در حرفهایی که با حرکت زبان ادا میشوند مثل (ت ، ث ، س ، و) ، و حرفهایی که بعد از حرف اولی می آید بخصوص حرف (ز) مثل :

لکنت زبان

لکنت زبان پدیدار شده است .

دوم - علل روحی و روانی ، در نتیجه فکر و خیال ، غم و غصه و سنگینی و فشاریکه شخص مبتلا در خصوص نقص خود احساس میکند ، و همواره در حال وحشت و اضطراب بسر میرود و در برخی از رفتار و خصوصیات خود در زندگي بسیار نامالایمات خاصی مواجه است که گسترش این وضع ، منجر به پیدایش لکنت زبان در فرد میگردد و بر اثر عوامل ثانویه ، نوعی تشنج تکلمی و حرکتی با نموده و حالات « کمک کننده » در اعضای بدن وی ظاهر میشود .

الف - بروز اولیه لکنت زبان ممکن است در وقتا بر اثر یک عامل غیرمترقبه آبی و ناآگاهانه باشد که سبب بروز لرزش فوق العاده شدید عاطفی می کند . آشننگی و بیقراری که معمولاً بر اثر اتفاقات و مشتتکاری رخ میدهد ، عاملی است که سبب میشود فوراً در قیافه ظاهری طفل تغییراتی ظاهر شود .

گوتلیب Gottleber میگوید: « گفتار ، آینه عاطفه است . » گاهی طفل دچار ترس شدید میشود و سکوت طولانی میکند ، مثلاً یککتابخانه روز ، و حتی مدت بیشتری (در حدود دو هفته) حرف نمیزند .

ب - گاهی اوقات کودک مبتلا به عقب افتادگی در رشد تکلمی ، کلمات ناموزون و نامفهوم ادا می کند . در این حالت اعضای بدن طفل ، ضعیف و لاغر است . علاوه ممکن است در مواردیکه طفل را همواره میترسانند از قبیل : (جیغهای پی در پی ، فریاد بلند ، تهدید به مجازات ، و تشبیه شدید و غیره ...) ممکن است همین اعمال اطرافیان نسبت به طفل ، در او ایجاد تشنج کند و سخن گوئی او را با اشکال مواجه سازد که بر اثر گسترش وضع به لکنت زبان منجر میگردد .

ج - لکنت زبان در کودک ممکن است بر اثر ضربه های وارده بر سر طفل بوجود آید . بعضی اوقات بعد از گذراندن امراض عفونی و مسری از قبیل : مصلخ ، حصبه ، دیفتیری و غیره . . ممکن است طفل دچار لکنت زبان گردد .

د - لکنت زبان ممکن است موقعی در کودک بروز کند که طفل مدت طولانی با اشخاص یا اطفال الکن معاشرت و رابطه نزدیکی داشته باشد ، یا آنکه از آنها تقلید کند .

همین که کودک میخواهد بحرف زدن شروع کند ، تمام سخنان اطرافیان خود از قبیل : پدر ، مادر ، برادر ، خواهر بزرگتر و دیگران را با دقت گوش میدهد و با همان طریق که با نقص کلمات ادا میشوند ، او نیز تقلید می کند و تکرار میکند . در نتیجه کلمات را با نقص در اندیشه خود پرورش میدهد ، و با لکنت شروع به تکلم می کند .

هنگام تقلید کردن ، هرگاه کودک این کار را برای مدت طولانی تکرار کند ، سرانجام به لکنت زبان گرفتار خواهد شد . هرگاه اطرافیان کودک نیز به این نوع تکلم توجه نکنند و اقرا بر مزاج و شیطنت طفل حمل نمایند ، وضع بسیار شدیدتر و حادثه تر خواهد شد . این نوع لکنت زبان ، صرفاً بر اثر تقلید بوجود می آید و در کودکان پرورشگاهها و شیر - خوارگاهها در سنین قبل از آموزشگاه زیاد دیده میشود .

برخی از محققان ، ترس را علت اصلی بروز لکنت زبان در کودکان میدانند . ممکن است اثر ترس در طفل آنا پیدا نشود و پس از چند ساعت یا چند روز ظاهر گردد .

ه - گاهی نامرتبی در ترشحات غدد داخلی و پیدایش امراض ، نیز منجر به لکنت زبان میگردد . آمار مختلف نشان داده اند که لکنت زبان بین پسران ، بیشتر از دختران است . دانشمندان غربی ، وراثت را علت اصلی پیدایش لکنت زبان میدانند . ولی دلایل کافی در این باره نداده اند .

دانشمندان روسی معتقدند ، کودکی که در خانه صحبت کردن را

شروع می کند ، هرگاه فردی از اعضای خانواده الکن باشد و کودک صحبت کردن را از او تقلید کند ، در اینصورت کودک نیز الکن خواهد شد . این محققان معتقدند وراثت را نمیتوانیم عامل خیلی مهمی در پیدایش لکنت زبان بدانیم ، ولی میگویند کسی که ضعیف است ، اعضای مختلف بدنی در برابر ابتلا به امراض و بیماریهای گوناگون حساسیت بیشتری دارد .

و - دختر بچه ای هفت ساله ، به لکنت زبان مبتلا بود . بر اثر تحقیقات معلوم گردید که این دختر بچه با دست چپ چیز مینوشته و دارای هیچگونه نقص دیگری نبوده است . وی در سن ۷ سالگی وارد دبستان شده و مادرش اصرار میکرد که دخترش کارها را با دست راست انجام دهد . دست چپ او را با طناب بست تا دختر نتواند با آن دست کار کند . بنابراین دختر مجبور شد تمام کارهایش را با دست راست انجام دهد . چون به کار کردن با دست راست عادت نداشت لذا با نهایت دشواری و در عین حال کندی ، بلااجبار با دست راست کار میکرد . این عمل باعث شد دختر مزبور ، روز بعد دچار لکنت بشود . مادر که این حال را در دخترش مشاهده کرد ، سخت هراسان شد . بلافاصله دست دخترش را باز کرد و او را آزاد گذاشت . در نتیجه دختر بعات سابق برگشت و به نوشتن با همان دست چپ شروع کرد و لکنت زبانش هم برطرف شد و به حالت سابق بازگشت و بدون نقص به تکلم پرداخت .



بنظر میرسد که این حالت لکتت زبان در دختر، بعلمت ایجاد اختلال در فعالیت اعصاب عالی مکنایسم بیان (که در نتیجه اختلال و بهم خوردگی تناسب صحیح ارتباط و جریان بین حالات حرکتی و توفیقی) دختر - بر اثر تغییر دادن دست برتر و غالب - حاصل شده است. در صورتیکه او را وارد کنند بطور اجبار، دست راست کار کند، چون این اقدام بطور منتهوی انجام میگردد، در دختر یک حالت توقف فوق العاده سخت و آبی در قسمت اعضای محرکه مغزی بوجود می آید، سپس بر قسمت های بیان اثر می گذارد. (در مجله شماره پیش نیز بحثی در باره کودکان چپ دست داشتیم.) در ۳/۴ از موارد لکتت زبان کودکان جنبه تورتیک دارد. یعنی کودک تشویش ندارد از اینکه این حرف را بگویم یا نگویم. و در ۷۰٪ دیگر بر اثر جنبه های رشدی است. انسان دارای دویمکره مغزی است که تا «غلبه طرفی» روی ندهد قادر به انجام اعمال صحیحی نخواهد شد. دو نیمکره مغزی تصویر یکدیگر در آینه هستند مثلاً

حال هرگاه دو نیمکره فعال باشند، تکلم ممکن نخواهد بود (مانند حیوانات پست)، یعنی در یک زمان دو فرمان از دویمکره مغزی به زبان میرسد که موجب اغتشاش میشود. مانند اینکه صفحه کاغذی را از بالا و پایین در مسیر جریان هوا قرار دهیم و شروع به ارتعاش کند.

در انسان غلبه طرفی کامل در سن ۵-۶ سالگی انجام میشود. لذا کودک ۵-۶ ساله کاملاً قادر به نوشتن، خواندن و صحبت کردن است. در آغاز یکطرفه شدن مغز، تمام کودکان برای مدت کوتاهی (یک هفته) به لکتت زبان مبتلایم شوند. برای آنکه غلبه طرفی کودکان را پیدا کنیم، از تست هاریس Haris استفاده می کنیم:

۱ - یافتن غلبه چشمی - کاغذی را بصورت لوله درمی آوریم و به کودک میگوئیم ازش داخل آن، به قطعه گچی نگاه کند. برور که نزدیکتر می برد کاغذ را بسوی چشم غالب خواهد بود. یا اینکه به کودک میگوئیم از وسط سوراخ کاغذی مانند حالت فوق، خطی را بخواند.

۲ - پیدا کردن دست غالب - ضمن توجه به کودک در انجام کارهای روز مره اش، میتوان دست غالب او را تشخیص داد.

۳ - پیدا کردن پای غالب - بایستی که در این رسم دایره ای توسط پای غالب ابداعد، میتوان آن را تشخیص داد.

مادرانی که کودکانشان را فقط بایک پستان شیر میدهند، غلبه طرفی را در کودک دچار اختلال می کنند. در عده بسیاری از انسانها نیمکره چپ مغز غلبه دارد، و راست دست هستند (۹۵٪ در صد).

عده ای از متخصصان معتقدند هرگاه وادار کتیب را که چپ دست هستند وادار کتیب با دست راست خود بنویسند، لکتت زبان و من کردن، بین آنها بیشتر از دیگران است. لذا بهتر و مطمئن آن است تا کودک را آزاد گذاریم که دست غالب خود بنویسد. چون لکتت زبان بین پسران بیشتر از دختران است، لذا تغییر دست در آنها با خطرات بیشتری مواجه است.

داناآپ Dunlop در باره مشکلات سخن گفتن و اختلالات آنها بحث جالبی دارد. وی تأکید می کند که هیچکس مسئول پیدایش چنین اشکالات و حالاتی در سخن گوئی کودکان نیست. لذا رفع این قداوی حرکتی، مورد بحث قرار اشکالات و اختلالات بیشتر از طریق قداوی حرکتی، مورد بحث می گیرد، و در این راه برای کسب نتایج مفید به متخصص ماهر نیاز است. داناآپ در مورد اشکالات و اختلالات سخن گفتن، پنج علت را متذکر میشود:

۱ - علت ابتدائی - این علت معمولاً به وضع خانواده بستگی دارد. یعنی گاهی اوقات فرد با محرومیت هایی مواجه میشود و نمیتواند برای آنها جایگزین مناسبی پیدا کند. در این حال برای مداوای فرد باید بتوانیم او را به انجام عملی بطور صحیح تشویق کنیم و یا به محیط جدیدی منتقل سازیم.

۲ - علت قطعی - در این مورد باید نحوه سخن گفتن نامناسب کودک را اصلاح کنیم.

داناآپ معتقد است که سخن گفتن والدین برای کودکان، الگوی خوب و آموزنده ای شمار می رود.

لذا والدین همواره باید از صحبت های بچگانه یا کودکان دوری جویند.

۳ - علت آمادگی - بر اثر سوء تغذیه و ضعف بدنی، لکتت زبان حاصل میشود. لکنها به غذاها ی نباتی علاقه فراوانی دارند. در این موارد از گوشت قرمز، جهت اصلاح سخن گوئی لکنها استفاده میشود.

۴ - علت شتاب زدگی - معمولاً گاهی اوقات بر اثر ورش شدن شوک (اضربه ناگهانی) شخص به لکتت زبان دچار میگردد. ولی باید متوجه باشیم که میزان و شدت تاثیر شک در افراد کاملاً متفاوت است و اثرات آن بستگی کامل به موقعیت دارد.

۵ - علت نگاهداری - عبارت از حالات محیطی و یاروانی است که ادامه آنها برای فرد، مشکلات و اختلالاتی در سخن گفتن ایجاد می کند.

داناآپ نظریه مهمی در خصوص یادگیری دارد که از این نظریه برای علاج لکتت زبان و من کردن نیز استفاده میشود.

روش درمانی که بر این نظریه متکی است، تمرین منفی نام دارد. اساس این نظریه بر آن قرار دارد که لکن چیزهایی را که بطور ارادی انجام میداد و باعث درد سر او میشد، در این حالت میکوشد بطور غیر ارادی انجام دهد. یعنی فرا میگردد تا به اراده خود چیزهایی را با لکتت زبان بیان کند. این تئوری زمانی عملی میشود که شخص بتواند به اراده خود، کلمات را با لکتت بیان کند. در اینصورت از لکتت زبان میتوان رهائی یابد. هرگاه چنین موضوعی عملی شود، در اینحال پاسخی غیر ارادی را بصورت پاسخی ارادی در آورده ایم که میتوان آنرا تحت کنترل در آورد. در اینجا استفاده از متخصص بسیار ضرورت دارد.

در شماره دیگر به بحث درباره انواع لکتت زبان در کودکان، و ترس در گفتار می پردازیم.



کوروش، حکمران جهان

بر عکس کلدانیها محل نگهبانی کاخ را ترک کرده و وارد اطالیهای کاخ سلطنتی شده و مشغول چپاول هستند، سخت برآفتند .

کوروش فرماندهان آنان را خواسته و امر کرد که بقوریت افراد خود را از سپاه او دور کنند و با خشم گفت : « من نمیتوانم تحمل کنم که اینها برای غارت و سود شخصی نظم و ترتیب لشکر را بهم بزنند .

من موافقت کردم که شامدر لشکر کشی همراهِ ما باشید تا در پایان امر با اصالت و صداقت پاداش بگیریید ، ولی حالا با این عمل ناپسند ، نمیتوان حسن انجام کار شما اعتماد کرده . »

وقتیکه کلدانیها بیانات خشم آلود کوروش را شنیدند از تهدید کوروش بوحشت افتادند و تقاضا کردند که آنان را مورد خشم قرار ندهد و از عمل آنان چشم ببوشد . آنها حاضرند آنچه را که چپاول و غارت کرده اند پس بدهند . کوروش پاسخ داد من به شما احتیاج ندارم ولی اگر میخواهید که عدم رضایت من تسکین یابد باید آنچه که در اینانی نگهبانی کاخ چپاول کردید تحویل بدهید . باید بدانید سربازان نگهبانی که محل خدمت خود را ترک نکرده و نظم لشکر را رعایت کرده اند ، در نظر من عزیزند و پاداش خوبی خواهند گرفت .

کلدانیها اطاعت کرده و اشیاء را تسلیم داشتند و سربازان ایرانی بدین وسیله گنجینه های پر ارزش را تحویل گرفتند . پس از این مرحله ، کوروش در شهر برگردش پرداخت و محلی را کنجهت قرارگاه لشکر لازم بود انتخاب کرد و دستور داد که سربازان با اسلحه و هشیار عذا بیخورند . پس از فراغت از این کار ، دستور داد کوروش پادشاه لیدی را پیش او بیاورند . وقتی که چشم کوروش به کوروش افتاد ، گفت : « سلام بر تو ای حکمران ، من باید این عنوان را بگویم زیرا مقتدرات اینطور اقتضا میکند . »

کوروش در پاسخ گفت : « سلام ای کوروش ، ما هر دو بشر هستیم . آیا حاضر هستی که بمن راه حل این موضوع عزا بگویی ؟ »

کوروش گفت مطمئن باش در صورتیکه برای من مقدر باشد پاسخ خواهم داد . کوروش گفت در این صورت گوش کن . من می بینم

کوروش پس از شکست ، با لشکر خود بیست سارد فرار کرد و سایر متحدان که از نژاد های گوناگون ترکیب یافته بودند ، تا آنجا که قوه و قدرت داشتند ، در تاریکی بیست کشور های خود فرار کردند . سحرگاهان شست پهناور نبرد از سپاه دشمن خالی بود . کوروش دستور داد که لشکر بیست سارد پایتخت کوروش حرکت کنند . پس از ورود و معاینه حصار شهر ، دستور داد ماشینهای مغرب را آماده ویران کردن حصار شهر نمایند . گروه دیگر نرد بانها را به دیوارهای باروی شهر گذاشتند . از سمت دیگر دستور داد پارسی ها و کلدانیها در قسمت بلند ترین باروی شهر با وسایل لازم بالا بروند و یکسفر پناهنده لیدی بانان را هتنامی میکرد .

وقتیکه نگهبانان شهر شنیدند که لشکر بیست کوروش بحصار شهر رخنه کرده و وارد شهر شده اند از حفاظت شهر دست کشیدند و از پشت دیوارهای حصار فرار کردند .

با فرار نگهبانان ، هر چه و هر چه غریبی ایجاد شد و هر کس سعی میکرد که جان خود را حفظ کند . کوروش که با سربازان خود از میدان جنگ فرار کرده بود ولی در شهر آماده دفاع بود ، بعتش نشینی پرداخت . در این مرحله پشت کشت و کشتار شروع شده بود . در این میان ، یکی از سواران لشکر کوروش از فاصله بسیار کمی به کوروش حمله کرده و اسلحه خود را بلند کرد که او را بقتل برساند . پس لال کوروش پهلوی او بود . وی وقتی که خطرات هولناک پدر را دید از شدت تاسر و ترس فریاد کشید : « کوروش را نکش . » پس کوروش در طول زندگی ، همین جمله را بزبان رانده بود . وقتیکه سلحشور پارسی این جمله را شنید ، بخاطرش آمد که کوروش دستور داده است کوروش را زنده بگیرند و نکشند .

لذا از کشتن او صرف نظر کرد و کوروش هم توانست از خطر مرگ برهد . کوروش پس از این واقعه در قصر خود پنهان شد و نماینده ای پیش کوروش فرستاد و قبول شکست خود را باو اطلاع داد .

کوروش مراقبانی در اطراف قصر کوروش گذاشته و خود پیش به تسخیر باروی شهر رفت . وقتی که مشاهده کرد پارسی ها در نگهبانی حصار شهر پایدار مانده اند ولی



نوشته : دکتر ولنگا تک و بهلهم ترجمه : شادروان مهندس کریم طاهرزاده بهزاد

ویران و از حیرانمادی خواهد افتاد
در این صورت نظر تو چیست ؟
پس از اینکه کروزس توضیحات
کروزس را شنید ، گفت بمن اجازه
یده تا بابت لیدی اطلاع بدهم که
تو از غارت شهر جلوگیری کرده‌ای.
حتما با شنیدن این خبر و دستور من ،
آنان خودشان صلاح را در این
تشخیص خواهند داد که اشتهاء پر-
ارزش خود را تسلیم کنند .
اگر مذاکرات ما را بشنوند
، مطمئن هستم که دستور مرا در
تسلیم اشیاء اطاعت خواهند کرد
در اینصورت در سال آینده و سال
های متبادی ، کشور لیدی آسار و
اشیاء قیمتی و بهادر دیگری بعمل
آآورده و ثمره فکری و دستی خود
را ظاهر خواهد ساخت . ولی اگر
تو بگذاری شهر را غارت بکنند ،
در اینصورت کلیه آثار هنری که
مظاهر هنرنمایی نوع بشر محسوب
میشود ریشه کن شده و از بین خواهد
رفت .

کروزس پس از اندکی مکث
افزود : خوبست دستور بدهی نخست
متمدنان تو موجودی گنجینه‌های
مرا از متمدنان خزانه من تحویل
بگیرند . کروزس دستور داد اول
ذخایر گنجینه‌ها را تحویل بگیرند .
پس از لحظه‌ای تامل ، کروزس
از کروزس پرسید : چطور شد که
تو به جنگ من اقدام کردی ، در
حالیکه آنطوریکه من میدانم تو به
غیب‌گویان « اپولون » دلتی رجوع
کردی و از آنها پاسخهای مقتضی
گرفتی ، و میگفتند تو به اپولون
بسیار عقیده و احترام داری و کلیه
اقدامات خود را با نظر و صلاحدید او
انجام میدهی ؟

کروزس پاسخ داد: آخ کوروش
گردش کار اینطور بود در حقیقت
وقتی به اپولون مراجعه میکردم که
از ابتدا تا انتها با اشتباه شروع به
کارها کرده بودم .

کروزس گفت : پاسخ تو حیرت-
آوراست و محتاج توضیح بیشتری
است

کروزس گفت : من پیش‌مور
بودم و خدا را با انجام قربانی تجلیل
میکردم و تصور میکردم که خواست
او را بر نفع خود بنمست آورده‌ام .
ولی قلبا من معتقد به طالع و شانس
خود بودم . یقوتی نماینده‌ای پیش
او روانه کرده و پرسیدم که آیا من
پسرانی خواهم داشت ؟ ولی دفعه
نخست‌بهن پاسخ‌نداد من توسط نماینده
خود هدایای بسیاری از سیم و زر
فرستاده و قربانیهای فراوانی کرده

و خیال کردم که از تمام گناهان
خود مبرا شدم . این دفعه به پرش
من پاسخ داده و خبر فرستاد که من
پسرانی خواهم داشت .

من دارای پسرای ششم و
خداوند خلاف نگفته بود . ولی
فرزندانی که خدا خبر آرزای من داده
بود ، رضایت‌بخش شد زیرا یکی
لال بود و فقط یک دفعه از زبان او
حرف درآمد و آن وقتی بود که
مرا در دم تیغ و خطر مرگ مشاهده
کرد . دیگری یک فرد کامل و مفید
برای انجام کارهای مهم بود ولی در
شباب جوانی جان داد .

عاقبت شوم فرزندان من مرا
سخت متالم کرد و باز پیش خدا
اپولون فرستاده و سؤال کردم
من چه وظایفی دارم که انجام دهم
تا بپایه زندگی من مقرون بعبادت
باشد . او بمن پاسخ فرستاد که ای
کروزس ، قبل از همه باید خودت
پشتانی ، در این صورت خوشبختی
نصیب تو خواهد بود .

وقتیکه این جواب را شنیدم
خیلی خوشحال شدم ، چون تصور
کردم که وسیله نیکبختی و سعادت
بسیار سهل و آسان است ، چون
پنداشتم هر فردی از افراد بشر
خودش را می‌شناسد ، و احساسات
من شدت یافته بود . بویژه با ثروت
فراوان خود ، گستاخ شده و باحرض
و خودخواهی ، پادشاهان را در
اطراف خود جمع کرده و نقشه‌هایی
جهت جنگ ترسیم میکردم و با دارا
بودن اینهمه ثروت و عتار و نیروی
جنگی و هم‌پیمانهای فراوان ،
فرماندهی کلی را بخود شایسته دیده
و در اندیشه‌های پوچ پیروزیهای
دیگری را بخود هموار میدیدم .

من خود را نمیشناختم زیرا
تصور میکردم برای انجام این‌اندیشه‌ها
شایسته هستم و میتوانم با جنگ
را آغاز کنم . زیرا خیال میکردم
تو پادشاه یک کشور کوچک بوده و
از سلسله پادشاهان غیرمرفعی
برخاسته‌ای و میتوانم با تو که از
سلسله پادشاهان بلااعتنا بوده و از
کودکی برای شجاعت و دلیری و
جنگاوری پرورش یافته و ورزیده
شده‌ای ، بچنگم . با این افکارپریشان ،
یک کار ابلهانه کردم . من مسامحه
میکردم از خدا بپرسم که من بچه
چیز احتیاج دارم . برعکس ، عمده
موضوع را بآزمایش میگذاشتم تا
بفهمم آیا او میتواند بحقایق پی-
برده و آشکار نماید یا نه . ولی نتنها

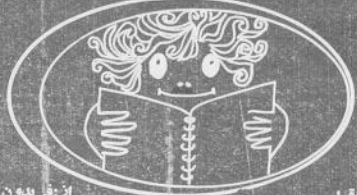
البویت لنگه حصورترین نوع بشر
هم خوشش نمی‌آید اگر درک بکنند
که از گفتار و پندش تردید و عدم
اعتماد موجود است . با توجه باین
جریان ، من که از دلتی فاصله
داشتم ، وی درک میکرد که من در
پرشهای خود معما و محدودیت قابل
هستم . باوصف این اتهامات خود را
آشکار میکرد . حالا میبایست پسران
اینکه میدانستم خداوند حقایق را
آشکار میکرد ، میپرسیدم آیا من از
روی « هالیس » عبور بکنم یا نه ؟
و بی پاسخ میداد اگر تو از رود
هالیس بگذری یک کشور بزرگ را
ویران خواهی کرد .

وقتیکه این پاسخ بمن رسید ،
با اندیشه‌های غلط خود تصور کردم
مقصود خدا ، کشور پارس است .
ولی حالا می‌بینم که برعکس تصور
من ، کشور خود من لایده بوده
است اینست که تحمل این تالامات را
بعنوان مجازات بخود هموار میکنم .

در این هنگام ذخائر کروزس
در پیش کوروش آوردند . بعضی
اینکه چشم کروزس به گنجینه‌های
در پیش کوروش افتاد ، گفتارهای
فیلسوف « سولن » بخاطرش آمد
که گفته بود : « تا من نبینم که کسی
تا آخر زندگی ، شکوه و ثروت خود
را حفظ کرده و با احترام بخلک
سپرده شده است ، نمیتوانم او را
سعادتمند بنامم » . آهی از نهاد
کشیده و وضع رقت‌باری بخود گرفته
و سه دفعه نام سولن را بزبان راند .
کوروش با مشاهده این وضع
و شنیدن نام سولن پرسید مقصود
کروزس چیست ؟

وی گفتار سولن را شرح داد
و علاوه کرد که من حالا می‌بینم
های او چقدر پر مایه بوده است .
پس از لحظه‌ای ، کروزس
گفت : آخ کوروش ! من حالا خودم
را میشناسم چن اپولون حقیقت‌را
گفته بود که من با شناختن خویش
سعادتمند خواهم بود .

کوروش بحال کروزس رقت
آورد . زن دختران او را که زندانی
بودند بوی پس داد و خود او را
هم در سفرها همراه برد و با وی
بسیار محترمانه رفتار میکرد .
کوروش در همدان ، املاک و
عقاری در اختیار کروزس گذاشت
و یک زندگی نیم شاهانه برای وی
تهیه دید و کروزس تا آخر حیات
خود با افراد خانواده در همدان
زندگانی کرد .



از دفتر یادون پارسپور

دنیاه شماره قبل

روش تدریس

لوحه هشتم

● موضوع :

تصاویر ردیف اول : بز - میز -

گل - پول

تصاویر ردیف دوم : نان - باران -

بادبادک - عروسک

تصاویر ردیف سوم : ماه - کلاه -

توپ - جیب

هدف از تدریس لوحه هشتم :

● هدف از تدریس لوحه هشتم :

چپ

۲ - عادت دادن شاگردان به

شنیدن ، دیدن ، فکر کردن و گفتن

۳ - آموزش تلفظ صحیح کلمات

و معنی کلمات فارسی (بخصوص در

مناطق غیر فارسی زبان)

۴ - صوت آموزشی (پیدا -

کردن کلمات هم پایان)

۵ - آشنا کردن گوش شاگردان

با صداهای : ز - س - گ - ه - پ

۶ - بکار انداختن دست برای

نوشتن

● روش تدریس :

لوحه را در دیدرس شاگردان

نصب کنید و روی تصاویر ردیف

های دوم و سوم را بپوشانید تا توجه

شاگردان فقط به تصاویر ردیف

اول جلب شود .

با استفاده از تصاویر ردیف اول ،

صدای «ز» را که در آخر کلمه

های (بز - میز) و صدای «ل»

را که در آخر کلمه های (گل - پول)

آمده است به شاگردان یاد بدهید .

برای این منظوره روش پیشنهادی

زیر توجه کنید :

آموزگار : (با اشاره به تصاویر

ردیف اول به ترتیب کلمه های بز ،

میز ، گل ، پول را بطور عادی

ادا می کند) این چهار کلمه ، دوتا

دوتا صدای آخرشان یکی است . بعد

بشاگردان میگوید : من صدای آخر

کلمه ها را کشیده میگویم ، سادقت

کنید و بمن بگوئید که صدای چه کلمه هایی یکی است ؟

چند بار صدای آخر هر کلمه

را کشیده و ممتد و بقیه صداها را

بطور عادی ادا کنید و بعد از

شاگردان پرسید صدای آخر کدام

کلمه ها یکی بود ؟

شاگردان : بز . میز و گل ، پول

معلم : حالادقت کنی صدای آخر

کلمه های بز و میز چیست ؟

شاگردان : بز

معلم : حالا بگوئید صدای آخر کلمه

های گل و پول چیست ؟

شاگردان : ل

با استفاده از همین روش و

تصویرهای ردیف دوم ، صدای «ن» را

در آخر کلمه های نان و باران و

صدای «ک» را در آخر کلمه های

بادبادک و عروسک یاد بدهید . بعد

همین ترتیب صدای «ه» را در کلمه

های ماه و کلاه و صدای «پ» را در

کلمه های توپ و جیب با استفاده

از تصاویر ردیف سوم لوحه ، تدریس

کنید .

توجه داشته باشید که صداهای

«ک» و «پ» امتداد ناپذیر هستند و نباید

امتداد داد بلکه بهتر است آنها را

بصورت متحد ادا کرد تا شاگردان

متوجه صداهای مذکور بشوند .

چند تا از علائم زیر لوحه را

به آرامی روی خط زمینه تخته سیاه

بنویسید تا شاگردان ببینند و بعد

یکی یکی آنها را صدا کنید تا روی

تخته سیاه بنویسند و بعد آنان را

هدایت کنید که از همین علائم در

روی خطوط دفترشان نیز بنویسند .

چنانچه شاگردان شما بتوانند از عهد

نوشتن علائم زیر لوحه بر بیایند ،

دیگر نوشتن علامتهای ج چ پ ج چ

ح خ خ ح خ برای شاگردان مشکل

نخواهد بود .

لوحه نهم :

● موضوع :

تصاویر ردیف اول : دوات -

کبریت - آب - کتاب

تصاویر ردیف دوم : سینی -

قوری - قلم - بادلم

تصاویر ردیف سوم : قاشق -

اطاق - کیف - یرف

● هدف از تدریس لوحه نهم :

۱ - هدایت چشم از راست به چپ

۲ - عادت دادن شاگردان به

شنیدن ، دیدن ، فکر کردن و گفتن

۳ - یاد دادن تلفظ صحیح کلمات

و معنی کلمات فارسی

۴ - صوت آموزی (پیدا کردن

کلمات هم پایان)

۵ - آشنا کردن گوش شاگردان

با صداهای : ت - ب - ای - م -

ق - ف

۶ - بکار انداختن دست برای

نوشتن .

● روش تدریس

با توجه به روش تدریس لوحه

قبل ، سئوالهای مناسب کلمه های

مربوط به هر تصویر را از شاگردان

شنوید و به همان روشی که لوحه قبل

را تدریس کردید ، صداهای مورد

نظر را یاد بدهید .

از علائم زیر لوحه چند تا

بآرامی روی خط زمینه تخته سیاه

بنویسید تا شاگردان ببینند و نوشتن

آنها را یاد بگیرند و برای اینکه

علامتهای مذکور را یاد بگیرند بهتر است

صدا کنید یک یک بیایند پای تخته

سیاه و چند تا از علائم مورد نظر را

بنویسند و بعد در خطوط دفترشان

نیز بنویسند تا یاد بگیرند . نوشتن

علائم زیر لوحه به نوشتن حروف

ه د س ش ش ک مک میکند .

* این نشانه () در هر جا

بکار برده شده برای این منظور

است که شما صدای حرف پیش از این

نشانه را کمی ممتد و کشیده ادا

کنید .



مادرم جلو کس و کارم تمام عمر سرشکسته خواهم ماند. بدین ترتیب در تنهایی جان می‌کنم و تصمیم داشتم رازم پنهان بماند، به کسی نگویم، ولو آنکه درحیثی سنگین‌تر فروروم. اما گاهی فکر می‌کردم این دنیای بازیافته چیز بدی ندارد. من از آن لذت می‌برم. به کسی چه مربوط است که از زندگی خصوصی من باخبر شود. این دنیای جدید عطشهای است که به من عطا کرده‌اند. مال من است. تعلق به من دارد. به هیچ‌کس مربوط نیست از آن آگاه گردید و آنرا آزمایش کند. راست بود که در زندگی تحولی راه یافته است، تحولی که کیف دارد و باید با آن ساخت و ابهام آن را به لذتش بخشید. دنیای جدید من پس از اسرار زیبا بود، حتی خواب‌آن، شیرین‌تر از بیداریش بود. لذات روئایی این جهان جدید ربیعی به دنیای کودکی‌ام نداشت.

مگر در کودکی چه بود که حسرت از دست داشتن را بخورم؟ هماغس سبکسری و دیوانگی و جنونهای تند و صخره بود. جز دویدن در میان شبندهای دروازه سعدی، پرسه‌زنی بی‌هدف و نقشه، پشتک‌زدن در خرمهای گندم و با تیر و کمان کبوتر همسایه را زین، لذتی نداشت. تازه اگر بشود نام این شرارتها را لذت گذاشت. آخر چه خاصیتی در شکستن جام شیشه‌ی خانه روبرو بود که من با کودکی نگسلم. پرونده روزهای بچگی خاصیت بدرخوردی نداشت. هر روز برخاستن و با حسین و نمراله با طوافهای دهاتی سرسیر گذاشتن لعلی نداشت و نعمتی نبود که از کف‌دادنش عزا داشته باشد.

اما به عکس، دنیای جدید، گرم و پرحرارت بود. دلم در این جهان نو می‌شکید و وجودم قاتلک‌دانه می‌شد. در این تازگی لذات عمدتی بود، لذاتی که جان را آتش میزد و روح را ذوب می‌کرد. چه حالات زیبا و آتشینی.

بدین ترتیب جای گفتگو نبود که مرد شده بودم و به حکم و فرمان همین دنیای جدید بایستی با جهان

پان کودکی به سرعت از من می‌ریخت. دیگر بی‌خیال و سبکبال دنبال ملخ و پروانه درمیان شبنرها نمی‌ناختم. جوانی زودرس مناطق جنوب وجودم می‌شکفت و بارور می‌شد. داشتم مرد می‌شدم. چه چیز عوض می‌شد.

صدای بچه‌گانه‌ام دورگه و تو دعاغی می‌شد. زیر آفریم برآمده و برجسته بود. بی‌نیام بی‌تناسب بزرگ و بزرگتر می‌نمود. غبار کثیف و بدشکلی بنام ریش روی صورتم پاشیده بودند و طلایه سیاهی سمبل بزرگی پشت لبم سبید و مروید، فرار کودکی آغاز شده بود. پیش‌آهنگ جوانی بر وجودم سنگینی می‌کرد. احساس تو تمام معنی تازه وجودم را سنگین ساخته بود و مشتعل می‌ساخت. مثل جوجه‌یی بودم که بی‌هدف تخم را می‌شکند و سر و کله بدشکل و لوچ و لرج و بی‌حال خود را در برابر نوروز، رنگ و جلوه می‌دهد. مزه جدیدی را که بدان رسیده بودم می‌چشیدم و مزه‌مزه می‌کردم. مزه این دنیای نو مرا به سکری سخت فرو می‌برد و کج و میه‌وتم ساخته بود و خودم هم نمیدانستم چرا اینجوری شده‌ام. گاهی از خودم، از حالات و از بدشکلی شاید بتوان گفت «بی‌شکلی» و یا «شکل بی‌افتگی» بدین حالت می‌کنیدم. دلم می‌خواست راز وجودم مکتوم بماند. دل از طرفی می‌ترسیدم که به پدر و مادرم نگویم و همینکه پیدا گفتم داشتم ترس ورم می‌داشت، ترسی که مرا به گوشه‌گیری برت می‌کرد و ساعتها مجبورم می‌ساخت که در اطراف تنها بمانم و در خود فرو بروم و درباره دنیای جدید اشتباهاتم به تفکر بپردازم.

این حال و احوالی که به سر من آمده بود گفتنی نبود. به‌که بگویم که خجالتم ندهد. شاید این حالات محجرب به من باشد، مثل بیماری حصه یا سرخاک که گرفتار دیگران نگرفتند، بیماری مختص بمن باشد. در این صورت چرا رازم را بگویم و تمام را بکنشیم. شاید اگر گفته‌اندان که من تازه بیماری جدیدی گرفته‌ام و شاید اما بیماری با رسوایی توأم باشد. آنوقت جلو پدرم، جلو

کودکی وداع کنم ، آنچه دیروز قشنگ و مشغول کننده بود امروز خسته کننده و نازیبا بود .
 خدا حافظ بچگی قشنگ و مسخره و تو خالی ، و سلام ای جوانی خوش آغاز و رند . من دیگر با تو می آیم . سرتان را درد نیاورم ، تا آن روز یک بار هم به فکر واکس زدن کتشمای نشانه بودم . اما از آغاز زندگی من هر روز صبح مثل بابام کتشمای را واکس میزدم و براتی میکردم . کسی که تا چند روز پیش تنبان و شلوارش مثل کمانچیه بود و هزار چین و چروک داشت و حتی یکبار به اینجه بی نظمی و چروک و چین اهمیت نداده بود ، به اصرار و التماس از مادر میخواست که شلوارش را اطو بزند و چنان به احتیاط از این اطو حفاظت میکرد که گوئی گنجی شایگان به گف آورده است . هر شب شلوار را روی تالی اطو مرتب میکرد و آن را زیر تنگ میانداخت که از اطو نینفتد . آن کودک غرغرو که با هزار تک و نال به حمام میرفت . کودکی که با کشیده و سلیسی و کتک روی آن سنگ چهارگوش استاد سلمانی می نشست تا در گرخانه حمام سرش را تراشند و چون کام بیخ ، تحویل خلق خدا بدهند . اکنون با شوق بسیار به آرایش می پرداخت و مثل بزرگان نامی که از خرجی روزانه مخمتر خویش پس انداز کرده بود به استاد سلمانی میداد تا با ماشین نمبر ۲ سرش را ترند ، بلکه مویی باقی بماند و در آینده زلفی قشنگ بشود .
 خلاصه کودک ما کارش بالا گرفته بود و تازگی در آینه هم نگاه میکرد و خودی می آراست . اما مطلب جدیدتری که هوش و حواس کودک دیروزی را می ربود ، دختر بچه ها بودند . تادیروز که عطر شبیره و دوین در صحرا اوج لذات بود ، دختر بچه ها موجودات سبک سر ترسوئی نبودند که فقط بلند بودند جیغ بکنند و ادای نته جوشان را درآورند ، آن تاریکی بترسند ، و سر سفره دائما قهر و غنظ کنند . کودک دیروزی از دختر بچه ها بدش می آمد . آنان موجودات بی خطی به نظرش می آمدند که برای لوس شدن و نتر شدن ، خلق شده اند ، گاهی ، اوقات آدم را تلخ میکردند ، شیون راه می انداختند و بیای آنکه مثل سپرها بپایند و به بازار بروند و فانخانه را بخردند در خانه میخزیدند و افاده و فیس میکردند . دشمنی کودک دیروز با این لوس و نترها زیاد بود . اما در زندگی جدید ، این جنس بدون اینکه در اراده کودک دیروزی اثری داشته باشد ، نقش بزرگی بازی میکرد . دیگر این جنس مخالف تنها فرقی با کودک دیروزی کسب داشتن واسطه بازی در آوردن و ناز کردن و غذا نخوردن در خانه نبود ، بلکه جاذبه جدیدی داشت .
 آن روزها به مدرسه میرفتم . کلاس هشتم بودم . بهار شیراز می درخشید . مدرسه ما یک نا نحصتان بود . بوی خوش بهار نازنج و هوسهای کودکانی که مرد شده بودند با هم می آمیخت و سکر وستی عقیقه به همگان می بخشید . در این ایام بود که ناگهان در زندگی آقا نظام پیدا شد . هم کلاسی داشتم که آقا نظام اسمش بود . تا دیروز کودکی شاداب و زرتنگ بود ولی چند روزی بود که به گوشه میخزید و حال سابق ترا نداشت . احساس کردم که او هم مرض دارد .
 آقا نظام امروز با من نیست . وی در اوج حذر سل گرفت و مرد و در روزهای آخر زندگی سخت شکسته شده بود . اما آن روز سبری زنده بود و جز فهم بود . معلوم بود که او هم دچار بحران زندگی جدید که نامش بلوغ است شده است . چون آقا نظام دلیر تر بود به حرف آمد و از

۴۳
 دنیای جدید نام برد . آفتوت دانستم که آقا نظام هم از همان جام آب حیات نوشیده است که من نوشیدم و این هر دو مان را بهم پیوست .
 گفتم آقا نظام دلیر تر بود و حرفهای مزید که تا امروز نشنیده بودم . میگفت بابام برای داداشم زن گرفت ، چرا ، برای آنکه داداشم مرد شده بود . انشالله بعد برای منم خواهد گرفت . میگفت دیشب عروسی برادرم بود . مثل آن بود که از کلمه عروسی قد در دلش آب میشد . همبردی ، مرا و آقا نظام را همراهی کرد . گفتم مزید شده بودیم و میبایست ادای مردان را در آوردم . اولین چیزی که ما را جلب کرد ادای بزرگان را در آوریم ، سیگار کشیدن بود . از روزانه مخمتر ، چند نخ سیگار می خریدیم و مثل آمده های بزرگ در زنگ تفریح در گوشه یی بهانه می شدیم و با والی بسیار سیگار دود میکردیم . در یکی از روزها که من و آقا نظام با فراغ حال سیگار میکشیدیم ، ناگهان در خانه همسایه چیز عجیبی دیدیم ، آن چیز ، دختری بی حجاب بود . من و آقا نظام هیچیک از آن ندیده بودیم . آقا نظام دلیر شوخوار گن مادرش مرده و بعد دادای بزرگ شده بود و منم جز «حجام» که چنگی در بزرگی بدل کسی نمیزدند چه برسد به بچگی ، زنی را به چشم ندیده بودم جز ننه فاطمی که از بوی دود قلیانش نفرت داشتم .
 آنروز جهان برای ما عوض شد . برای اولین بار دختری دل آرا میدیدم که قدی بلند داشت و حجاب نداشت و خرمن گسواش تا کمر ریخته بود . چقدر احساق بودم من ، چرا فکر میکردم همه دخترها مثل ننه فاطمی هستند و قلیان میکشند و وراجی میکنند و رخصت های کثیف را به نهر سعیده میرند و میشویند . چطور تفهیده بودم که بین این دختر و ننه فاطمی فرق بسیار است ؟ آیا اینجه بیا به نور نبود ؟ ما مرتب نگاه بودیم در ناگهان زنگ کلاس را زدند . زنگ ناهمب زده میشد و صدای موحشی داشت . گفتم آقا نظام این از مایه تران کی بود ؟ گفتم این همان دختر همسایه مدرسه است که هر روز آتدند به خانه شان بر میگرد . دیگر حواس ما کسره پرت شد . احساس کردم که از دیگران سرایم و یک چیز زیادی داریم . یا بچه ها حرف زدیم و سر کلاس بیا به یکدیگر نشستیم . ما گنجی شایگان یافته بودیم . فقط آقا نظام و من حق داشتیم درین خصوص صحبت کنیم .
 هر طور بود کلاس پایان یافت . مثل قرقی بطرف حایگاه خود بریدیم اما ندیدیم حاترست و بچه نیست . نالو لهجه آه زان به کلاس برگشتیم تا مدرسه تعطیل شد . آنروز با آقا نظام ، راه افتادیم . اقرار کردم هر دو عاشق این دبدارها هستیم و باید طرحی که ریخت که بتوان این عشق سه تند را بسامان رسانید . کنکاش شروع شد . آقا نظام نقشه کشید که برای آنکه دختر بداند ما عاشق شدیم باید نامه عاشقانه نوشت . آقا نظام تمهادهای از عشق میگفت ، که نه خودش می فهمید و نه من . او کار را تقسیم کرده گفتم تو چون اشیای خوب است داستان را تهیه کن و من چون خطم خوب است آثار بالک نویس میکنم . اسم او کرد که نامه را حتما باید شعر بنویسی و یاد آوری کن که ما هر دو مرض شده ایم ، دیوانه شده ایم . من میخواستم اعراض کردم . و هر چون آقا نظام ، اصحاب عقل بیشتر مداد است حرف زدم . اینگونه اسرار ساده نیست . غروب نیمه تم انگیزش را شروع شده بود و ما همچنان دریاغ مسجد نوشرا قدم میزدیم . به سر نوشت عشق خانمان براندازمان می اندیشیدیم . بالاخره دستهای آقا نظام در باره نوشتن نامه تمام شد و خدا حافظی کردیم و من رفتم که نامه را تهیه کنم .

فردا نامه تمام شد . خدا میداند چه چیز ها که

نوشتم . درست یادم نیست ، ولی میدانم که صحبت از مردن
وزرده شدن و گریه کردن بود . و در آخر نامه تهدید کردم
که اگر به این دردی دوا فرسیدو این بندگان خدا را زیر
پرو بال نکیزید ، خون دو جوان نورس را که هزاران آرزو
& خیال دارند به گرین گرفته اند . صبح نامه را برای
آقا نظام خواندم ، پسندید و با دقتی عاشقانه نامه را پاکنویس
کرد . بعد از ظهر نامه را آورد . هر دو نفر ذیل آنرا
امضاء کردیم . آسمان را درست و خوانا نوشتم . نامه را
امضاء کردیم ، در پاکت گذاشتیم ، چند برگه نازنج و
گلبرگ محمدی هم جاشی نامه کردیم و آنگاه بحث شروع
شد که نامه را چگونه بدخترک برسانیم . آقا نظام شجاع
بود و قبول کرد که به این میدان برود . وقتی که شاگردان
رفتند و کوچه خلوت شد ، دخترک خندان و فتان از دور
پدیدار گشت . مویش زیر جامه موج میزد . چاکر شما
سوئی کشید که از هیجان و اضطراب بیشتر بمعدای شغال
تبر خورده شبیه بود . آقا نظام جابک شروع کرد اول کتبی
را دردمه کرنن ، بعد دستمال در آورد و دستند کفشش را گرد
گیری کرد ، تا ساعت فداکاری فرا رسید . لاله داشت
جواب توابع مرا میداد ، من گفته بودم بابا خدا قوت بده ،
لاله چیتش را رها کرده بود ، میگفت بیرونی بچه جون
و آقا نظام درین حالت نامه را در آورد و دو دستی بدخترک
تعارف کرد . دختر بی خیال کنار رفت ، رم کرد ، تمص
کرد . آقا نظام قدم پیش گذاشت نامه را جله تر برد . دخترک
کنارتر رفت ، محل نگذاشت . نمیدانم چه شده که دختر لاله اش
را صدا کرد . درین گیر و دار ، آقانظام عصبانی شد و کاغذ
را به زور به داخل جادر ساه دخترک انداخت . فریاد بلند
بلند شد . لاله دیدو آقا نظام گریخت . لاله نتوانست
آقانظام را بگیرد ، و دیگر ماجرا پایان یافت . دوباره عشاق
تنها شدند و پدر دل برداختند . زنگ اول بعد از ظهر
بود که من آقا محمد فراش را دیدم که جابک بظرف کلاس
۸ می آید . قلبم تپیدن گرفت . احساس کردم که فاجعه
شروع شد ، بخصوص که چند دقیقه قبل سابهو تازن جادری
را در اتاق آقای مدیر دیده بودم . آقای ناظم یکلاس رسید ،
اسم آقا نظام و مرا آورد و با تشدد گفت آقای مدیر شما را
میخواهد . هنوز در اتاق آقای مدیر را باز نکرده بودیم
که صدای یاک زن را شنیدیم : « این بی پدرها را بیرون
کنید ، اینا که هستند که بنام شاگرد مـ درسه اینجا راه
داده اند » . در اتاق باز شد و چشم ما در حین صحبت ، به مادر
دخترک افتاد و از آن دردمانگر ، خوددخترک . تمام آرزوها
فرو ریخت . معلوم شد جلو میجون شدن ما را میخوانند
بگیرند و قبل از اینکه اشک خونین از چشم عاشقانه بریزیم ،
امروز زیر چوب و فلک آقای مدیر اشک راست راستگی
خواهیم ریخت . باوردمن و آقا نظام سخن آنان بریده شد .
آقای مدیر مرا صدا زد و گفت این خط را می شناسی ؟ -
سرم را زیر انداختم . گفتم مگر کری گوساله ، احمق این
دستخط را می شناسی ؟ - گفتم چه عرض کنم . هنوز چه
عرض کنم را تمام نکرده بودم که مدیر یک کشیده آبدار
به صورتی نواخت و گفت امروز عشق یادتان میدهم . بعد آقا
نظام را صدا کرد و گفت این خط لعنتی تست ، خطت را
می شناسم . این.. خوریهها چیست که کردی ؟ - آقا نظام



ساکت ماند . مدیر پرسید تو هم کرشدی ؟ الان گوشت را
شوا میکنم . و از جا بلند شد . چشمتان روز بد نبیند -
دو سیلی آبدار چند اردنگی جانانه به آقانظام زد و بلند بلند
گفت :

جانورها هنوز از دهشتان بوی شیر می آید عاشق میشوند .
پدری ازتان در آورم که آنرش را ندیده باشید ، ما کله
خورده و سرافکنده و میجون نشده از اتاق مدیر باتیبا و پس
گردنی بیرون افتادیم . گفتند از مدرسه اخراج خواهید شد .
میخواستند جاروی فراموش بدست آقانظام بدهند و کلام کاغذی
سروش بگذارند ، زوری سیندش بنویسند : میجون مدرسه ..
بنده را هم در این صورت بی نصیب نمی گذاشتند ولی نمیدانم
چهدش که کار بدینجا فرسید .

اما از همه اینها شیرینتر ادعای آقانظام بود . ما وقتی
که کتک جانانه را جلو معشوقه نوش جان کردیم و خفت کامل
کردیم ، تازه آقا نظام عصبانی شده بود . میگفت عجب دختر
نظامی است ، اینقدر معرفت نداشت که ضامن شود و
نگذارد مدیر کتکمان بزند .

سالها از آن روزها میگذرد ، نمیدانم آیا دخترک از
نامه عاشقانه بدش آمده بود ، یا از این که دو نفری نامه را
امضاء کرده بودیم .

بهداشت محیط روستائی

را آلوده میکند و چون لبنیات و اغذیه دیگر محل مناسبی برای رشد میکروبهاست ، مگس خیلی زود میتواند غذا را چنان آلوده کند که دیگر قابل استفاده نباشد .

پیش‌گیری زبانه‌های مگس

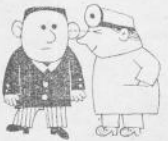
مهمترین عامل مؤثر در اینمورد، از بین بردن یا پوشانیدن محل رشد و نمو مگس است زیرا کثافات است که پشه و یا مگس را درخود جای داده و پرورش میدهد . اصطبل دامها را باید تمیز نگاهداشت و درصورت امکان اطراف آنرا با توری بست . زباله‌های خانه‌ها را باید در مکانهای سروپوشیده نگاهدارند یا بسوزانند. چاه مستراحها را باید پوشانید و در داخل چاه های منزل هر هفته در حدود یک لیتر نفت ریخت .

دومین عامل حفظ سلامت ، نگاهداری موادغذائی در محل سروپوشیده است. فروشندگان مواد غذائی باید آنها را در قفسه‌هایی که با توری محصور شده باشد نگاهداری کنند و در مغازه‌ها مواد حشره‌کش بمصرف برسانند که مگس وحشرات دیگر را از بین ببرد . در منازل نیز که شیر میدوشند و یا شیر و مواد دیگر تهیه میکنند ، باید راهنمایی‌شان کرد که چگونه آنها را از حشرات دور نگاهدارند و اطفاقارها تمیز کنند و در نظافت افراد خانواده بکوشند. اگر این کارها که زحمت زیادی هم ندارد انجام شود در مدت کوتاهی نتیجه عالی حاصل خواهد شد و یک عمر دعاگو خواهید داشت ، چون راهنمایی‌های شما بوده که اینقدر در آنها اثر گذاشته و نتایج عالی بار آورده است .

از آن زمان که بشر بوجود آمده و خود را شناخته است همواره با خطرهای گوناگون روبرو بوده و پیوسته سعی کرده خود را از مرگ نجات دهد و یا حداقل خواسته است که عمر خود را طولانی‌تر کند . یکی از راههای حفظ سلامت و طول عمر انسان ، رعایت بهداشت محیط زندگی است . باینجهت اینک چند مورد را پیرامون بهداشت محیط روستائی خواهران و برادران سپاهی دانش در میان میگذاریم . معمولاً در روستاها بعلت وجود دامها و عدم آشنائی دامداران با اصول بهداشت بیماری، ناپیائیی ، مرگ و میر بیشتر چشم میخورد و آفتابیی هم که ظاهراً سالمند بسبب رعایت نکردن بهداشت محیط و در نتیجه تلف شدن احشام و از دست دادن اموالشان غالباً تهیست هستند .

اصولاً وقتی روستائیان جسماً سالم نباشند نه قدرت بدنی دارند که کار کنند و نه وضع مالی و روحیشان اجازه می‌دهد که تحصیل کنند . پس شما سپاهیان عزیز ، سعی کنید برنامه‌ای برای سالم‌سازی محیط زندگی ایشان طرح کنید و اگر دوره سپاهگیری شما کثاف نداد ، اتمام کار را به همکار بعدی خود که جای شما را میگیرد واگذارید .

جلو بیماری را باید گرفت . پیشگیری دو فایده دارد ، یکی اینکه خیلی آسانتر از درمان است و دوم اینکه مخارج آن خیلی کمتر از درمان میشود و خطرش نیز صفر است . یکی از بزرگترین آفات سلامتی انسان، مگس است . این حشره که در تمام روستاها بطور فراوان یافتن میشود باعث انتقال بیماریهای مختلف میگردد . پاهای آلوده این حشره غذاها



کاخ های در هم ریخته امپراطوریهها ، نامردی- های غم انگیز امیران و فسادپذیری حکومت ها همگی حقایق انکارناپذیری است که تنه عکس- العملها و واکنش های مردم در برابر زور، جبر ، بی عدالتی ، فکرویی ، تنگ نظری و خودخواهی ها بوده است .



وقتی میگویند «صبح سواد» لازم و ملازم یکدیگرند ، غرض این است که ایجاد تفاهم و همبستگی و امکان استمرار باید در جامعه ای پی افکنده شود که بمردهش فضیلت و فرهنگ و تقوی تنهیم شده باشد و از سوئی فضای کشور از شمیم صبح آکنده شود .

روز هفدهم شهریور ماه سال ۱۳۴۴ و حضور وزرای فرهنگ ممالک مختلف در ایران نشانه آن بود که در کشورها ، پای بین حکومت و مردم زده شد و پایه های این پل بر مصالح و سواد قرار گرفت در آن روز رهگذران این پل مردمی بودند که آمدند تا دست رهبر خردمند ایران را در راه بر چین بساط ظلم و بی - سوادى بشنارند و جهاد و تلاشی را آغازگر شوند تا هم سعادت آینده جامعه بشری تضمین گردد و هم با همکاری مشترک ، مبارزهای انسانی برای از بین بردن بزرگترین بالای تاریخ بشر فراهم شود و در چنین موقعیتی کشور ما حکم جامعه ، حکم تالار ، حکم محفل و حکم جمعی را پیدا کرد تا با الهام از سن دیرینه و عالی خود در قاموس پیکار خیر باش، روشنگر فلسفه کهن ایرانی و فرهنگ ایرانی باشد ..

وقتی رهبر مسلکت ما پیام انسانی خود را به سیزدهمین مجمع عمومی یونسکو در پاریس اعلام داشتند ، زمامداران کشورها خود را در مقابل وجدان بشری و وجدان جامعه مسئول و متعهد احساس کردند .

وجود يك ميليارد يسوادو محروم از مواهب زندگی ، واقعیت تلخ و دردناکی بود که رسالت و مأموریت زمامداران و حکومت ها را در اشاعه فرهنگ و دانش و ترویج اصول عالیله خلاقیتی و مدنی در محدوده کشور محکوم میکرد . زیرا که وقتی در دنیای امروز ، بشریت خود را هر لحظه بعبورت خانواده ای واحد احساس می کند و دور از اختلاف های سیاسی و ژادى و حسی مذهبی در حالت تفاهم و همزیستی انسانی بسر میرد ، لازم می آید که در غم و شادی هم شریک باشد و خالی از هر گونه جدائی و نفاق کنار هم بنشینند و برای یافتن طرق تا مین سعادت خود و آیندگان تبادل نظر و بذل مساعی کنند .

تجمع وزرای فرهنگ در ایران که بزرگترین کنگره فرهنگ تاریخ جهان بشمار آمد و پاسخ مثبت رسوای کشورها بدین اقدام بشر دوستانه ، آغاز تلاشی شرافتمندانه شد تا گروهی از برادران و خواهران ما در گوشه و کنار جهان از حیثیت ، و شخصیت انسانی خود برخوردار شوند و در این راه پایتخت کشور ما بصورت يك مرکز دوستی و تفاهم در آمد که جلوه گاه کوشش و فرهنگ خواهی اش برای برچیدن بساط فقر و جهل و رواج فروغ دانش و پیش ، مرزها را در نور دید و يك نهضت جهانی پیکار با يسوادى را در بر گرفت .

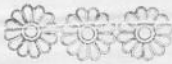
امروز با دیدار نتایجی که از این پیکار و از این تلاش جهانی در راه دفاع از حقوق و منافع يك ميليارد نفر از هم نوغان خود داریم ، این سخن پیش می آید که خرمن عاطفی انسانها را فقط جرقه ای کافی است تا مشتعل کند . در کشور ما روزیکه سپاه دانش تجلی کرد ، در حقیقت خرمن عاطفی جوانان ما آتش گرانت و فروغ و روشنائی و گرمای این کانون ، زمه ربر روستاها و یخبندان قلب های روستاییان را در بر گرفت و فرصتی پیش آمد تا اصل برادری و برابری بنحو شایسته و احترام آمیزی خود نمای کند . اینک که در آستانه سال این پیکار قرار گرفته ایم جا دارد ستایشی را بر بانی این انقلاب و گردانندگان این نهضت تثار کنیم و بازم منتظر روزها و فرصت های بهتری باشیم تا جامعه جهانی از نوعی تفاهم ، تسالوی ، حیثیت و شخصیت بطور کامل برخوردار گردد .

برف تهنای

من کیستم ؟ بیای تپ از یا نشانی
 روزی ، در آستانه فردا نشستی
 جز آه دلنواز که بی او میان دل
 دامن کشیده از همه تنها نشستی
 غری جو لعل ساغر خون در کشیده‌ی
 لب دوخته ز شکوه شکیبا نشستی
 نا یختی بکاسه سودای خام دل
 ناکام روی آتش سودا نشستی
 دل در ره کزانه آرام نیستی
 با موج هیرکاب به دریا نشستی
 جو نیستی ز دفتر هستی نخوانده‌ی
 نقشی بروی برف تهنای نشستی
 دردی تکی ز سینه درد زورانی
 چون درد می بدامن مینا نشستی
 «آذر» کیم؟! باله و فرناک شوم خویش
 بومعی پیام قلعه دنیا نشستی



باری که همیشه هوشین من و تست
 خصمی است نشسته در گمین من و تست
 ز بهار مضرر فریب خال و خط او
 ماری است که زهر آستین من و تست
 مثنق کتانی



هر روز که آید و شبی دنبالی
 چون درنگی تنو نیک در احوالش
 مرگ است که میرسد ز اقلیم عدم
 عر است که میرود به استقبالش
 سحابی

هاتف تبریزی

پای تیغ

به آتش میکشد پیک شعله آتش نیستانی را
 به خاکستر نشانند دود آهی دودمانی را
 تنور سینه‌م را هر نفس پیغام توفانی است
 که ره سوی فنا آباد بکشاید جهانی را
 در این وادی که بجز ریگ و روش خضر راهی نیست
 بهر منزل زره و اماانده بینی کاروانی را
 جهان را بود هر سوخوان رنگینی و من غافل
 که دام فتنه در زیر است هر گسترده خوانی را
 اگر روزی بیای تیغ بشتینی مباد ایسل
 که گیری آستینی را که بوسی آستانی را
 ز صائب تا نماند جاتهی «هاتف» جهان آرد
 بیزم نکته دانی همچو من آتش زبانی را





یا ترا ، یا مرا !

بعد از این ای مدعی گر بر درجان روی من هم آیم از فنا و ایستم پهلوی تو
یا ترا بینند و بکشایند در بر روی من یا مرا بینند و نگشایند در بر روی تو
آذر بیگدلی

قطعه

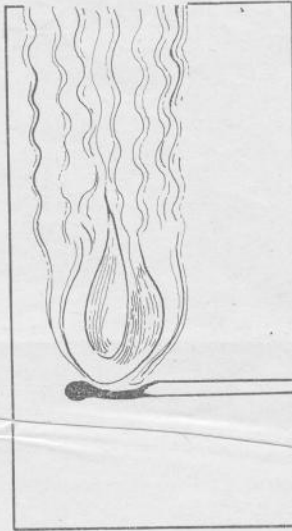
تربیتی کن به آب لطف خسی را
شهره شوی آرموده ایسم بی را
عمر دوباره نداده اند کسی را
«فرخی سیستانی»

خواستم از لعل او دو بوسه و گفتم
گفت یکی پس بود اگر دوستانی
عمر دوباره است بوسه من و هرگز

رباعی

وز جمله خلق برگزیدن خود را
دین همه کسی راوندیدین خود را
ابوسعید ابوالخیر

عیبی است عظیم بر کشیدن خود را
از مردمک دیده نباید آموخت



حرارت چیست ؟

در دورانهای کهن مردم خیلی بیکردند که گرما ماده‌ای است جزا از جسم مثل هوا ، و می‌گفتند سمانطور که هوا وجود دارد و بنده نمی‌شود ، گرما هم وجود دارد اما چشم نمی‌آید و فقط با حس لامسه حس می‌شود . انسان متذکر بودند اگر جسمی گرم شود « کالوریک » (یعنی ماده گرما) بر آن جریان پیدا میکند .

ما اینک میدانیم که حرارت ماده نیست و هیچ فضایی را اشغال نمی‌کند ، وزنی ندارد ، جرمی ندارد و فقط شکلی از انرژی است .

انرژی چیست ؟

انرژی یعنی نیرو ، و نیرو و بارش از توانی و قدرتی که کاری را انجام دهد . پس حرارت نیز نیروی است که می‌تواند کاری را انجام دهد .

وقتی که شما اتومبیلی را در حرکت می‌بینید ، پتین داشته باشید که حرارت حاصله از احتراق و سوختن بزرگ موجب حرکت آن شده است . یعنی با مهارکردن

حرارت احتراق بترین ، سبب به حرکت درآیند اتومبیل شدهاند .
چطور گرما ایجاد میشود ؟

برای تولید گرما ، راههای فشرسانی وجود دارد . آتش ، اصطکاک و الکتریسیته منابع تولید حرارت و گرما هستند ولی منبع اصلی حرارت خورشید است . اکثر خورشید وجود نداشت تمام گرمائی را که بشر میتوانست براههای مختلف ایجاد کند ، نمیتوانست کره زمین را آن اندازه گرم نگهدارد که انسان بتواند در روی آن زندگی کند .

تغییرات حاصله در خورشید ، این کره عظیم را بآن اندازه گرم و برحرارت نگه میدارد که خارج از حد تصور انسان است . خورشید میلیاردها سال بزمین حرارت داده می‌لارد اما سال دیگر نیز حرارت خواهد داد .

گیاه ، حیوان و انسان هم‌ماز حرارت خورشید نیرو می‌گیرند و زنده هستند .

در بعضی از اجسام مانند فلزات حرارت آسانتر حرکت میکند ، به اینگونه اجسام « هادی حرارت » میگویند .

بعکس در بعضی دیگر از اجسام مثل پنبه نسوز ، پشم و هوا ، حرارت چسب بکندی حرکت میکند و باذن « عایق حرارت » میگویند .

شما بدن نیست بدانیم که حرارت بدون هیچ وسیله‌ای قادر به حرکت است . مثال ساده و بارز آن ، گرمای خورشید است که از فضای خالی بین کره زمین و خورشید بشکل اشعه نور به ما میرسد .

بعضی از اجسام هنگامیکه گرم می‌شوند بسر جسمشان افزوده می‌گردند و باصطلاح علمی « منبسط » میشوند .

همین دلیل برآیند جسمان هم‌ماز ساختن بناها و پایه‌های فلزی و بتن و ریل آهن ، محلی خالی جهت انبساط تیرهای آهن و میل‌های فلزی بین آنها می‌گذارند تا در تابستان که هوا گرم می‌شود و این اجسام بسر جسمشان اضافه می‌گردند ، محلهای خالی را پر کنند .

شما حرارت سبده بشن بعضی از اجسام میشود و بعضی دیگر را به گاز یا بخار تبدیل می‌کند .

سرما چیست ؟

سرما یعنی عدم وجود حرارت . بنابراین هر جسمی را می‌توانیم با تاج کرین حرارت از آن ، سرد کنیم . مثلا بچیزهایی که در خیال قرار داده سرما داده نمی‌شود ، بلکه تنها گرمای آنها گرفته میشود . بنابراین اگر می‌شویم که می‌گویند مثلا گرمای هوا ده درجه زیر صفر است نباید تصعب کنیم و بگوئیم ده درجه زیر صفر دیگر گرما نیست . زیرا هوای ده درجه زیر صفر نسبت بهسوی بیست درجه زیر صفر ، ده درجه گرمتر است و همینطور گرمای ۲۰ درجه زیر صفر نسبت به ۳۰ درجه زیر صفر .

در دورانهای اولیه نیاکان ما جز خورشید منبع حرارتی دیگری نمی‌شناختند . لیکن پس از کشف آتش — که در مسوره پیدایش آن عقاید و نظرات مختلفی موجود است موارد استعمال زیادی برای آن پیدا کردند . از آن جمله برای گرم کردن غذای خود و دور نگهداشتن

حیوانات از مواد خوردنی و محل
سکای خویش از آتش استفاده
میکردند .

قدیمترین راه بوجود آمدن
آتش «سایش» یا اصطکاک است و
آن باین طریق بود که با سائیدن دو
چوب خشک بیکدیگر آتش ایجاد
می شد . سنگ چخماق (یا سنگ
آتشزنه) نیز وسیله دیگر بوجود
آمدن آتش بود .
دانشمندان معتقدند که هنگام
سوختن جسمی ، آن جسم با اکسیژن
هوا ترکیب می شود و این ترکیب
آتش شدید است که حرارت ایجاد
شده و اکسیژن و جسم را میوزاند .
البته برای ایجاد این حالت ، شعله
و حرارت اولیه لازم است . اکثر
اوقات پس از سوختن جسمی (مثلا
چوب) از آن جسم چیزی برجای
میانماید . ولی این چیز باقیمانده بدو
صورت است : یکی آنچه که می بینیم
و « خاکستر » نامیده می شود و
دیگر اینکه همداری از چوب در
حین سوختن ، تبدیل به بخار آب
و گاز کربنیک می شود که دیده نمی
شود .

بدن انسان ، منبع حرارت

بدن انسان و هر جانور خون
گرمی ، خود یک منبع تولید حرارت
است ، یعنی ارگانیسم و تشکیلات
بدن طوری است که مواد غذائی را
با فعل و انفعالاتی تبدیل بمادهای
میکند که این ماده با اکسیژنی که
بوسیله ریه وارد خون میشود ، در
یاختهها تولید حرارت میکند . بنابراین
این هیچکس بدون اکسیژن بیش از
چند دقیقه نمی تواند زندگی کند .

اکسیژن چیست ؟

یک پنجم از هوائی را که استنشاق
میکنیم اکسیژن است . اگر به هوائی
که در اطرافمان است نگاه کنیم
نمی توانیم بگوئیم که چه مقدار
اکسیژن دارد . بنابراین اکسیژن
نامرئی است .

همه جانوران ، مثل خود ما
باید از اکسیژن تنفس کنند زیرا با
سوختن اکسیژن در بدن هر موجود
زندهای ، حرارت ایجاد می شود و
حرارت نیز برای زندگی لازمست .
پس تمام موجودات زنده احتیاج به
اکسیژن دارند و مرتباً در حال

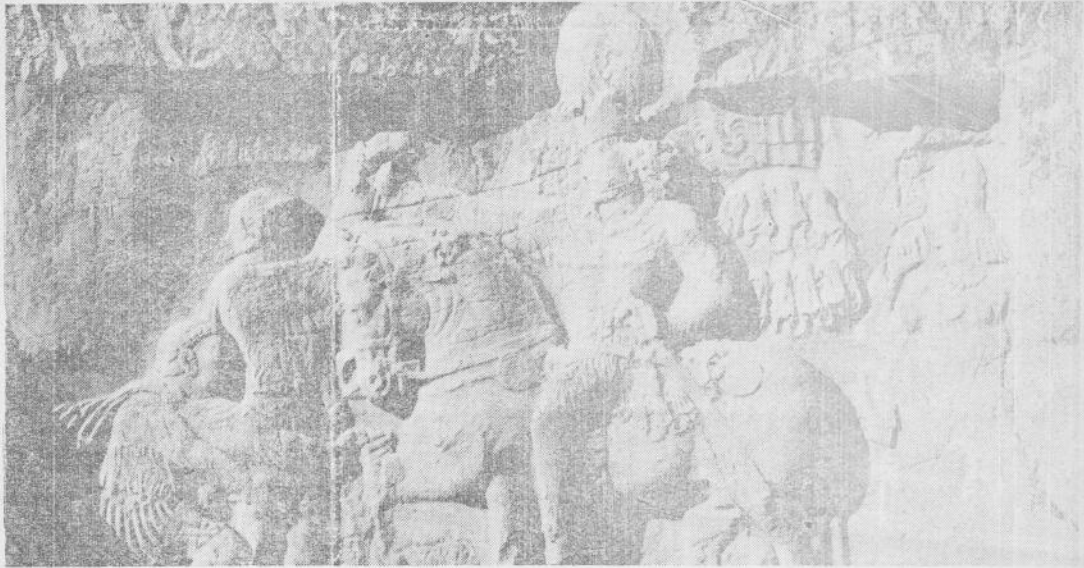
امور اجتماعی دربار شاهنشاهی
اعلام داشت که از بین ۱۷ هزار و
پانصد تن سپاهیان انقلاب ، ۹۵ نفر
بشرح زیر یعقوب سپاهیان انقلاب
ممتاز برگزیده شده اند . این سپاهیان
میتوانند در صورت تمایل برای
ادامه تحصیلات (بدون شرکت در
مسابقات ورودی) در دانشگاهها
نام نویسی کنند و یا به استخدام
سازمانهای دولتی درآیند .
اسامی سپاهیان ممتاز باین شرح
است :

مصوبه سروش حقیقی - بیرون سعیدی - فاطمه
غلامعلی حسه - مهین پاکراند - افسس حیدر جزیری -
هماخدوی - ایران جعفری آزادی - شهناز کیومرثی -
عنمت وفائیان - زهرا ذاکری - پروانه رسولی -
زهره سروری - عنرا اسلانی شهید سری - ماساناله
حیدری مقدم - جلیل تریمانی - مختار یهولوی سید
هادی روانفر - مصطفی معشوری - جواد کارگر بیده -
بهرام فروزنده شهرکی - محمد قدوسی مقدم - بیژن
زرشکبار - صحبت الله الهی - علی اکبر ادیب نژاد -
همایون فالاحیان - محراب فرهنگزاده - محمد صادق
بنی اردلان - غلامحسین چراغی - غلامحسین بناش
سفرچی - فیروز دانیل زاده - شایعور بایرامی مرانی -
تقی بیاتی - منوچهر کهن فکر - سید کمال الدین قاضی
عرشی سید فرح خاموشی - همدان خوشخو - احمد
نمازی - محمد علی دوداوی - سید علی نوانه - علی
عمادی - محمد خدداش - یهمن عطائی کجوبی -
نصرت الله بردان پناه - محمد رضا قربانعلی زاده - ابراهیم
باقری شیرجینی - اسمعیل عطیسی - سید محمد
میرضائی - حاجت الله نصرتی - محمدحسن بیزی -
احمد سوزنجی - محمد رضا صدیقیوش - مصطفی قلی
مقتدولین - اسمعیل شافی اقدم - محمد اسمعیل خسرو
جردی - بتول افخیری - عباس شاملو - منظر - قائم -
علی صدقی زاده - شاهروق انصاری - فرح صادقی -
قدرت الله دیاش - پیروزروانی - طهبورت کابرون -
عبدالرحیم وهابی - کاووس بزرونی - محمد علی
شریفی اسکی کد - عظیم خانی - علی اصغر جرمضانی
بروز بیگم - محمد حسین همزبان - علیرضا نجفی
بیرگانی - فرح معاذه - بهرام حقیقی - محمد رضا
بیرجندی - سعید مومنی - نجات الله سعیدی - جعفر
خوانساری - علیرضا خوشبیدی فرد - محمد فرح -
فرامرز بختیاری اصلی - منصور رضوانی ورجندی -
محمد رضا خواجه پور - مهدی گرایی شکیب - خسرو
افشاری - محمود رفیعی فرد - حسن بابازاده خامنه
حجت نژادصفوی - محمدابین جغتائی - جلال طریقی -
عبدالباقی غنی زاده فرد - عشرت بی نژاد - پروین دخت
المطمان عرب - مهری کندادیان - منوچهر اصغر
نژاد جوان .

مصرف این ماده هستند .

از کجا اینهمه اکسیژن تولید می شود ؟
اگر گیاهان سبز نبودند ،
اکسیژن موجود در هوا بکلی مصرف
شده و تمام میشد . هنگام روز ، این
گیاهان اکسیژن پس میدهند ولی در
هنگام شب ، این گیاهان نیز مثل
هر جانور و هر انسانی ، اکسیژن
مصرف میکنند . اما مقدار اکسیژنی
که در روز پس میدهند خیلی بیشتر
از مقداری است که شب هنگام مصرف
می کنند . بنابراین بعلت وجود گیاهان
سبز در سطح کره خاکی ، مقدار
اکسیژن هوا تقریباً ثابت است و به
همین دلیل است که حکومتها مردم
را ترغیب بکاشتن و ازدیاد درختان
سبز میکنند و باز بهمین علت است
که هوای روستاها و مناطق نزدیک
جنگلها سالمتر و تازه تر از هوای
شهرها و کارخانهها است .

بهر صورت زندگی با حرارت
آغاز می شود و با حرارت ادامه
می یابد و چنانچه فرض کنیم روزی
منبع اصلی حرارت یعنی خورشید ،
از بین برود ، زندگی از کره زمین
رخت برمی بندد .



ارسطو فیلسوف نامدار یونان در کتاب سیاست می‌نویسد: «پادشاهی نوعی پدیری است بپیک شهر یا یک ملت و یا چند ملت در یک کشور و اگر غیر از این باشد برقلعرو ازو اول مستولی خواهد شد.»

«ابواسحق ابراهیم اصطخری» که از مردم اصطخر پارس است و ممالک اسلامی را از هند تا سرزمین مغرب‌رئور دیده، در کتاب مسالک الممالک می‌نویسد: «آنچه ایران را از گردن زمانه محفوظ داشته است لیاقت شاهان دادگستر و باکفایت و جانشانی آنها در مقابل حوادث سخت روزگار بوده‌است.» امروز که از زمان حیات این جغرافی‌دان بزرگ متجاوز از یک هزار سال گذشته و از روزگار ارسطو، حکیم نامدار یونان نیز نزدیک به دو هزار و سیصد سال میگذرد، به وضوح می‌بینیم که سربتاء و رمز حیات سرمدی ایران چیزی جز آنچه این دو محقق بزرگ بان اشاره کرده‌اند نبوده است. «کریستن سن دانمارکی» دانشمند و خاور شناس معروف، در باره شیوه مملکت داری سلاطین ایران چنین می‌نویسد: «یک پادشاه واقعی در ایران فقط رئیس سیاسی مملکت نیست بلکه در درجه اول یک معلم و یک مرشد است. کسی است که نه تنها برای ملت خود، براه و پل وسد و قنات میسازد بلکه روح و اندیشه و قلب مردم را نیز رهبری می‌کند.»

آری، کشور سرافراز ما ایران از سده‌های پیش‌مهد تمدن و مشعلدار فرهنگ و مروح پاک و درستی در جهان بوده است. در طی قرون گذشته، پیوسته مردم غیور و سربلند ایران با روح بزرگ و ایمان و استغنیای طبع خویش، مبداء دگرگوئیهای ارزنده‌ای در جهان بوده‌اند.

کاوش‌های علمی و باستان‌شناسی در دل تپه‌ها و اعماق زمین، این حقیقت بارز تاریخی را بنجد روشنی آشکار می‌سازد که مشحون از بزرگی‌ها و مجد و عظمت این سرزمین پاک در تمام ادوار باستانی است. از آن روز که کوروش کبیر شالوده شاهنشاهی ایران را در محور درستی و پاکی بنا نهاد، فصل تازه‌ای در تاریخ با عظمت ایران گشوده شد.

شاهنشاهی ایران

از: احمدعلی امیرانی

مرامجه و مطالعه سطحی به تاریخ جهان، این موضوع را کاملاً برای هر خواننده‌ای روشن میسازد که در ادوار مختلف تاریخ حیات بشر کشورهای زیادی وجود داشته‌اند که امروز دیگر از آنها آثاری وجود ندارد. فقط و فقط گاهگاه در مرامجه به کتب افسانه‌های کهن، از قساوت و بی‌رحمی زمامداران این قبیل کشورها مطالبی کاملاً جنب توجه میکند و میرساند که آنچه واقعا موجب زوال و فناء اینگونه ممالک گردیده است، چیزی جز ظلم و بی‌دادگری فرمانروایان آنها نبوده است. دولت‌های آشور و کلد و بابل و امپراطوریهای دیگر جهان، هر کدام قلمرو وسیعی در حیطه تصرف خود داشتند که بعالت ناپیدری و بی‌کفایتی رهبران آنها، یکی پس از دیگری به زوال گرایید و نامشان از صفحه روزگار زوده شد. عامل انحطاط و سقوط امپراطوری‌های دیگری را که تا حدی حیات سیاسی آنها بزمان ما نزدیک بوده است، به شهادت تاریخ بدیجری جز فساد و تباهی زمامداران نمیتوان استناد کرد و آنچه که به ملتی دوام و قوام بخشیده و آنرا نام آور و سربلند ساخته است عقل و درایت و حسن تدبیر و دوراندیشی رهبران و زمامداران آن بوده است.

● ایران سرزمینی است که با آئین شاهنشاهی

همواره مشعلدار تمدن جهان بوده است .

● پادشاهی نوعی پدری است بر یک شهر یا یک

ملت و یا چند ملت در یک کشور .

• اسطوره

از آن روزگار تاکنون همواره کشورها بارهبری خردمندان شاهنشاهان ، حوادث تلخ و شیرینی را پشت سر نهاده است و در تمام دوران ، همبستگی شاه و مردم که راز پایداری این سرزمین باستانی است به ثبوت رسیده است . ایران سرزمینی است که با آئین شاهنشاهی همواره مشعلدار تمدن جهان بوده است و فرد فرد ملت ایران به این سنن باستانی و بوجود پادشاهان عدالت گستر و انسان دوست افتخار میکنند . در اینجا لازم میدانم متن سنگ نبشته کوروش در بابل را بیاورم :

کوروش شاه ، پادشاه مقتدر ، پادشاه بابل ، پادشاه کشور سومر میفرماید :

منم کوروش ، شاهنشاهان ، شاه بزرگ ، شاه نیرومند ، شاه بابل ، شاه سومرواک ، شاه چهار مملکت ، پسر کمبوجیه ، شاه بزرگ ، نواده کوروش شاه بزرگ ، از شاخه سلطنت امیری که سلسله اش مورد مهر خدایان و حکومتش بدلها نزدیک است . وقتی که بی جنگ و جدال وارد بابل شدم همه مردم قدم مرا پادشاهی پذیرفتند . در قصر پادشاهان بابل بر سریر سلطنت نشستم . مردوک «خدای بابل» دهای تجیب مردم بابل را متوجه من کرد زیرا من او را معزوم و گرامی داشتم . لشکر بزرگ من به آرامی وارد بابل شد . نگذاشتم صدمه و آزاری ب مردم این شهر و این سرزمین وارد آید . وضع داخلی بابل و اهالی مقدمه آن قاب مسرا تکان داد . فرمان دادم که همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند و بی دین آنان را نیازمند . فرمان دادم که هیچ یک از خانه های مردم خراب نشود . فرمان دادم که هیچ کس اهالی شهر را از هستی ساقط نکند . خدای بزرگ از من خرسند شد و بمن که کوروش کبیر هستم و به پسر کمبوجیه و به تمامی لشکرم از راه عنایت ، برکات خود را نازل کرد . پادشاهانی که در همه ممالک عالم در کاخ های خود نشسته اند از دریای بالا تا دریای پایین و پادشاهان غرب تماما خراج سنگینی آوردند و در بابل بزبانه های من بوسه زدند . فرمان دادم که از بابل تا آشور و شوش و اکد... همه سرزمین هائیکه در آن طرف دجله واقعند و از ایام قدیم بنا شده اند ، معاینی که بسته شده بکشایند . همه خدایان این معابد را بجای خود برگرداندم تا همیشه در همانجا مقیم باشند . اهالی این محل ها را جمع کردم ، منازل آنها را که خراب کرده بودند از نو ساختم و خدایان سومر و اکد را بی آسیب بقصرهای آنها که شادی دل نامدار بازگرداندم صلح و آرامش را به تمام مردم عطا کردم .

آداب و شیوه مریضیه کوروش در زوجه فرزندش «کمبوجیه» نیز اثر گذاشت و او در موقع تصرف مصر ، مطابق سیاست پدرش در بابل ، الهه مصری را احترام گذاشت . در سنگ نبشته مصر ، او با کالاهی که علامت مار مخصوص فرعون مصری را دارد ، جلوه میکند و با این التماس توجیف میشود : «کمبوجیه» مالک کل حیات و امان و سعادت ، تندروست و شادگام .

در پادداشتی که از سر بزرگ مصری در بار کمبوجیه باقی مانده ، آمده است که تا آن زمان مصریها نیز مانند بابلی ها تصور می کردند مصر کانون جهان است و مردم سایر کشورها بیگانه اند .

اما در موقع شاهنشاهی هخامنشی که مشرق و مغرب را شامل میشد ، این تصور از میان رفت و مردم جهان در این شاهنشاهی احساس یگانگی میکردند .



خواستگاری در اصطهبانات عروسی



رفعت عامه

- برای بردن عروس به منزل داماد ، اقوام داماد باید نیمساعت پشت در منزل عروس معطل بمانند .
- تا مادر عروس قول زیارت مشهد یا نذرگوسفند نگیرد «پاندازی» انجام نمی‌شود .
- در حجله خانه دو انگشت شست عروس و داماد را روی هم گذاشته با گلاب می‌شویند .

مراسم‌های بانات وقتی بخوانند از دختری خواستگاری کنند باید دختر حتماً از اقوام خوششان باشد چون بد می‌دانند که دختر غریبه (از خانواده دیگر) بگیرند یا اینکه دخترشان را به مرد غریبه شوهر بدهند. در غیر اینصورت بستنی مورد ملامت قرار می‌گیرند.

مراسم عقد

قبل از عقد دختر و پسر همدیگر را نمی‌بینند. برای خواستگاری والدین پسر و دختر با توافق بزرگترها دور هم جمع میشوند و مذاکره میکنند و بعد از اینکه مهریه و شیربها و باشلق را تعیین کردند، دختر را بوسیله کنش و انگشتر نامزد می‌کنند و می‌گویند او را گوش و انگشتر کرده‌ایم. بلافاصله بعد از گفت و گو، عقد می‌کنند و چون در ده‌اخذند، مجبورند به شهرستان نزدیک رفته و پسر و دختر را عقدکنند و بعد به ده برگردند. بعد از خوانده شدن خطبه عقد، داماد چارقد عروس را از روی سرش برداشته و در جیب خود می‌گذارد. شب عقد، عروس را به منزل داماد می‌برند و در آنجا جشنی برپا می‌کنند که به آن «روواکون» می‌گویند که به هنگام شب گرفته میشود و در آن اقوام نزدیک عروس و داماد به شام دعوت دارند. در این مراسم، داماد گلویند یا پول یا چیزهای دیگر را به منزل عروس می‌برد و بعد از خوردن شام به عروس هدیه می‌کند و سپس به منزل خود برمیگردند. این مراسم عقد است و از این بعد هروقت که داماد بخواند، مقداری میوه یا چیزهای دیگر تهیه کرده و به منزل عروس می‌رود ولی نمی‌گذارند که عروس و داماد با هم به شهر بروند یا اینکه تنها باشند.

مراسم عروسی

برای تدارک عروسی، والدین عروس و داماد به شهر می‌روند تا وسائل عروسی را فراهم کنند. این وسایل عبارتند از مقداری آرد و برنج، قند، جای، هییم، گوشت و پیاز و زردچوبه که یک روز قبل از عروسی به منزل عروس برده میشود.

حمام مخفی برای عروس

یک روز قبل از عروسی، همان روزی که وسایل خوراک را داماد به منزل عروس می‌فرستد، عروس باید حمام مخفیانه برود. در این حمام رفتن فقط اقوام عروس مثل خواهر و مادر عروس همراه او می‌روند و هیچکس دیگر همراه او نیست و خیلی زود هم برمیگردند.

حمام آشکارا برای داماد

صبح روزی که شب آن عروسی است، داماد صبح سحر به حمام می‌رود و خانواده عروس لباسهایی را که برای داماد تهیه دیده‌اند همراه با یک ناخن‌گیر، یک ساعت، دستمال، آئینه، جامناز و شیشه عطر در یک چمدان قرار داده و آن را به سلمانی میدهند تا پسر حمام برود. داماد را در حمام حنا می‌پنندند و دست و پا و موهای سر او را قرمز می‌کنند. بعد از اینکه داماد از حمام بیرون آمد لباسهایی را که از خانه عروس آورده‌اند می‌پوشد و اگر ساز و نثاره داشته باشد، نوازندگان به داخل حمام آمده و داماد را همراه شادی و چوببازی مردان به منزل می‌برند. در بین راه اهالی ده که از اقوام یا همسایه او هستند، برای داماد مجموعه می‌گیرند. مجموعه شامل یک سینی بزرگ

است که داخل آن اسفند، بوخوش، نارنج، گلایه، قرآن و یک آئینه گذاشته‌اند و وقتی که داماد به سر کوچه آنها می‌رسد، سینی را جلو می‌برند. داماد می‌ایستد، اول قرآن را به او می‌دهند تا زیارت کند و بعد کلاب را روی سر و صورت او می‌پاشند و نارنج را بدمت او می‌دهند تا بو کند و آئینه را جلو صورت داماد قرار می‌دهند تا در آن تماشا کند. سر هر کوچهای که اقوام و آشنايان داماد هستند بهمین ترتیب عمل می‌کنند و داماد را به این صورت به منزل برده و در حیاط خانه داماد مشغول شادی و چوببازی می‌شوند و زنان هم دور هم دایره زنده و دستمال بازی می‌کنند و می‌رقصند.

حمام آشکارا رفتن عروس

همان روز، بعد از اینکه داماد از حمام بیرون آمد عروس را به حمام می‌برند. لباس عروسی را که داماد تهیه کرده در یک چمدان گذاشته و پسر حمام می‌برند. بعد عروس را که یک چادر سیاه بر سر کرده و صورت خودش را محکم پوشانده، همراه اقوام عروس و داماد به حمام می‌برند. موقعیکه عروس در حمام است، در منزل داماد ناچار می‌دهند برای عروس و پسران او شربت درست کرده و به حمام می‌برند. عروس را در حمام در وسط نشانده و دست و پا و بدن او را حنا می‌پنندند و اقوامشان شادی میکنند و بعد از اینکه کارها تمام شد، ساز و نثاره به حمام می‌آید و لباسهایی را که داماد فرستاده به تن عروس میکنند و عروس را که در وسط اقوام خودش قرار گرفته، همراه ساز و نثاره به منزل می‌آورند. ناگفته نماند که نظیر همان مراسمی که اقوام داماد برای داماد در کوچه برپا کرده بودند، برای عروس هم انجام میدهند یعنی مجوس می‌گیرند ولی یک چارقد هم برای عروس به آن اضافه می‌کنند که آن را بروی سر عروس می‌اندازند. هنگامی که عروس به منزل می‌رسد، ۱۰ الی ۱۲ عدد چارقد سفید دارد. وقتی که عروس را با ساز و نثاره به منزل داماد رسانند، مجموعه حنا را که در منزل عروس است به منزل داماد می‌برند. اول حنا را خنیر می‌کنند و روی حنا شکل می‌اندازند و چاد تا برگ سبز روی آن می‌گذارند. در منزل داماد فرش انداخته و دیوار حیاط را بوسیله پارچه‌های زنبق و رنگارنگ تزئین داده و داماد را طوری که چندتا متکا یا بالشی در پشت او قرار گرفته باشد، می‌نشانند. مجموعه حنا را که شامل دوشتاب تخم‌پوداده و بادام و مقداری شربتی و دو کاسه حنا و یک چراغ (که روشن است) جلو داماد می‌گذارند و دلاک



حمام مشغول حنا بستن به کف دست و پای داماد میشود .
و بعد تحسک و شیرینی را که در مجموعها بوده دلاک
برمی‌دارد . ضمن اینکه مقداری پول نیز با و داده میشود .

مراسم شباشی داماد

در این هنگام که داماد را در حیاط نشاندهاند ، از
اقوام او هرکس به اندازه توانائی خودش مقداری پول به
داماد می‌دهد و يك نفر هم در آنجا ایستاده که پولها را
می‌گیرد و صدای می‌زند که فلانی ۱۰۰ تومان و فلانی ۲۰۰
تومان داده است و يك نفر هم اسمی کسانی را که پول
می‌دهند و مقدار آن را یادداشت میکند و بعد پولها را به
داماد می‌دهند تا خرج عروسی شود . البته باین جهت مقدار
پولها را یادداشت می‌کنند که بعدا وقتی که فامیل داماد
دختر یا پسرشان را میخواهند شوهر یا زن بدهند ، داماد
باید همان اندازه پول را عینا پس بدهد و اگر نداد مادر
همان پس یا دختر به منزل او آمده و میگوید پولی را که
از تو طلب داریم پس بده . این پول شباشی ، به عنوان قرض
است که می‌دهند و بعدا پس خواهند گرفت !

مراسم شباشی عروس

وقتیکه عروس از حمام برگشت ، او را آرایش
می‌دهند و این آرایش را « براق کردن عروس » میگویند.
به این ترتیب که کمی سرمه پشمهای عروس میماند ،
مقداری سنباق و گل‌های رنگین جلو سر عروس می‌زنند ،
گونه و لب او را سرخ می‌کنند ، لباس سفید به او میپوشانند ،
توزی سفید در پشت موهای او وصل می‌کنند و او را روی
صندلی وسط حیاط منزل خودشان می‌نشانند . البته این
براق کردن عروس تا ساعت ۴ بعد از ظهر است . يك کیف
یا صندوقچه منجیل قرمز را روی زانوی عروس گذاشته و آینه
کوچکی در دست عروس قرار میدهند و او دائما در آینه
نگاه میکند . تمام اهالی ده برای تماشای عروس که براق
کرده می‌آیند چون اگر عروس را در حیاط نشانند تا اهالی
او را ببینند ، می‌گویند عروس زشت و بدترکیب بوده است.
هنگام عصر سفره می‌اندازند و به کسانی که به عروس پول
دادندند شام می‌دهند . همان‌طور که پولهای داماد را يك
نفر جمع و يك نفر اداست می‌کرد ، پولهای عروس را هم
همین‌طور می‌گیرند . پولها را به پدر عروس میدهند که
خرج عروسی دخترتری کرده است . البته مادر عروس باید
این پولها را در موقع عروسی اقوام خودش پس بدهد و
این مراسم را « آب حنا » می‌گویند . وقتی اقوام شام
خورده‌اند و پول دادند و رفتند ، عروس را به اطاق برده و
تا ساعت ۱۱ شب باید منتظر بنشیند تا از خانواده داماد بیاید
و او را همراه خود به منزل داماد ببرند .

مراسم امامزاده رفتن داماد

امامزاده‌ای در بیرون ده قرار دارد به نام سیدنور
محمد که باید باموتور سیکلت یادوچرخه همراه ۲ الی ۳
نفر برای زیارت بروند . به امامزاده که رسیدند ، داماد
دو رکعت نماز حاجت میخواند و اطراف حرم گشته و به ده
برمی‌گردد . در نزدیکی ده با تقاره از منزل عروس جلو
داماد رفته و او را به منزل می‌آورند و مردها مشغول
چوب‌بازی و شادی می‌شوند تا اینکه داماد شام بدهد . بعد از
اینکه شام دادند ، مردم تا ساعت ۱۱ شادی می‌کنند . بعد
چند نفر از منزل داماد ، همراه تقاره به پشت در منزل

عروس می‌روند . ابتدا در منزل عروس را باز نمی‌کنند .
اقوام داماد در می‌زنند ولی خانواده عروس نسیباعت آنها
را در کوچه معطل می‌کنند . بعد پدر و مادر داماد وارد
منزل عروس شده و عروس را همراه مادر و خواهرانش
بیرون می‌آورند . هنگام بیرون آمدن عروس ، برادر عروس
آینه بزرگی را پیشاپیش عروس می‌برد و عروس همین‌طور
در آینه نگاه میکند تا به منزل داماد برسند . در منزل داماد ،
مادر عروس نمی‌گذارد عروس وارد منزل داماد شود ، تا
اینکه داماد برود جلو عروس و قول يك زیارت مشهد یا
گوسفند یا هرچه که توانائی داشته باشد به عروس بدهد .
آبوقت عروس وارد منزل داماد میشود و این را « پانداز »
می‌گویند .

حجله‌خانه

قبل از آمدن عروس ، يك اطاق را به نام «حجله-
خانه » فرش کرده و دیوار آن را (البته قسمتی از اطاق
را) با پارچه‌های رنگارنگ و قالینهای زیبا زینت میدهند
و آن قسمت را به صورت اطاق کوچکی درمی‌آورند و بعد بقیه
اطاق را بوسیله پرده از حجله جدا می‌کنند و آنگاه رختخواب
عروس و داماد را انداخته و اقوامشان مشغول شادی و
خواندن آواز می‌شوند تا عروس بیاید . هنگامی که مراسم
پانداز تمام شد ، داماد بلافاصله به پشت بام می‌رود تا عروس
از زیر پای داماد بگذرد و عقیده دارند که این عمل ، زبان
عروس را بر داماد دراز نخواهد کرد و بعبارتی داماد براو
مسلط است . بعد از ورود داماد به حجله ، یکی از آشنایان
عروس و داماد ، دو انگشت دست عروس و داماد را
روبه‌هم قرار داده و بوسیله گلاب می‌شویند و بعد از حجله
بیرون و از آن منزل هم بیرون می‌روند ولی مادر عروس
تنها در پشت در حجله می‌ماند .

حجله‌واکسون (بازکردن حجله)

روز سوم عروسی ، پارچه‌های حجله را باز میکنند
و اقوام داماد و عروس دوازدهم جمع شده و هرکس چیزی
به عنوان هدیه برای عروس و داماد می‌آورند که معمولاً
وسایلی منزل از قبیل قوری ، ظرف و یا چیزهای دیگر است.
در آن روز ، تهیه ناهار با داماد است و عصر همه به منزل
خود برمی‌گردند . بعد از يك هفته ، عروس و داماد يك
شب برای صرف شام به منزل پدر عروس می‌روند و پدر
عروس به عنوان هدیه ، گوسفند یا گش یا چیز دیگری
که مورد علاقه دخترش است باو داده و عروس و داماد
به منزل برمی‌گردند .



سرگرمی و مسابقه

چند گربه

در يك سالن چهارگريه در چهار گوشه آن نشسته اند و جلو هر گريه هم، سه گريه نشسته و هر گريه هم روي دم گريه اي نشسته است. حال شما بگوئيد در اين سالن چند گريه هست ؟

چيستان

آن چيست كه پا و سر ندارد
اندر شكمش ستارگانند
جز نام دو جانور ندارد ؟

دو مرغ از مرغزاري كرد پرواز
يكي را بازيديم، گشت بي سر
بصدا هر دو شان آهك كردند
يكي را سر برديم، لك كردند !

پاسخ هاي اين مسابقه را ميتوانيد با همتاين : احمد صائب

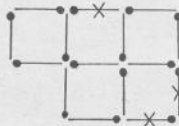
رفع اختلاف

سه نفر مسافر شي را در مهمانخانه اي گذرانده اند و صبح روز بعد هر نفر ده تومان براي پول تخت خواب به صاحب مهمانخانه پرداخته. اما چون خيالي مرتب و منظم و بي سر و صدا بودند، صاحب مهمانخانه مبلغ پنج تومان از جمع پول پرداختي سه نفر را بآنها برگرداند و آنها نيز از اين پنج تومان، سه تومانش را ميان خود تقسيم كردند و دو تومان باقيمانده را به مستخدم مهمانخانه اعلام دادند .

تا چهل روزي از انتشار اين مجله
بفتر مجله ارسال بفرمائيد. اگر
پاسخ شما درست باشد در قرعه كشي
شركت داده خواهد شد در صورت
برنده شدن، از كتابهاي كه براي
اين مسابقه تعيين شده است استفاده
خواهيد كرد .

۳ به ۵

پنج خانه چهار گوش با چوب كبريت مطابق اين شكل درست كرده ايم. چگونه ميتوانيد با برداشتن سه چوب كبريت، خانه ها را به سه تا تبديل كنيد ؟



۱۳	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
			●					●			
		●			●	●			●		
	●					●				●	
		●							●		
		●			●		●				
		●							●		
		●						●			
			●								

طراح : سپاسي دانش علي اصغر جعفرعليلو

افقي

۱ - معاون گشده جيتلر ۲ - هم يكي از حيوانات وحشي است و هم به تركي معني عددي را مي دهد - محصول كثيرا است و بهارچه زند - آسمان غرب ۳ - از اعضاي رتيبه بدن - راز - ويامين انعقاد خون - خالي در ورق ۴ - روزي كه گشت - خوب نيست - از نامهاي خداوند ۵ - يكي از اعداد - بازين - نفي عرب ۶ - فعل نهي برندن - حيوان درند - رودي در کشور فراعنه ۷ - جمع عربي نيرو - سلسله اعداد - جزيره اي در دريای منيترانه ۸ - نصف شايه روز - شهري در ايران - از شمار عربي ۹ - بلي بزبان روسي - اثر رطوبت - از غزال خوشتر است ۱۰ - انگليسي به سر مي گويد - اثر - حيوانات دارند - فلز گرافيت ۱۱ - خود «اع» است - پندميز نقاش - از كلمات تصديق ۱۲ - اثري معروف اميرزرا محمد تقی سپهر

عمودي

۱ - يكي از آثار تاريخي اسفهان ۲ - سلسله اي اعداد ترتيبی - وزين باد - نيابيش و درخواست ۳ - از گلهاي زيبا - علامت مفعول بيواسطه - فلزي است ۴ - علامت اختصاري سازمان جاسوسي امريکا كجش برهنتر لرسد ۵ - دوست و رفيق - ترساننده عرب به خون گويد ۶ - حرف نفي - خدای ساختگي - لباس مردگان - موجود افسانه اي ۷ - آتش - ناشايش به گاهدان زند - مانر عرب - خط موسيقي ۸ - انگليسي به كار مي گويد - نشاني - رستم سپيدش را كشت ۹ - پول خارجي - واحد زماني در سال تحديلي ۱۰ - روحاني زرتشتي - منقار برندگان - واحد سطح ۱۱ - از كلمات نداد - پول کشور انگليس - نامي براي دختر خانم ۱۲ - از آثار معروف قاضي بينواي

برندگان جايزه

براي تعيين برندگان مسابقه چيستان نشريه شماره ۷۴ سپاه دانش قرعه كشي بعمل آمد و در نتيجه خانه هاي مليحه ضياء از چهارم جايزه شادالوني از تهران و آقای يوسف هاديان از بيرتد برنده مسابقه شناخته شدند .

جايزه نامبرندگان توسط پست ارسال خواهد شد .

● شاعری مهمل‌گو و لاف‌زن به «جامی» گفت :
دیشب حضرت خضر «ع» را به خواب دیدم که آب دهان
مبارک را در دهان من انداخت . جامی گفت : غلط دیده‌ای.
خضر می‌خواست که تف در روی و ریش تو افکند ، تو دهان
باز داشته‌ای و در دهانت افتاده !

« لطایف الطوائف »

● شاعری پیش جامی غزلی بنخواند و گفت میخواهم
که این غزل را بدروازه شهر آویزند تا شهرت کند . جامی
گفت : مردم چه دانند که آن شعر است مگر تو را نیز پهلوی
شعرت بیاویزند .

« لطایف الطوائف »

● شاعری خودنما به جامی می‌گفت : چون به خانه
کعبه رسیدم ، دیوان شعر خود را برای تبرک و تیمن در
حجرالاسود مالیدم . جامی گفت : اگر در آب زمزم
می‌مالیدی بهتر بود !

« لطایف الطوائف »

● یکی از شیخ‌زاده‌های شهر که خالی از بلائی
نیود و دعوی شعر و شاعری می‌کرد ، به این مطلع جامی
که می‌گوید :

بسکه در جان فکار و چشم بیدارم تو یل

هر که پیدا میشود از دور پندارم توئی
اعتراض کرد و گفت : شاید خری یا گاوی از دور پیدا
شود .

جامی گفت : باز پندارم توئی .

« لطایف الطوائف »

● شاعری گمنامی خود را چون دایره زنگی در
کف معشوق دانسته و این رباعی را سروده است :

چون دایره ، ما ز پوست پوشان توایم
در دایره حلقه بگوشان توایم
گر بنوازی ، به جان خروشان توایم
ور نوازی هم ، از خوششان توایم

● مردی به « جریر » شاعر عرب گفت : شاعرترین
مردم کیست ؟

« جریر » گفت برخیز! وایمن‌یا تا تو را جواب
گویم . پس او را نزد پدر خود « عطیه » آورد . در خیمه‌ای
دیدند که « عطیه » بز ماده‌ای گرفته و از پستان او شیر
میمکد . عبوس بانگ زد ای پدر بیرون بیا . ناگاه پیر مردی
بدیبهت و عبوس و کربه‌المنظر بیرون آمد و شیر از اطراف
ریشش جاری بود .

« جریر » گفت : این پدر من است که از فرط خست
از پستان بز شیر می‌مکد از ترس اینکه مبادا کسی آواز
دوشیدن شیر را بشنود و از او خواهش نماید .
شاعر ترین مردم منم که به شعر خود ، به این پدر فخر
می‌کنم و هشتاد شاعر زیر دستم را به مدح پدر و فخر به او
غالب آمدم !

« الاغانی »

● روزی فیلسوف دانا شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا به
مجلس ابوالخیر درآمد . بر زبان ابو سعید سخن از طاعت
و معصیت گذشت . شیخ‌الرئیس این رباعی را اشاء کرد و
به ابوسعید داد :

ماییم به عفو تو تولا کرده

وز طاعت و معصیت تبرا کرده
آنجا که عنایت تو باشد ، باشد

ناکرده چون ناکرده ، کرده چون ناکرده
ابوسعید این رباعی را بر بدیهه در پاسخ گفت :

ای نیک نکرده و بدبیا کرده

وانگه به خلاص خود تمنا کرده
بر عفو مکن تکیه ، که هرگز نبود
ناکرده چو کرده ، کرده چون ناکرده

« بزم ایران »

● این سه‌بیت را مرحوم « نظام السلطنه » دستور داده
بود روی بالای سر در منزل خود بر سنگی حک کنند :
مرا خانه‌ای نیست در خورد دوست

اگر هست از یمن تشریف اوست

بگو پا نهد دوست تا سر نهم

ز خاک رهش بر سر افسر نهم

قم هر که در این سرا می‌نهد

به فرق سرو چشم ما می‌نهد

« لطیفه‌ها »

● هنگامی در مجلس اتابک سعدین زنگی ، افضل
کرمانی را امتحان کردند که در عدس ، ماش ، نخود و
برنج شعری بر بدیهه گوید . او بی‌تفکری تام این رباعی را
اثناء کرد و معروض داشت :

تا خال عدس شکل ، شبیخون آورد

غلطان چو نخود ز چشم من خون آورد

سودای دو چشم ماش‌گون تو مرا

از پوست ، برنج‌وار بیرون آورد

« تاریخ کرمان »

● در زمان میرزا بابر ، فقیهی « مزید » نام به‌هرات
آمده بود . روزی در مجلس میرزا بابر ، « جامی » از
« مزید » پرسید در لمن بزید چه می‌گوی . مزید گفت :
روا نیست ، زیرا که اهل قبله بوده ، میرزا رو به
جامی کرده است : شما چه می‌گویید ؟

گفت : ما می‌گوییم صد لعنت بر بزید و صد دیگر
بر « مزید » !

« لطایف الطوائف »

ایران و ایرانیان از نظر دیگران

قهوه‌خانه ایران و سازمان آن

قهوه‌خانه عبارت از تالارهای بزرگ وسیع و بلند، و بصورت اشکال گوناگونی است. معمولا بهترین پاتوق هر شهری بشمار می‌رود چون مرکز اجتماع و محل تفریح مکه بلاد می‌باشد. بسیاری از قهوه‌خانه‌ها بویژه در شهرهای بزرگ دارای حوض آبی در وسط است این تالارها در دوران خود دارای مطبوعه یا سکوهای است که با ارتفاع سه‌تا چهارپا، بر حسب وسعت محل است، و یا چوب پستی وجود دارد که بشیوه مشرق زمین در روی آن می‌نشینند، یا آغاز روز این مراکز افتتاح می‌یابد و طرف غروب بر تعداد اجتماع افزوده می‌شود.

سخنرانی‌های شاعران و درویشان

ملایان یا درویشان و یا شاعران قطعات و داستان‌های منظوم و یا منظوری در قهوه‌خانه‌ها قرائت می‌کنند. سخن‌های ملایان و درویشان در سرهای اخلاق و بیانند و اعظم‌ا (اروپائیان) می‌باشد ولی هیچکس مجبور بدقت گوش دادن بدان‌ها نیست. هیچکس را هنگام گفتار داستان سرایی وادار بترک بازی، یا صحبت خویش نمی‌کنند.

ملای سرپا در وسط یا در یک گوشه قهوه‌خانه می‌ایستد و با صدای بلند بوغزله می‌راند، و یا یک درویش ناگهان وارد می‌شود و برای حضار از ناپایداری جهان و بوجی ثروت دنیا و افتخارات دنیوی سخن می‌گوید.

اغلب اوقات اتفاق می‌افتد که دو یا سه نفر ناطق در آن واحد، یکی در این گوشه، دیگری آن گوشه سخن می‌پردازند، و بعضی اوقات یکی از اینان واعظ است در صورتی کندیگری نقل می‌باشد، فی‌الجمله در این مراکز اجتماعات جداعالی آزادی موجود در جهان وجود دارد. یک شخص جدی نمی‌تواند متعرض یکتفر شوخ و شیرین شود: هرکس نقلی می‌کند و هرکسی بفرکی مایل باشد گوش می‌نماید.

سخنرانی‌ها معمولا چنین خاتمه می‌یابد: «وعظ کافی است، بنام خدا، بی‌کار خود بروید» آنگاه سخنرانان از حضار چیزی می‌طلبند و پاکمال قرونی، و بدون هیچگونه اقدام نهنجاری باین کار می‌پردازد می‌کنند، زیرا در غیر این صورت صاحب قهوه‌خانه اجازه ورود بایشان نمی‌دهد. بدین طرق هر کس هر چه می‌خواهد می‌دهد.

بهترین شراب در اینجاها بدست می‌آید

در تمام نقاط ایران شراب می‌اندازند، مگر در مناطقی که هیچکس مجاز بنوشیدن آن نباشد بمانند سرزمین‌هایی کنه سیسی و بیودی در آن‌ساکن آن و نه گبران، در سرتاسر مملکت در جاهایی که اشخاص اندکی با شراب انداختن آشنائی دارند مشروب اعلاهی بدست می‌آید. بهترین شراب ایرانی در گرجستان، ارمنستان، در آذربایجان درهیرکانی (سواحل جنوبی خزر) در شیراز، در یزد که شهر عهدی و مرکز کرمان است بدست می‌آید.

شراب اصفهان بیش از مداخله اروپائیان ظرف و خوش طبع در انداختن آن، بدترین مشروبات بشمار می‌رود اما در حدود پانزده بیست سال است که اینان تشریک مساعی به عمل می‌آورند. آثرا از انگور ریز مطبوعی که مطلقا پیدانه است تهیه می‌کردند و بطوریکه می‌گویند بسیار پرخار بود، و نوشیدنش سخت و برای معده سرد مینمود. ارمنیان به تقلید فرنگیان انگور ریز مزبور را با درشت مخلوط می‌کنند، و بدین طریق شراب بسیار خوبی تهیه می‌نمایند که بسیار آبدار است.

نگهداری شراب و خصوصیات خضه‌ای ایرانی

ایرانیان شراب را بمانند ما (اروپائیان) در بشکه نگه نمی‌دارند، این ظروف در ایران بندر نمی‌خورند چون در نتیجه خشکی هوا می‌ترکد و شراب بهتر می‌رود، در این کشور از خم استفاده می‌کنند کسبوی به‌نامدی چهارپا، و بشکل بیضی، بمانند تخم مرغ است و معمولا گنجایش دویست و پنجاه تا سیصد لیتر شراب دارد، سطح داخلی برخی از این ظروف لعاب‌دار، ولی بعضی دیگر کاملا ساده می‌باشد، ولی خضه‌ای بی‌لعب، دارای یک طبقه داروی (ماده) مخصوص است که از روغن خالص گوسفند تهیه شده و مانع جذب شراب از طرف سفال است.

این خضه را در زیر زمین بمانند بشکه و چلیکهای ما، خنک و خوب نگه می‌دارند، و حتی آنهایی را که دیر خواهند خورد، تا درگاه درخاک فرو می‌برند. شنیدم که در فرانسه، در ولایت پواتو، این قبیل خضه‌ای ایرانی وجود دارد و بیون‌خوانده می‌شود، ایرانیان آن‌را خسر (خمره) نامند که یک لغت عربی و بمعنای شراب است، و از لغتی اشتقاق یافته که مفهوم آشفتن را می‌رساند، چون شراب عقل و هوش را مختل و آشفته می‌سازد در عوض تازیان رزرا تجلیل کرده و بدان نام کرام‌داده‌اند که بمعنی سخی و کریم است، چون عصاره تالک‌انسان را بکرامت و کارهای نیک هدایت می‌کند.

شراب در این ظروف مدتی مدید محفوظ می‌ماند، اما درست نمی‌توان گفت چندین سال ممکن است همچنان مصون بماند. معمولا شراب را در بطری یا مشک‌های مخصوص حمل و نقل می‌کنند و اگر مشک خضوب باشد، شراب هرگز خراب نمی‌گردد، و بهیچوجه مزه خیک نمی‌دهد چون چنانکه من دیدم، مسلمانان بهترین شراب را مردافکرترین آن می‌دانند، در مشربی که برای فروش اختصاص دارد، کجوله، یا شاهدانه و یا آهک ریزند، تا بدین طریق بر تاثیر و بظاران از سیاحت‌نامه شاردن

ترجمه مصد عباسی

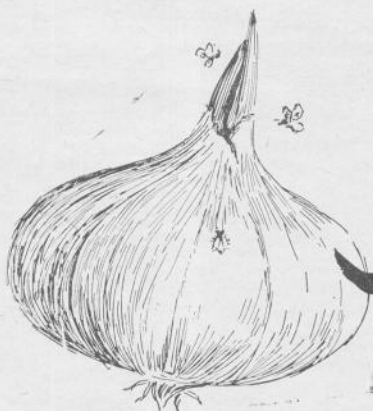
مگس پیاز یکی از آفات زیان آور سبزیکاری است. این آفت بطور بومی در اغلب نقاط جهان وجود دارد و همه ساله زیان فراوانی به محصولات پیاز و سیر این کشورها وارد میسازد. در کشور ما این آفت تا بحال در استانهای شمالی مخصوصاً مازندران و گیلان و شهرستانهای غربی کشور مانند همدان و همچنین در خوزستان و آذربایجان و نیز اطراف تهران مشاهده گردیده است.

چگونگی زیان آفت

کره‌های مگس در مزارع پیاز و سیر زندگی میکنند و از ساقه، برگ و مخصوصاً خود پیاز تغذیه مینمایند. طرز تغذیه بدین فرار است که کره‌هایی که در داخل خاک از تخم خارج می‌شوند، غده پیاز را سوراخ کرده سپس با ایجاد دالان باریکی خود را به مرکز پیاز رسانیده و از محتویات آن تغذیه میکنند. بر اثر این عمل، رنگ برگها تغییر یافته و از حالت سبزی برنگ زرد کمرنگی درآمده و چروکیده شده و بالاخره آویزون میگردند و بدین صورت مانع از رشد نبات شده زیان فراوانی وارد مینماید. علاوه از محل ورود این کرم ممکن است با کتریها و قارچهای گوناگون وارد شده سبب فساد غده پیاز بشوند. هر کرم ممکست چند پیاز را فاسد کند و اکثراً به حالت دسته جمعی در داخل پیاز دیده می‌شوند که ممکست تعداد آنها گاهی تا ۳۰ عدد کرم نیز برسد.

محل تخم ریزی مگس در کنار رگبرگها و در داخل خاک، در کنار پیاز میباشد. مگس، تخم‌ها را به حالت دسته جمعی به گروه‌های ۵ تا ۱۲ تایی در کنار یکدیگر میکندارد. ۳ الی ۸ روز پس از تخم گذاری کره‌های مگس از تخم خارج و بلافاصله وارد نسج نبات شده، شروع به تغذیه از برگ و ساقه و یا خود پیاز مینمایند.

کره‌ها در مدت نشو و نماي خود در داخل پیاز سوراخی کنده سپس آنرا بصورت دالانی درمی‌آورند. هر کرم می‌تواند از چند پیاز تغذیه کرده و آنها را فاسد نماید. دوره کرمی مگس پیاز دو هفته است که بعداً در داخل پیاز تبدیل به شفیره شده و پس از طی دو هفته تبدیل به مگس شده و خارج میگردد. چنانچه گفته شد در سالهایی که آب و هوا مساعد است، نسل اول این آفت در اردیبهشت ماه و دومین نسل آن در اواخر تیرماه و نسل سوم اگر وجود یاباید در



مگس پیاز

شهریور ماه در مزارع شمال و اطراف تهران دیده میشوند. معمولاً اغلب لاروهای نسل دوم که به شفیره تبدیل میشوند، زمستان را میگذرانند و بعضی‌ها تبدیل به مگس میشوند که نسل سوم را تولید میکنند و بازمه لاروها تبدیل به شفیره شده، زمستان گذرانی میکنند.

الف - مبارزه زوای

- ۱ - نظر به اینکه مگس پیاز، زمستان را بصورت شفیره در مزارع پیاز میگذراند، تغییر محل کشت پیاز هر ساله اثر مهمی در تقلیل آفت خواهد داشت.
- ۲ - پس از برداشت محصول، زدن شخم عمیق و در صورت امکان ریخ آب در زمستان، تعداد بسیاری از شفیره‌ها را در زمین معدوم میکند.
- ۳ - کندن و سوزاندن اولین بوته‌های مبتلا، در کم کردن آفت کمک زیادی مینماید.
- ۴ - کاشت دیر پیاز در بهار، کمک مؤثری به کاهش آفت میکند زیرا مگسها زودتر خارج شده و تخم‌های خود را نمیتوانند در مزارع که هنوز کاشته نشده بریزند.

ب - مبارزه شیمیایی

ضد عفونی بذر - قبل از کاشت، ضد عفونی کردن بذرهای پیاز با سمومی مانند گامکسان یا د.د.ت. بمتدار ۵۰ تا ۱۰۰ گرم برای هر کیلو بذر توصیه میشود. طرز

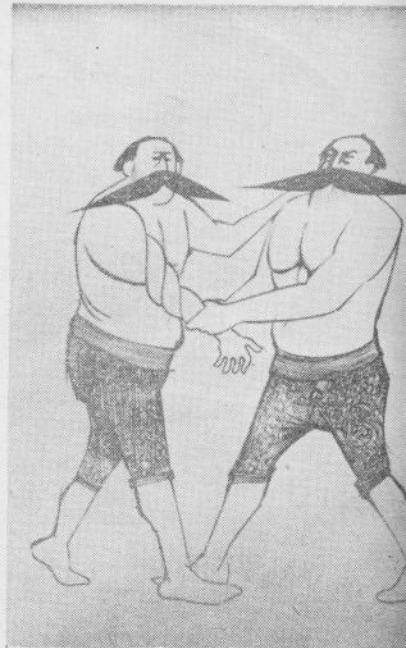
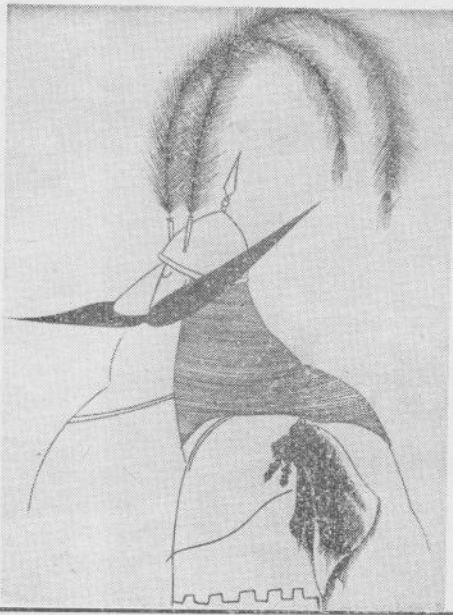
این آفت علاوه بر خسارت به پیاز، از سبزیهای دیگری مانند سیر و ساقه‌های تره نیز تغذیه کرده و این نباتات را هم غیر قابل مصرف میسازد.

مشخصات ظاهری آفت

- ۱ - حشره بالغ - این مگس از نظر شکل ظاهر مانند مگس خانگی است ولی طول بدنش نصف مگس معمولی میباشد و رنگ آن زرد خاکستری است. باهای مگس پیاز درازتر از مگس خانگی و رنگ پاها و شاخک‌های حشره سیاه است.
- ۲ - لارو - لارو، یا کرم مگس، برنگ سفید، بدون پا، قسمت سر لارو باریک‌تر و نوکش تیز تر است. طول بدن لارو تا ۹ میلیمتر و در انتهای بدن دنداندار است و در وسط آن دو لکه سیاه رنگ دیده میشود.
- ۳ - شفیره - برنگ قرمز و قهوه‌ای و براق است شکل آن تخم مرغی و ۵ تا ۷ میلیمتر طول دارد.
- ۴ - تخم - رنگ تخم، سفید تیره، شکل آن بیضی کشیده و در سطح آن یک شیار سرتاسری دیده میشود. اندازه آن یک میلیمتر است.

زیست شناسی

مگس پیاز در کشور ما ۲ الی ۳ نسل دارد. حشره بالغ در اردیبهشت ماه ظاهر میگردد و پس از عمل جفت گیری، ماده‌ها تخم‌ریزی میکنند. مدت تخم گذاری مگس ممکن است از ۱۲ تا ۳۰ روز طول بکشد و میتواند تا ۶۰ عدد تخم بگذارد.



نمونه‌ای از کارهای کامیوز درم بخش

طب و داروهای گیاهی

بقیه از صفحه ۸

کرد و بین جامدات فرار و غیر فرار فرقی گذاشت. پس از رازی نوبت به ابومنصور موفق می‌رسد که اولین کتاب طبی را بفارسی نوشت.

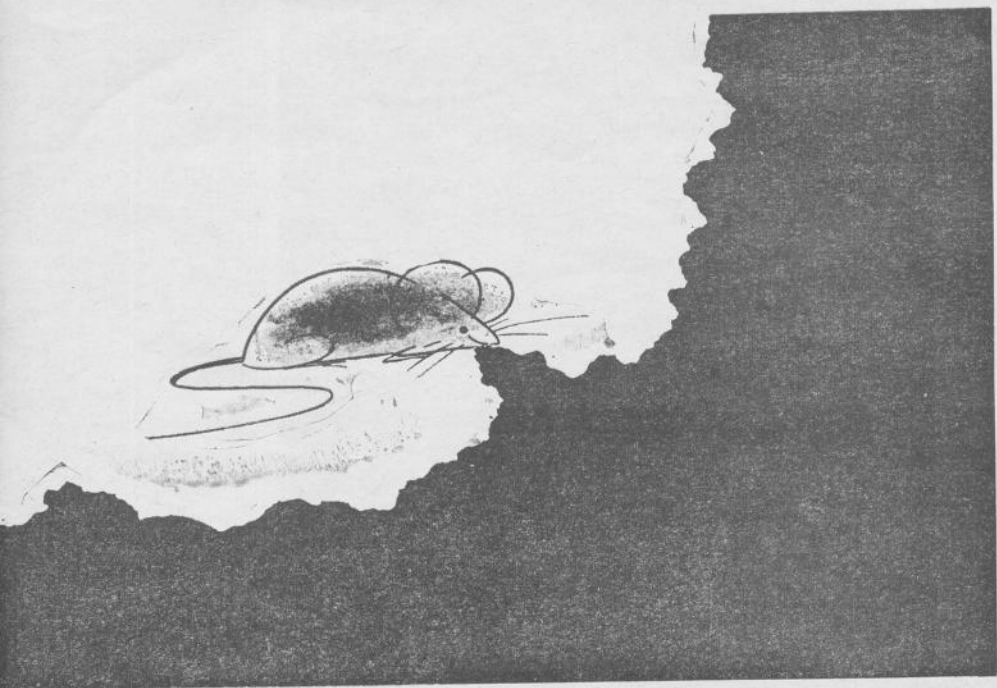
این کتاب نه تنها از جنبه طبی بسیار مهم است بلکه از این نظر هم اهمیت بسیار دارد که اولین اثری است که از نثر (در ایران بعد از اسلام) بجا مانده است. از ۵۸۵ دارویی که در کتاب او از آنها یاد شده، ۷۵ قسم آن معدنی هستند. ابومنصور بین بی‌کربنات سدیم و کربنات پتاسیم فرق گذاشته است و همچنین از اکسید ارسینیک و اکسید من و آنتیمون و از تأثیر سمی ترکیبات من و سرب باخبر بوده است.

چیره دستی ایرانیان را در شناخت داروها باید از دارونامه‌هایی که خارجیان نوشته‌اند بدست آورد. بسیاری از داروهای معروف، اصل و منشاء ایرانی دارند. جلاب که عرق مطبوعی بود، در حقیقت همان کلاب فارسی است که بهر مایعی که برای شستن چشم بکار می‌رود اطلاق می‌شود. ایرانیان سورمه را نیز برای تقویت قوه بینائی بکار می‌بردند.

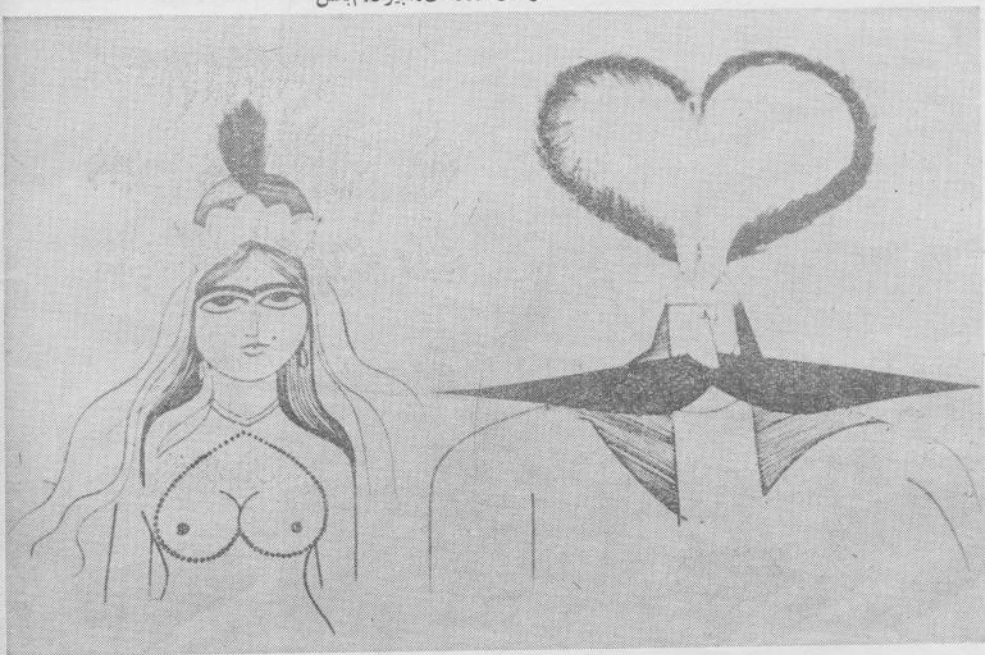
«سولفانامید» های امروز وارث و جانشین آنها بشمار می‌رود. رازی پس از آنکه جیوه را در میمونها تجربه کرد، آنرا بعنوان مهمل تجویز نمود و عمادالدین از آن در معالجه کوفت (سیفلیس) استفاده کرد. همچنین رازی دانه‌های سفیداب سرب را برای درمان چشم بکار برد. از این روی آنرا در داروخانه‌های اروپائی «صابون عربی» می‌نویسند و این اسم غلط است زیرا رازی ایرانی و از اهالی ری بود.

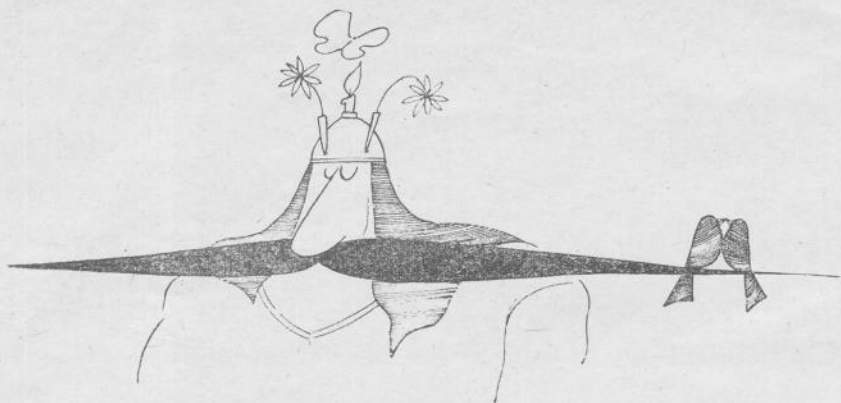
دین اروپا به رازی، از این چند داروهای معدوم خیلی بیشتر است. نه تنها در طب دستورهائی نوشت که مدتها کتاب درسی غالب دانشگاههای اروپا بود، بلکه کتابی هم در شیمی نگاشت که راه را برای مفهوم جدید اجسام شیمیائی هموار کرد. تا زمان او اجسام به جامد و نامی و حیوانی تقسیم می‌شدند، اما او طبقه بندی «حیوانی و گیاهی و معدنی» را در علم وارد ساخت، سپس معدنی را به جوهر و جامد و سنگ و زاج و بوره و نمک تقسیم

مل بدین قرار است که بذرها را قبل از کشت کمی مرطوب ساخته سپس با یکی از سموم نامبرده آغشته کرده و پس از هم زدن، وسیله دستکش و یا بارو، آنرا در محیط خشک و مجاورت آفتاب قرار داده و بعدا اقدام به کاشت نمایند. ۱- ضد عفونی کردن زمین‌های مزروعی - برای از بین بردن کره‌های موجود در خاک، بهتر است قبل از کاشت زمین، سطح مزرعه را با سم دپلدرین ۱۸٫۵٪ بمقدار ده لیتر در هکتار و یاپودر و تابل آلکیرین ۴۰٪ بمقدار ۶۵۰ کیلو رای یک هکتار، سم پاشی کرد. طرز عمل بدین قرار است که هر یک از سموم نامبرده را در داخل خاک با ۵۰۰ لیتر آب حل کرده سپس در سطح مزرعه بطور کنواخت می‌پاشند و پس از این عمل، مزرعه را آبیاری میکنند تا ذرات سم با عمق ۵ تا ۱۰ سانتیمتری خاک نفوذ کند. چنانچه پس از سم پاشی زمین را شخم یادیدک بزنند و بعدا اقدام به آبیاری نمایند، نتایج آن بهتر خواهد بود. ۳- مبارزه با خود مگس - برای مبارزه با خود مگس، بر اردیبهشت ماه هنگامیکه مگس بیاز از خاک خارج شود در هوا پرواز میکند، بکار بردن سموم دیازینون و یادیمیوتوات (رگورروسکسون پرفکتیون) به نسبت ۲۰۰ گرم از هر یک از سموم مزبور در یکصد لیتر آب (۱۵-۲۰ لیتر دیازینون ۲۰٪ و یاد ۲۰-۱ لیتر دیمیوتوات در هکتار) جهت سم پاشی مزارع از مفید و مؤثر است و این سم پاشی از تاریخ بروز مگس‌ها در مزرعه، بهتر است هر ۱۵ روز یک بار تکرار شود و یا بهتر است مخلوط امولسیون ۵۰٪ به میزان ۴ در هزار و دیمیوتوات ۲-۱ در هزار در مزارع بپاشند.

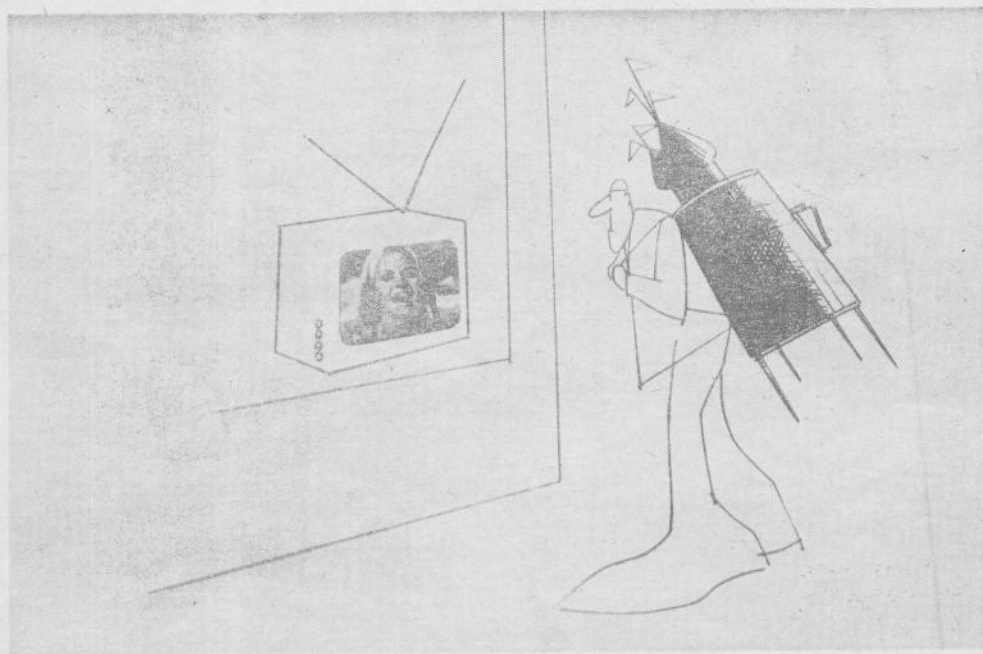


سونه ای از کارهای کامبیز درم پخش





نمونه‌ای از کارهای کامبیز درم‌بخش



در مطبوعات کشور آلمان در زمینه جشن بنیانگذاری شاهنشاهی ایران مطالبی چاپ شده که بسیار جالب توجه است.

نخستین بولتن حاوی برنامه جشن در ایران و اسامی اعضای کمیته‌های جشن در آلمان فدرال و مقاله‌هایی در باره تاریخ ایران باستان و ساختمان ۲۵۰۰ مدرسه یادبود، چاپ و منتشر شده است. روزنامه نگاران و محققان آلمانی نیز با تشریح ماسعی، کتابی در باره تاریخ پر افتخار و پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی ایران منتشر کرده‌اند که بسیار مورد توجه قرار گرفته است و علاوه بر این، پانزده تن از ایرانیان شناسان آلمانی مشغول تدوین کتاب دیگری هستند که در آن تمدن درخشان ایران به جهانیان شناسانده میشود. آقای پروفور گرفتارند دانشمند معروف آلمانی نیز کتابی در دست تهیه دارد که در آن پیرامون تخت جمشید بحث شده است. استادان دانشگاههای مختلف آلمان نیز که به ایران علاقه‌مند هستند، در دانشگاههای هامبورگ، فرانکفورت، هاربورگ، گوتین - گن و فرای بورگ برای معرفی تاریخ و تمدن گذشته و پیشرفتهای کنونی ایران سمینارهایی ترتیب میدهند و سخنرانی‌های مفصلی ایراد میکنند.

امریکا

روزنامه اورلاند و ایوینگ استار چاپ واشنگتن تحت عنوان دوهزار و پانصدمین سالروز تولد نوشته است: ملت ایران از هیچ کوششی

برای بر شکوه تریبیا کردن جشنهای شاهنشاهی خویش خودداری نمیکند و پادشاهان، رؤسای جمهوری، رهبران و نمایندگان عالیقدر کبیتی باحضور خود در جشنهای شاهنشاهی مردم ایران را در انجام این کار یاری خواهند داد.

کهن‌ترین پادشاهی

ایران دارای قدیم‌ترین پادشاهی جهان است و شاید بهمین جهت اجتماع رهبران جهان در ایران بناسبت جشنهای شاهنشاهی، بزرگترین اجتماع سران ممالک جهان را در تمام طول تاریخ انسان پدیدآورده. اکنون مراسم آکتر امسال در تخت جمشید قرار داده شده است. تخت

جمشید پایتخت باستانی ایران بوده و ینک جانشین پادشاهان عظیم‌الشان باستانی، علیحضرت محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه آریامهر است. در مراسم تخت جمشید، شاهنشاه و شهبانوی این کشور از میهمانان خود ملی تشریفات پر شکوه و بی نظیری استقبال خواهند کرد.

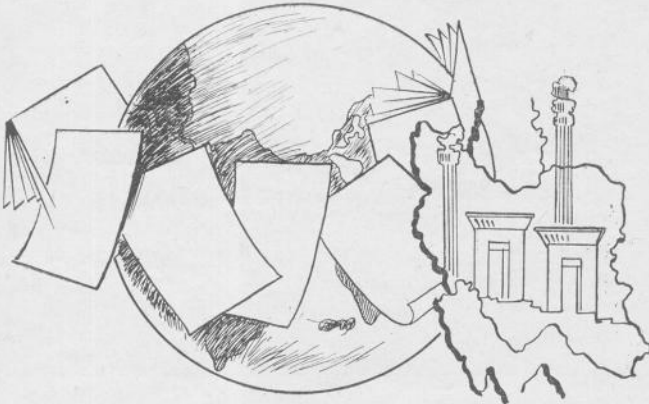
در این مراسم گارد احترام بلباس سربازان دوران هخامنشی ملیس خواهند بود.

این نشریه سپس ضمن چاپ عکسهایی از سرسوتنهای تخت جمشید و یک دوشیزه فالی‌باف ایرانی، گزارشی درباره وضع تخت جمشیدشکام اقامت میهمانان در آن و نحوه‌پذیرایی از آنها چاپ کرده است.

دمتروس کتابخانه‌های دانشگاههای جهان گذاشته خواهد شد. گزارش دیگری که از هلند رسیده حاکیست که دو این کشور انجمنی بنام کوروش کبیر تشکیل شده که ریاست آنرا نخست وزیر سابق هلند آقای «کالس» بهعهده دارد. ایشان روز چهاردهم آکتر در سالن «ریدز» در لاهه میهمانی شایانی بر پا خواهد کرد که در آن شخصیت‌های درجه اول هلند و محققان و ایران شناسان شرکت خواهند داشت. براساس این گزارش همچنین قرار شده است که درموزه شهرداری لاهه نیز ناوشگاهی از هنر ایران ترتیب داده شود.

هلند

مسابقه مقاله نویسی در باره کوروش کبیر



هلند

مطبوعات لاهه مینویسند:

اجتماع خاور شناسان کشور - های مختلف جهان در ایام برگزاری جشنهای شاهنشاهی ایران جهت تبادل نظر و بررسی تاریخ ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران، نشانه این است که تمدن ایرانی، مخصوص و محدود به کشور ایران نیست بلکه جهان را از این میراث فرهنگی سهمی بزرگ است.

مطبوعات لاهه افزوده‌اند

کلیه بررسی‌ها و تحقیقات تاریخی که در باره ایران ۲۵۰۰ ساله بعمل می‌آید، در یک سری بیست هزار صفحه‌ای انتشار خواهد یافت و در

در شهر بمبئی، فعالیت‌های دامنه‌داری برای بزرگداشت و تجلیل از کوروش بزرگ و شرکت در مراسم پر شکوه جشن‌های دو هزار و پانصدمین سالبنیانگذاری شاهنشاهی ایران بعمل آمده که از جمله این فعالیت‌ها ترتیب یک مسابقه مقاله نویسی در باره کوروش کبیر بین محققان و ایران شناسان میباشد.

مغرب

روزنامه الشعب (چاپ رباط) زیر عنوان «تجلیل از پایه گذار حقوق بشر» می نویسد:
در ماه آکتر آینده ایرانیان باریا ساختن جشن‌های باشکوهی

به بهترین وجه از دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی عظیم خود بدست کورش کبیر و همچنین از پایه گذاری حقوق بشر بدست وی تجلیل خواهند کرد .

الشعب سپس در مقاله
مفصل خود مینویسد :

جهات وانگیزه عمده برگراری این جشن عظیم ملی، تجلی سیاستگرایی ملت نسبت به شاهنشاهان ایران شاهنشاهی که پایه گذار درخشانترین تمدنهای بشری همراه با آزادی ، عدالت و احترام بهتدات فریدی بودهاند - میباشد و همچنین هدف از برپا ساختن این چنین جشنی ، شناساندن بیشتر سنن ، آداب و رسوم ملی ، فرهنگ و تمدن درخشان ایران و ارائه بیشترفتهای حاصله درشئون مختلف بر اثر اصلاحات نریخشملی است .

چکوسلواکی

از روزنامه سنا (چاپ براتسلاوا) زیر عنوان «حادثه قرن» :

کورش بزرگ در سال ۵۵۰ قبل از میلاد مسیح، پس از متحد ساختن ملت ایران ، برای اولین بار خود را شاهنشاه خواند و باین ترتیب شاهنشاهی نیرومند و عظیمی را برپا کرد .

مراسمی که امسال در ایران برپا میشود نه یک حادثه مهم سال بلکه مهمترین واقعه قرن بیستمینامیرود . در واقع این عنوانی است که همه مطبوعات جهان به مراسم جشن شاهنشاهی ایران دادهاند و بیش از پنجهزار نفر از برجسته ترین شخصیتهای سیاسی ، علمی ، اجتماعی و فرهنگی جهان در آن شرکت خواهند کرد . شاهان ، رؤسای جمهوری ، رهبران و نخست وزیران ممالک هر پنج اقلیم در این جشنها شرکت خواهند داشت .

سنا همچنین یادآوری میکند: جشنهای شاهنشاهی ایران از نظر کمک به عمران و آبادی ایران تأثیر عمدهای باقی میگذازد و بسیاری از تأسیسات جدید مانند مدارس، مراکز تولید برق ، شهرها ، پارکها و میدانهای جدید بخاطر این جشنها و بخاطر بزرگداشت خاطره کورش کبیر پدید آمده است و در صنعت توریستی ایران تحول بزرگی بوجود می آورد .

ترکیه

روزنامه اکبرس (چاپ انکارا) بدنبال انتشار سلسله مقالههایی باعنوان «ایران دو هزار و پانصد ساله»، در مقاله دیگری زیر عنوان «امید به آینده» چنین می نویسد :

ایران کشوری است که طی بیست و پنج قرن توانسته است در مقابل کلیهحوادث نامطلوب وحملات همسایگان پایداری کند . ایران هنوز رژیم شاهنشاهی خود را حفظ کرده و اکنون شاهنشاه ایران در راه تعالی و ترقی کشور خود کوشش میکنند و در این راه بزرگترین مددکار شاهنشاه ایران ، علیا - حضرت شهبانوی انکشور هستند.

روزنامه اکبرس سپس مینویسد : شهبانوی ایران اهمیت خاصی برای تربیت فرزندان خود قائل هستند و کوشش میکنند که فرزندانشان برای کشور مفید باشند ودر این مورد خصوصا برای آموزش والاحضرت همایون ولایتهد توجه خاصی میدول میدارند .

علیا حضرتشهبانوی ایران به فعالیتهای فرهنگی نیز اهمیت زیادی میدهند . بطور مداوم از مدارس بازدید میکنند و تأکید مینمایند که کلیه کودکان ایرانی فرزندان من هستند و تربیت این کودکان باندازه تربیت فرزندان خود من برای من اهمیت دارد . اکبرس آنگاه چنین ادامه میدهد: امروز شاهنشاه وشهبانو و مردم ایران دست بدست هم داده و برای پیشرفت و تعالی کشور خودکوشش میکنند .

ایران در راه ترقی بسرعت پیش میرود و بزودی در رتبه ممالک مترقی جهان قرار خواهد گرفت و ایرانیان ایک در سالگرد دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی خود ، نسبت به آینده با امید بیشتری میگردند .

فرانسه

از مجله اکبرس (چاپ پاریس) زیر عنوان «مشور حقوق بشر» : اراده شاهنشاه ایران بر این قرار گرفته است که بناسنت دوهزار

کشورهای جهان

در جریان

جشنهای شاهنشاهی ایران

وپانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی کشور خود اجتماعی بین المللی و بی نظیر از سران کشورها ترتیب دهند . و پرسپولیس ، پایتخت باستانی ایران میباشی ، از تاریخ ۱۵ اکتبر صحت این کنکره بین المللی جدید خواهد بود .

اکبرس سپس به ذکر آثار پرسپولیس پرداخته و اضافه میکند :

نقوش و حجاریهای تخت - جمشید نشان میدهد که نمایندگان کشورهای مختلف در زمان ایران دوره هخامنشی که تحت تسلط امپراتوری عظیم شاهنشاهان هخامنشی بودند ، برای ادای احترام به شاهان پرسپولیس آمدهاند . کورش کبیر خواسته بود که پرسپولیس پایتخت کلیه ملل آسیای غربی باشد این جهانگشای بزرگ که پس از گرفتن بابل ، به یهودیان تبعید شده اجازه داد به فلسطین بازگردند ، در واقع نوعی مشور حقوق بشر بود . آورد و این روش را بهر کجا که گام گذاشت حفظ کرد .

ژاپن

نشریه برتیر ژاپنی چو بناسنت نزدیک جشنهای شاهنشاهی ایران مقاله ای پیرامون تاریخ شاهنشاهی ایران وشبانده آن با تاریخ امپراتوری ژاپن نوشته و به - امپراتور و ملکه ژاپن توصیه کرده است بایران سفر کنند .

این نشریه مینویسد :

ایران طی ۲۵۰۰ سال تاریخ خود ، حوادث و روزهای خوش و ناخوش فراوانی را طی کرده ولی شاهنشاهی این کشور از تمام این مراحل یسروز بیرون آمده است . امروزه ایران بعنوان یک کشور مستقل با سیاست مستقل و ملی در صحنه تلاشهای جهانی نقش خود را ایفا میکند . ایران و ژاپن روابط دوستانه بسیار نزدیک دارند و د زمینهای فراوانی بویژه نفت با یکدیگر همکاری میکنند .

ماه آبان و جلوه‌های پر شکوه آند در حیات کشور ایران

ماه آبان از قدیم الایام بمناسبت و ایستگی آن به عنصر آب که یکی از عناصر چهارگانه مورد احترام ایرانیان باستان بوده و مایه حیات انسان و همه جانداران روی زمین میباشد نزد مردم این مرز و بوم محترم و فرخنده شمرده میشد است و مخصوصاً چهارمین روز آن را بنام جشن (آبانگان) جشن میگرفته و سرور و شادی میپرداختند.

خوشبختانه ولادت خجسته شاهنشاه پیدار بخت ما نیز با این جشن باستانی مقارن گشته و موجب شادی بی پایان کلیه طبقات مردم ایران شده است. ملت ایران همساله در این روز خجسته با اجرای مراسم شکوهمندی سیاس بی کران خود را به پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر که وجود مقدسش مایه افتخار تاریخ کهنسال این کشور باستانی است تقدیم میدارد و دوام سلطنت پر برکت و بقای وجود مبارکش را از درگاه خداوند قادر متعال مسئلت مینماید.

نویسندگان تشریه سپاه دانش با سرافرازی تمام میلاد شاهنشاه عظیم افغان ایران را بهمه سپاهیان دانش و کلیه فرهنگیان و قاطبه ملت ایران تبریک و تهنیت میگویند.

میلاد مسعود شهبانوی گرانمایه ایران

ماه مهر بمناسبت ارتباط با فرشته مهر (نگهبان عهدا و پیمان‌ها و راستی و درستی) و بستگی با جشن مهرگان (جشن برداشت محصول و شکر نعمتهای الهی) همواره نزد ایرانیان باستان مورد تجلیل و احترام بوده است. ایرانیان مخصوصاً جشن مهرگان را که از شانزدهم تابستان و دوم مهر برگزار میکردند بسیار اهمیت میدادند و در ایام این جشن شادی و سرور و نیایش بدرگاه خدای بی‌همتا میپرداختند.

خوشبختانه در ایران امروز بواسطه تقارن این جشن فرخنده با میلاد مسعود علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی گرانمایه و محبوب ایران که در روز ۲۳ مهرماه واقع گردیده بدیده احترام بیشتر مینگرند و آنرا یکی از روزهای بسیار مبارک و پر میمنت میشمردند زیرا در این روز خدای بزرگه باین سرزمین کهنسال فرزندی برونمی عنایت فرمود که باید ملکه محبوب و انسان دوست ایران شود و باهدیه کردن و لیمه‌ی بشاهنشاه ایران دل پادشاه ایران و قلوب مردم این سرزمین را مالامال از شوق و شادی و امید فراوان برای آینده هرچه افتخارآمیزتر شاختهای جاودانی ایران فرماید.

نویسندگان تشریه سپاه دانش با احترام تمام ساروز فرخنده شهبانوی محبوب ایران را بسپاهیان دانش و همه فرهنگیان و کلیه قاطبه ملت ایران شادباش میگویند.

میلاد مسعود والاحضرت همایون ولایتعهد

اکنون ۱۱ سال است که مردم وطن ما روز نهم آبان هر سال را بفرخندگی و شادی تمام جشن میگیرند و آنرا بعنوان یکی از برجسته‌ترین روزهای تاریخ خود گرامی میدارند. زیرا در ۱۱ سال پیش در چنین روزی خدای بزرگ دوام شاهنشاهی کهن این سرزمین را با عنایت و لیمه‌ی بشاهنشاه ایران تضمین و تائید فرمود. تولد فرخنده والاحضرت همایون رضا پهلوی ولیعهد ایران در روز نهم آبان سال ۳۹ بکانون گرم خانوادگی شاهنشاه ایران رونق و صفای خاص بخشید و آرزوی قلدر ملت ایران که وجود لیمه‌ی برای شاهنشاه محبوب خود و وارثی برای تاج و تخت کین بود بشایستگی هرچه تمامتر برآورد و آنان را سیاسگزار مرام خداوندی ساخت. این است که ملت ایران همساله این روز خجسته را که نقطه امید سرشار برای آینده هرچه افتخارآمیزتر شاهنشاهی ایران است با عنایت فراوان جشن می‌گیرد و با امید تمام بدان مینگرد.

نویسندگان تشریه و کارکنان سازمان سپاه دانش با قلبی آکنده از مهر وطن و احترام بشاهنشاهی کهنسال ایران میلاد مسعود ولیعهد گرانمایه ایران را بهمه خوانندگان و عموم ملت ایران تهنیت میگویند.

از میان اهم خبرها

استان گیلان

● دهمین و یازدهمین جلسه سخنرانی هیات انجمنی اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان جهت تفهیم فلسفه برگزاری جشن دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی با شرکت روسای ادارات سپاه دانش و روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش گیلان و نماینده آموزش و پرورش بخش خمام و معتمدین محلی و عمدتاً کثیری از روستائیان در محل روستاهای (حاجی مکنده) و دافچاه برگزار گردید. این برنامه در اجرای فعالیتهای تابستانی اجتماعی سپاهیان دانش زیر نظر روابط عمومی اداره آموزش و پرورش استان گیلان انجام میگردد.

● در برنامه فعالیتهای تابستانی سپاهیان ۶۱ نفر از سپاهیان دانش دختر و پسر حوزه شهرستان رودسر علاوه بر تدریس دروس، بطور مقبولی در ادارات مختلف شهرستان مشغول انجام وظیفه شدند.

استان خراسان

● سیناری مبتذول بزرگداشت جشنهای دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران در روستاها در سالن دانشسرای مقدماتی دختران خراسان در شهرستان سبزوار با حضور نمایندگان استاندارد خراسان و فرماندار و برخی از روسای ادارات و نمایندگان آموزش و پرورش بخشها و کلیه سپاهیان دانش تشکیل گردید و کارهای انجام شده مورد بررسی قرار گرفت و در این سمینار دستور العملهایی داده شد تا موجب پیشرفت برنامه جشنهای ۲۵۰۰ ساله و برنامه تابستانی سپاهیان گردد.

● همکاری موسی‌الرضا قدیمی رااننده خط‌مسلقان شهرستان چنودر در رسانیدن سپاهی دانش مجروح عیسی شرفی به بیمارستان مورد تقدیر سازمان سپاه دانش قرار گرفت.

استان مازندران

شاهی

● در برنامه فعالیت‌های تابستانی سپاهیان ۱۳ نفر از سپاهیان دانشی حوزه شهرستان شاهی علاوه بر تدریس دروس پلور ترفیتی در ادارات بهداشتی - آبدانی و مسکن و ثبت احوال مشغول انجام وظیفه میباشند .

بهبهر

● فرماندار و مشور و راهنمای تعلیماتی ضمن بازدید از فعالیت‌های آموزشی قریه لاکتراشان، حمام قریه را بنام نامی شاهنشهرت همایون شاهنشاه آریامهر افتتاح کردند .

● فرماندار و رئیس آموزش و پرورش بهبهر با حضور معاونت و فرهنگیان و اهالی روستاهای مجاور بنام نامی شاهنشاه آریامهر دبستان ۶ کلاس سه قریه نکسک را افتتاح کردند .

طوالش

● ۵ نفر از سپاهیان دانش دختر مامور خدمت در روستاهای شهرستان طوالش پس از آشنائی همسراه رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان طوالش و سایر مسئولان سپاه دانش شهرستان و همسپار محل ماموریت خود واقع در روستاهای نمرت آباد و سندیان و کلیجان شدند که مورد استقبال گرم روستائیان قرار گرفتند .
● ضمناً در حین مراسم استقبال بوسیله اهالی ، یک گروه از فیلم برداران آلمانی که برای فیلم برداری از پیشرفت‌های ایران شاه لوله گازعازم آستارا بودند ، تحت تأثیر قرار گرفتند و از این مراسم جالب نیز فیلم برداری کردند . در روستای سندیان و کلیجان و نمرت آباد ، اهالی با دسته های گل استقبال جالبی از سپاهیان بعمل آوردند .

استان اصفهان

شهرضا

● سینار سه روزه سپاهیان دانش با حضور فرماندار و اعضای شورای هماهنگی سپاه دانش و معارف شهر در محل سالن دبستان

دیدار وزیر آموزش و پرورش از برنامه‌های ویژه دختران سپاهی

بامداد روز چهارشنبه سیزدهم مرداد ماه ۱۳۵۰ خانم دکتر فرخ‌رو بارسای وزیر آموزش و پرورش از برنامه‌های دختران سپاهی دانش در دبیرستان نظام بازدید کرد .

دبیرستان نظام تهران ۴۴ دختر سپاهی مشغول فراگرفتن تعلیمات ویژه‌ای هستند تا در رژه هفته برگزار می‌گردد جشن‌های ۳۵۰۰ ساله بنیان‌گذاری شاهنشاهی ایران در تخت جمشید شرکت کنند .

در این بازدید وزیر آموزش و پرورش از کیفیت برنامه سپاهیان پرش‌هایی بعمل آورد و از کلاس‌های درس ، کتابخانه و آتیزخانه دبیرستان نظام که مخصوص این عده از سپاهیان دختر است بازدید کرد .

پس از این بازدید خانم دکتر بارسای طی سخنانی نتایج حاصله از انقلاب شاه و مردم و فلسفه برگزاری جشن‌های شاهنشاهی ایران را که در بهترین زمان از تاریخ ایران برگزار میشود برای سپاهیان شرح کرد .

نام نویسی خدمات اجتماعی

ثبت نام دختران و زنان مشمول قانون خدمات اجتماعی زنان از شهریور ۱۳۵۰ آغاز میشود . کلیه دختران و زنانی که از اول فروردین تا آخر مرداد ۱۳۵۰ موفق به اخذ مدرک دیپلم ، لیسانس و بالاتر از آن شده‌اند باید با در دست داشتن :

- ۱- عین شناسنامه عکس‌دار
- ۲- سه قطعه عکس ۴ در ۳
- ۳- عین مدرک تحصیلی و فتوکپی آن یا گواهی قبولی که به تأیید اداره آموزش و پرورش رسیده باشد .

به محل ثبت نام (چهارراه کالج - تالار فرهنگ) مراجعه کنند .

ثبت نام مشمولان قانون خدمات اجتماعی زنان از اول شهریور تا دهم مهرماه ۱۳۵۰ همه روزه از ساعت ۸ تا ۱۲ پامداد انجام میشود .

فارغ‌التحصیلان شهرستانها نیز باید برای ثبت نام ، با همین شرایط به اداره آموزش و پرورش محل خود مراجعه کنند .

نمایشگاه در ایتابله

بنا بکارش رسیده از ایتابله از طرف سرکنسولگری شاهنشاهی در میلان باانتخاب سپاهیان دانش انضمامی به نمایشگاه‌های فعالیت‌های سپاهیان دانش یک میهمانی بنام ترتیب داده شده که در آن عدا می از شخصیت‌های محلی حضور داشته و از اقدامات و فعالیت های جوانان سپاهی تجلیل کردند . نمایشگاه فعالیت های سپاه دانش در میلان روز چهارشنبه ۳ شهریور در کاخ سلطنتی رئال در مرکز میلان افتتاح شد .

در این نمایشگاه علاوه بر عکس‌های فعالیت‌های سپاهیان دانش، کارهای دستی روستازادگان ایرانی و هنرهای ایران و محصولات و فرآورده‌های ایرانی بمرض تماشا گذاشته شد و قیلم هائی از پیشرفت های ایران و فعالیت‌های سپاهیان دانش بمرض نمایش درآمد و دختران دانش و پسران ایرانی با لباس‌های محلی ایران ، از بازدیدکنندگان بپجای پذیرائی کردند .

تشریفات مفید

از طرف ادارهای آموزش و پرورش استانها و شهرستانهای کشور بمناسبت جشنهای بیست و پنجمین سده بین‌المللی شاهنشاهی ایران و بمنظور آشنائی بیشتر مردم روستاها با سوابق افتخارآمیز تاریخی ایران، یولتهای مفیدی منتشر شده که اخیراً اداره روابط عمومی این سازمان رسیده است ، پاین شرح :
ادارهای آموزش و پرورش استانهای آذربایجان شرقی ، و آذربایجان غربی و کرمان و شهرستانهای شهرضا - لاهیجان - میانه - معاوند - طوالش - نهاوند - داراب - مرند - شستر - بانه - سقر - ورامین - ایرانشهر - اردبیل - بیجار - شیران و نواحی ۱۷ و ۱۶ و ۱۵ و ۱۲ تهران .

سپاهیان دانش

آستان‌مر کزی

دهانه

اهدات هفت دبستان در روستاهای: اخوربین، زره، درواچاک، تنگه بولان، طارس، سلیمان، رامه، دمین، فیرده (که همزمان با برگزاری جشن‌ها بهره برداری خواهد شد). تشکیل جلسات شورای هماهنگی سپاه دانش و حل و فصل مشکلات سپاهیان دانش و آموزشگاه‌های روستاها، تطبیق برنامه فعالیت‌های تابستانی و انعام سپاهیان به ادارات دولتی.

اهدات هفت دبستان یادبود جشنهای شاهنشاهی در روستاها که اکنون در دست ساختمان است، اهدات چهارپای دبستان در روستا های: سرمدان، آپسرد بخش رودسن و فیروزکوه، اهدات دو باب دبستان راهنمایی در بخش فیروزکوه و روستای کهنان.

تشکیل جلسات سخنرانی بمنظور تفهیم فلسفه برگزاری مباحثات درسی، آموزش بین دانش‌آموزان روستاها و انتخاب نرات اول سال سوم، تهیه مقدمات تشکیل کلاس کارآموزی برای سپاهیان، تهیه مقدمات تشکیل نمایشگاه فعالیت‌های سپاهیان دانش، انجام تعمیرات دبستانهای روستایی قره حصارعلیا و شمشزار و ۱۴ دبستان دیگر، انجام تعمیرات ۸ مسجد و اهدات ۱۵ دهنه پل، ۲۷ کیلومتر راه فرعی و ۹۹ مزرعه نمونه، غرس ۱۰۶۵ اصله نهال و پلاک‌کوبی منازل و معارف، اهدات ۴ باب حمام و تعمیر ۸ باب حمام دیگر، اهدات دو حکه چاه بهداشتی و نصب دو صندوق پست، تشکیل ۵ کتابخانه اهدات زمینهای ورزشی، انعام

گروهی از سپاهیان پسر و دختر در اردوی پیشاهنگی منظره تهران. * سپاهی دانش عباس غلامی مأمور خدمت در روستای موج، اهدات چاه فرعی بطول ۴ کیلومتر، تعمیر دبستان، مقدمات اهدات دبستان جدید، ایجاد زمین ورزشی، تعمیر حمام، تعمیر مسجد، نصب صندوق پست، مرمت ۶ کیلومتر چاه فرعی، تهیه مقدمات برگزاری جشن شاهنشاهی. * سپاهی دانش علی اکبر سیفی مأمور خدمت در روستای اخوربین:

اهدات دبستان، نصب صندوق پست، پلاک‌کوبی منازل و معارف عمومی، اهدات چشمه آب آشامیدنی، تهیه مقدمات اهدات مسجد، تهیه مقدمات لوله‌کشی آب آشامیدنی، اهدات چاه فرعی بطول ۴ کیلومتر، تشکیل جلسات سخنرانی بمنظور تفهیم فلسفه جشنها، غرس ۶ اصله درخت، اهدات پل چوبی بر روی رودخانه.

* سپاهی دانش غلامرضا طاهری مأمور خدمت در روستای زره درواچاک:

اهدات دبستان، مرمت ۸ کیلومتر راه فرعی، تعمیر یک دهنه پل، ایجاد مزرعه نمونه و غرس ۲۴ اصله نهال، تشکیل انجمن خاد و مدرسه، تشکیل رصد پیشاهنگی، تشکیل جلسات سخنرانی در مورد تفهیم فلسفه جشنها، تشکیل کتابخانه، تهیه مقدمات اهدات حمام، ایجاد چشمه بهداشتی، ایجاد زمین ورزشی، تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی و همکاری با مأموران دوازه دولتی. * سپاهی دانش سید روح‌الدین شرفی مأمور خدمت در روستای بولان:

تعمیر مسجد، تعمیر دبستان، لارویی قنات، مرمت چاه فرعی

بطول ۵ کیلومتر، تعمیر حمام، تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی، تشکیل انجمن خانه و مدرسه. * سپاهی دانش محمود عاشوری مأمور خدمت در روستای سربندان تعمیر مسجد، تهیه مقدمات اهدات ساختمان دبستان جدید، مرمت چاه فرعی بطول ۱۲ کیلومتر، لارویی قنات، تعمیر و بهداشتی نمودن حمام روستا، بهداشتی نمودن چاه آب، تهیه مقدمات برگزاری جشنها.

* سپاهی دانش جهانگیر ساراری مأمور خدمت در روستای طارس بخش فیروزکوه: اهدات دبستان، اهدات دو دهنه پل، ایجاد مزرعه نمونه، تشکیل انجمن خانه و مدرسه، تهیه مقدمات برگزاری جشنها. * سپاهی دانش بهزاد سنجابی ملایری مأمور خدمت در روستای ارچنه بخش فیروزکوه:

تشکیل انجمن خانه و مدرسه، غرس ۱۰ اصله نهال، تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی، تطبیق حیاط دبستان.

* سپاهی دانش محمد مهدی سبوات مأمور خدمت در روستای دمین بخش فیروزکوه: اهدات دبستان، ایجاد مزرعه نمونه و غرس ۱۵ اصله درخت، ایجاد رستهای پیشاهنگی، تهیه مقدمات برگزاری جشنها.

* سپاهی دانش اسمعیل نادقی مأمور خدمت در روستای ارجمند بخش فیروزکوه: تشکیل انجمن خانه و مدرسه، ایجاد مزرعه نمونه، تشکیل رصد پیشاهنگی، مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی.

* سپاهی دانش حسن منلی خسروشاهی مأمور خدمت در روستای

انگه طالقان:

تعمیر چاه بطول ۳ کیلومتر، تعمیر حمام، تطبیق کوچهها، لوله‌کشی و نصب ۵ شیر آب، تعمیر ساختمان دبستان، تهیه وسائل ورزشی، پلاک‌کوبی منازل، تشکیل رصد پیشاهنگی، غرس ۳۰۰ اصله درخت.

* سپاهیان دانش شهنواز نوروززاده، سربین ارجمندزاده، توران شعبانی طلایی، ربابه موسوی معاف، فیهیه حکیمی، زهرنجیبی، معبومه صدقی، منصوره اکبری، اشرف صاحب‌الزمانی و مولود هدایتی مأموران خدمت در روستای ولدآباد:

تطبیق و شن‌ریزی چاه بطول ۳٫۵ کیلومتر، اضافه کردن ۴ اطاق به دبستان، اهدات زمین ورزشی، خرد چاه عمیق، اهدات ساختمان ۲ باب مسجد، تشکیل خانه انباف، تشکیل رستهای پیشاهنگی، تشکیل کتابخانه، انقالات چاه فرعی بطول ۲٫۵ کیلومتر.

* سپاهیان دانش زهره سروری، نعمت شهیدی و مریم گل چینی مأموران خدمت در روستان کردان:

ایجاد يك دستگاه حمام، اهدات ۴ دهنه پل، تعمیر اساسی دبستان، تهیه ۱۰۰۰ متر مربع زمین برای دبستان جدید، تشکیل کتابخانه، تشکیل رصدهای پیشاهنگی، دختران و پسران.

* سپاهی دانش مریم زهرا شانس بچه‌رمی مأمور خدمت در روستای قره آباد شهریار: شن‌ریزی و تطبیق خیابان بطول ۵٫۰ کیلومتر، تعمیر دبستان و اضافه نمودن ۱۲ اطاق به آن.

* سپاهیان دانش شیرین سلطانی، منیر بی‌غرض، منیرزه

... در خدمت روستاها

تشرش

* سیاهی دانش مصدحین
مصدی زنجیره مامور خدمت در
روستای کردیجان خلستان :
تعمیر کلی دبستان ، ایجاد
میدان ورزش ، لارویی قنات ،
بهداشتی نمودن حمام ، نصب تابوئی
راهتنا .

* سیاهی دانش عگرمتی زاده
مامور خدمت در روستای زرچین .
ساختمان دو اطاق برای
دبستان ، تعمیر چاه بطول ۲
کیلومتر ، لارویی قنات ، تعمیر
حمام ، تطبیح و مرمت کوچهای
روستا .

طیاح تیریزی ، معصومه سلمان
شاهباز ، سکنینه صالحی مامور خدمت
در روستای مشکین آباد و حومه :
اضافه کردن ۲ اطاق بدبستان ،
تعمیر دبستان ، احداث یک حمام
یا دوش .

* سیاهی دانش فاطمه مهانی ،
فخری میلپان ، مطهره شیرعدائی ،
مهین نخت عباسی و نرجس نمراله پور
طبرستانی مامور خدمت در روستای
هیو - ساوجبلاغ

تطبیح ۶ کیلومتر چاه ،
تعمیر حمام ، تعمیر دبستان ،
احداث یک دهانه پلی ، لارویی قنات
و جوی آب ، تشکیل رسدپشاهنگی
دختران ، واکنیاسیون دانش آموزان
پرعلیه وبا ، توسعه شبکه برق روستا .

تشکیل رسد پیشاهنگی .
* سیاهی دانش پوران محمودی
و اقدس عیابدی ماموران خدمت
در روستای برغان :
تشکیل کلاسهای تفریحی ،
تدریس تعلیمات پیشاهنگی ، ایجاد
کتابخانه ، تعمیر دبستان .
* سیاهی دانش : محمد
اژدکش ، اسماعیل ابراهیمی سحر ،
حمید صوفیانی قدیم و ناهید ناز
ماموران خدمت در روستای
شهریار :

تعمیر مسجد ، تعمیر کلی
مدرسه ، خنر دو حلقه چاه ،
پلاک کوی منازل و مایر عمومی ،
ایجاد درمانگاه ، شردیزی چاه
بطول ۶ کیلومتر ، تشکیل رسد
پشاهنگی ، اضافه کردن اطاق
به دبستان .

* سیاهی دانش لطفانه نازک
مامور خدمت در روستای بختیار :
تشکیل انجمن خانه و مدرسه ،
تبدیل حمام خزینه بانوش ، تشکیل
مزرعه نمونه ، برگزاری مسابقات
ورزشی بین روستای بختیار و سایر
روستاها ، تعمیر اساسی مسجد ،
ایجاد ۴ کیلومتر چاه ، نصب
احداث ۵ دهانه پلی ، تعمیر دبستان ،
مصدق بست ، تشکیل رسدپشاهنگی ،
شردیزی ۴ کیلومتر چاه .



سیاهی دانش طاهره ستازاده هنگام اصلاح سردانش آموزان دبستان رضاییفوی در روستای شیبیر لوانان

* سیاهی دانش بابیه
نابوازاد و زهرا بیان ماموران
خدمت در روستای آق تپه :
احداث حمام ، شردیزی خیابان
بطول یک کیلومتر ، تشکیل رسد
های پیشاهنگی دختران و پسران .
* سیاهی دانش فرشته نجاب
و اقدس باشرافی ماموران خدمت
در روستای یگی امام :
تشکی کلاسهای خیاطی و
آشپزی و خانه داری و بهداشتی ،
احداث چاه فرعی ، لارویی جوی
و قنات .

* سیاهی دانش سید عمه
موسوی و خانم عشرت شیری زاده
ماموران خدمت در روستای سیف آباد :
تشکیل کلاس خیاطی و
آشپزی ، تشکیل کلاسهای تقویتی ،



بازدید سیاهی دانش از کشتارگاه روستای آق تپه لوانان

محلات

* سپاهی دانش محسنمظنور مامور خدمت در روستای جودان: هنرکاری برای خنریك حلقه چاه فاضلاب ، تطبیح چاه بطول ۵ کیلومتر ، احداث زمین‌والیپناه ، تعمیر مسجد و تعمیر دبستان ، غرس ۲۰۰۰ اصله نهال و احداث باغهای میوه ، احداث باغچه نمونه و تطبیح و مرمت کوچههای روستا.

شمیران

فعالیت سپاهیان دانش دختر و پسر مامور در روستاهای شهرستان شمیران :

تشکیل کتابخانه در سنگان بالا ، ادامه آموزش خانهداری و آشنایی در روستاهای افجه ، نارنگ ، تعمیر پل در سنگان و نصب پیل چوبی در ایکل ، تعمیر ۷۰۰ متر چاه فرعی سنگان و ایجاد راه فرعی در خجیر ، واگناری و گلندوک و مقدمات احداث دبستان در آن ، نظارت سپاهیان بر ساختمان سه باب حمام ، احداث ۸ کیلومتر چاه ، لوله‌کشی روستای فرحزاد و گلندوک ، احداث ۳ باب دبستان یادبود در روستاهای باغ فیش ، کنار سفلی ، زندان ، کن ، تکمیل ساختمان دبستان چیتگر ، ایجاد گرمابه بهداشتی در روستای نایگان ولالان ، اتمام کار شبکه برق رودك ، خنری چاه آب برای لوله‌کشی آب‌فرحزاد و مقدمات خنری چاه و لوله‌کشی شروع تعمیر دبستان و مسجد قریه گلندوک ، تعمیر چاه فرعی آب‌نیک ، زایگان .

تهران

* سپاهی دانش عطرث میر شاهی مامور خدمت در دبستان شهرام :

تشکیل رسد پیشاهنگی ، تشکیل کتابخانه ، تشکیل کارش های کاردمتی و نقاشی ، سرپرستی کلوب ورزشی .

دمآوند

* سپاهی دانش حمید قسمی مامور خدمت در روستای سلمان بخش فیروزکوه :

احداث دبستان ، احداث دو دهه پل ، ایجاد مزرعه نمونه و غرس ۱۳۰ اصله درخت ، تشکیل انجمن خانه و مدرسه و تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی ، رسدعای پیشاهنگی ، راهنامایی روستائیان .

* سپاهی دانش اسداله سیف مامور خدمت در روستای لاسوز بخش فیروزکوه ،

تعمیر دبستان ، احداث ۲ کیلومتر چاه فرعی ، ایجاد مزرعه

مزرعه نمونه و غرس ۳۰ اصله درخت ، تهیه مقدمات برگزاری جشنها .

* سپاهی دانش مهدی زاهد مهاجرانی مامور خدمت در روستای زیارت شهرستان دماوند :

تعمیر مسجد ، احداث دو کیلومتر چاه فرعی ، لاروپقنات ، ایجاد مزرعه نمونه و غرس ۶۰ اصله درخت ، تهیه و نصب صندوق پست ، تهیه مقدمات برگزاری جشن های شاهنشاهی ، پلاک‌کوبی منازل.



افراد دوره پنجم سپاه دانش در حال تمرین تیراندازی

ورزش و تعمیر مسجد ، مرمت چاه فرعی بطول ۴ کیلومتر ، تهیه مقدمات برگزاری جشنها .

* سپاهی دانش خلیل‌فرهیان مامور خدمت در روستای دهناد تشکیل جلسات سخنرانی به منظور تفهیم فلسفه جشن ، راهنامایی روستائیان در امور کشاورزی و بهداشتی ، تعمیر مسجد ، تعمیر دبستان ، تعمیر و بهداشتی نمودن حمام ، احداث ۳ کیلومتر چاه فرعی .

* سپاهیان دانش عزت‌الله سیفی و لطف‌الله سیف ماموران خدمت در روستای امامزاده عبدالله تعمیر دبستان ، تهیه مقدمات احداث مسجد و غسلخانه ، ایجاد مزرعه نمونه و غرس ۲۰ اصله درخت ، احداث چاه فرعی بطول ۲۰ کیلو متر ، احداث حمام ۴ دوش ، احداث یک‌دهنه پل ، تشکیل انجمن خانه و مدرسه .

* سپاهی دانش اسماعیل قصاب صاحبکار مامور خدمت در روستای اندرینه بخش فیروزکوه :

تعمیر مسجد ، تعمیر دبستان ، احداث یک دهنه پل ، ایجاد مزرعه نمونه و غرس ۵۰ اصله درخت ، تهیه مقدمات برگزاری جشن شاهنشاهی .

* سپاهی دانش احمد فلاح مامور خدمت در روستای وزنا بخش فیروزکوه :

احداث دو دهه پل ، تهیه مقدمات احداث دبستان ، ایجاد مزرعه نمونه ، تشکیل انجمن خانه و مدرسه ، تهیه مقدمات برگزاری جشن های شاهنشاهی .

* سپاهی دانش اصغر قلعه‌برداد مامور خدمت در روستای شامحن :

تعمیر دبستان ، احداث دو دهه پل ، ایجاد مزرعه نمونه و غرس ۳۵ اصله درخت ، احداث حمام ، نمونه ، تشکیل انجمن خانه و مدرسه ، تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی .

* سپاهی دانش غلامحسین ششیری مامور خدمت در روستای ورسخوران بخش فیروزکوه :

تعمیر دبستان ، تشکیل انجمن‌خانه و مدرسه ، نصب صندوق‌پست ، تشکیل جلسات سخنرانی و راهنامایی روستائیان .

نمونه و غرس ۴۰ اصله درخت ، احداث دو دهه پل ، تشکیل انجمن خانه و مدرسه ، برگزاری جشنهای شاهنشاهی ، فعالیت در امر پیشاهنگی .

* سپاهی دانش میر عزیز قاسمی مامور خدمت در روستای اهنز بخش فیروزکوه :

تعمیر دبستان ، تعمیر مسجد ، احداث سه دهه پل ، ایجاد

* سپاهی دانش عباس فهیمی مامور خدمت در روستای یسر شهرستان دماوند :

تعمیر دبستان ، ایجاد مزرعه نمونه و غرس ۳۰ اصله درخت ، تعمیر مسجد ، بهداشتی نمودن حمام ، مقدمات برگزاری جشنها .

* سپاهی دانش مجید قاسمپور مامور خدمت در روستای هور : تعمیر دبستان ، ایجاد زمین

... در خدمت روستاها

تعمیر دبستان ، مرمت ۳ کیلومتر جاده فرعی ، تعمیر حمام ، تهیه زمین ورزش ، تشکیل کتابخانه ، تشکیل کلاسهای تقویتی و تجدیدی ، تشکیل کلاسهای خیاطی و آشنیزی و خانه‌داری ، تهیه مقدمات برگزاری جشنها .

* سیاهی دانش آموزینو عباسی مامور خدمت در روستای اترها بخش فیروز کوه :

تعمیر دبستان ، تعمیر حمام ، تشکیل کلاسهای خیاطی و آشنیزی و خانه داری ، تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی .

* سیاهی دانش کبری رجایی

در روستای جاپان : تشکیل رسد پیشاهنگی و کلوپ ورزشی و تهیه وسایل ورزشی ، مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی ، تشکیل کتابخانه ، تشکیل کلاسهای خیاطی و آشنیزی و خانه‌داری ، غرس ۵۰ اصله نهال ، تشکیل کلاسهای تقویتی ، تعمیر دبستان .

* سیاهیان دانش زهرآجاعتی و خدیجه دادخواهان قزوینی نژاد ماموران خدمت در روستای بیدک :

لارویی قنات ، پلاک کوبی منازل و معابر عمومی ، تشکیل کلاسهای تقویتی و تجدیدی ، تشکیل کلاسهای خیاطی و آشنیزی و خانه‌داری ،

آب آشامیدنی ، تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی ، تشکیل کلاس تقویتی .

* سیاهی دانش محمود خیازقانع مامور خدمت در روستای مفاک : تعمیر دبستان ، تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی ، تعمیر قنات ، مرمت ۴ کیلو متر جاده فرعی ، تشکیل کلاسهای تقویتی و تجدیدی ، تشکیل جلسات سخنرانی و راهنمایی روستائیان .

* سیاهی دانش عبدالحمید حقی مامور خدمت در روستای گرم آپسرد : احداث دبستان یادبود ، احداث سیل بند ، مرمت ، ۷ کیلومتر جاده

* سیاهی دانش محمدعزیزی ژاد مامور خدمت در روستای ویشان بخش فیروز کوه :

ایجاد مزرعه نمونه ، تهیه مقدمات درخت تشکیل انجمن خانه و مدرسه ، نصب صندوق پست ، مقدمات برگزاری جشنها .

* سیاهی دانش قریانعلی قاسمیپور مامور خدمت در روستای فیروز بخش فیروز کوه :

احداث دبستان ، احداث حمام ، ایاد مزرعه نمونه ، تهیه مقدمات برگزاری جشنها ، تشکیل جلسات سخنرانی .

* سیاهی دانش عباس قانع مامور خدمت در روستای رامه پائین بخش فیروز کوه :

تعمیر دبستان ، ایجاد مزرعه نمونه ، تشکیل انجمن خانه و مدرسه - تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی .

* سیاهی دانش محمد قریادی خسرو شاهی مامور خدمت در روستای رودافغان بخش فیروز کوه :

تعمیر دبستان ، ایجاد مزرعه نمونه ، احداث حمام ، مرمت ۳ کیلومتر جاده فرعی ، تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی .

* سیاهیان دانش خجول اختیار دین و اعظم سدیقی ماموران خدمت در روستای اوره

تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی ، تشکیل کلاسهای خانه داری و آشنیزی و خیاطی ، تشکیل کلاسهای تقویتی .

* سیاهیان دانش مهین علی اکبر کشدووز و شهناز همتی حاجیپور ماموران خدمت در روستای حصار پائین .

تعمیر دبستان ، لارویی چشمه و قنات تکمیل پلاک کوبی ، نصب صندوق پست ، تهیه مقدمات برگزاری جشنها .

* سیاهیان دانش منصوره روزدار و معصومه جوادی ماموران خدمت در روستای جاپان :

تشکیل کتابخانه ، تهیه وسایل ورزشی ، تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی ، همکاری با انجمن .

* سیاهی دانش محمد حسن خبازی مامور خدمت در روستای سریندان :

همکاری با انجمن ده ، لوله کشی



کلاس گلدوزی در روستای کوت بخش اروندکنار توسط سیاهیان دانش

مامور خدمت در روستای آپسرد : همکاری در امر احداث دبستان ، همکاری در تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی ، شن زهرآجاعتی - * سیاهیان دانش همموقتی و فرخ‌لقا مرشد شاه ماموران خدمت در روستای سریندان :

احداث دبستان ، تشکیل کلاسهای تقویتی و خیاطی و آشنیزی و خانه داری ، فعالیت در امر پیشاهنگی ، فعالیت در امر لوله کشی آب آشامیدنی ، تعمیر حمام ، همکاری

در تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی .

* سیاهی دانش کبری تقدی مامور

تشکیل انجمن خانه و مدرسه ، تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی * سیاهیان دانش محبوبه مختاری و فاطمه هوشی ، ایجاد رسد پیشاهنگی روستای وادان :

تهیه مقدمات احداث ساختمان یادبود ، تشکیل کلاسهای خیاطی و خانه داری و آشنیزی ، ایجاد رسد پیشاهنگی ایجاد مزرعه نمونه ، پلاک کوبی منازل و معابر عمومی ، تعمیر حمام ، ساختن منبع آب ، تشکیل کلاسهای تقویتی و تجدیدی .

* سیاهیان دانش معصومه خزنده و فاطمه سلطان زنگی ماموران خدمت در روستای منشاء

فرعی ، تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی لارویی قنات ، شن زهری حیاط دبستان ، تشکیل کلاسهای تقویتی ، تشکیل جلسات سخنرانی و راهنمایی دانش آموزان * سیاهی دانش مهری حاجی پائینی مامور خدمت در روستای کاجان :

تشکیل کلاسهای خیاطی و خانه داری و آشنیزی ، همکاری در تهیه مقدمات برگزاری جشنهای شاهنشاهی ، تشکیل کلاس تقویتی .

* سیاهیان دانش زهرا خضرا دوست و اشراف‌السادات میرغنی ژاد و ربابه وفاقی مامور خدمت

خدمت در روستای کیلان :

احداث يك كيلومتر جاده فرعی ، ساختن میندعه پل چوبی ، فعالیت نو امر پیشاهنگی ، شنریزی حیاط دبستان ، همکاری در تهیه مقدمات

استان کرمانشاهان

اورامانات

* سپاهی دانش عباس حسینزاده قراچه مامور خدمت در روستای تپه بوربخس جوار رود :

ساختن يك دبستان ۴ کلاسه ، نصب صندوق پستی ، بهداشتی تسخیرن چشمة آب آشامیدنی ، ایجاد نیل برگردان در قسمت غربی روستا ، تنظیم معارف عمومی ، سخنرانی برای اهالی در مورد چشتهای ناخوشهانی اران ، ایجاد میدان ورزشی .

کرمانشاه

* سپاهی دانش میر کریم بنی هاشمی مامور خدمت در روستای سورکال :

تعلیم میدان ورزش ، تعمیر مدرسه ، تشکیل رسد پیشاهنگی سران ، بهداشتی کردن چشمه ، تهیه دبرای مسجد ، تشکیل جلسات سخنرانی در مورد تعمیر چشمه ها .

استان فارس

احداث پل بر روی یکی از نهرهای بخش اروندکنار توسط سپاهیان دانش با همکاری روستائیان

شیراز

* اقدامات زیر بوسیله سپاهیان دانش دختر استان فارس حوزه شیراز انجام گردیده است :

تهیه روزنامه دیواری ، تهیه کتاب های داستان کودکان برای علی آباد ، تشکیل رسد پیشاهنگی در قریه حسین آباد ، شنریزی جاده قریه اکبر آباد ، ساختن حمام روستای کتن ، تعمیر حیاط و شنریزی در قریه بینورد کوار ، تهیه لازم آموزشی برای قریه علی آباد و حومه .

* اقدامات سپاهیان پسر در روستاهای شهرستان شیراز

تعمیر مسجد روستای محمود آباد کوار وسیله سپاهی دانش غلامحسین تاجیک .

تعمیر مسجد رشیدجان مروندت بوسیله سپاهی دانش محمدخداشناس .
تعمیر حمام روستای کت گبند سروستان بوسیله آقای محمد حسن درویش .

تعمیر دبستان روستای کنگش مروندت بوسیله آقایان غلام محمدخالی پور و علیرضا صمیمی .

تعمیر دبستان روستای چهار طاق مروندت بوسیله آقای عباس بنای درزفولی .

تعمیر دبستان روستای تاج آباد مروندت بوسیله آقای علی اکبر قصاب نژاد .
حفر يك حلقه چاه آب آشامیدنی در روستای جمال آباد را مجرد

سپاهیان دانش شهریار جودت و جواد حسینون .

تشکیل کلاسه های بزرگسالان و تنظیم منازل و معارف عمومی وسیله سپاهیان .

* سپاهیان دانش اکبر اعتدالی و سعید هدایتی ماموران خدمت در روستای علی آباد تنگسینف :

جمع آوری پول برای ساختن مسجد نو .

* سپاهی دانش محمد داودی مامور خدمت در روستای نظرآباد سروستان :

لاروی دو حلقه چاه وقتان .

* سپاهی دانش غلامعسای پورای مامور خدمت در روستای دولت آباد سعادت آباد :

تعمیر دبستان و نصب درب

* سپاهیان دانش دختر حوزه شیراز اقدامات زیر را انجام دادند

تشکیل کلاسه های شبانه روزی و زاکت بافی ، تعمیر دبستان دیندارلو ، تعمیر و تکمیل دبستان زرگران رامجرد ، تهیه زمین برای ساختن دبستان نوروژان کوار ، تشکیل مجالس راهنمائی و بهداشتی احداث یکباد دبستان در روستای حسن آباد ارزسحاق بوسیله آقای علی بهجو .

تعمیر جاده روستا خیریز ارزسحاق بوسیله آقای عبدالامیر اسماعیلی ندافی و محمدرضا تقی و عبدالله امیرالهی تهیه مقدار زیادی کتاب برای کتابخانه دبستان روستای کودبان حومه امیرسعید زهرتاش و سلیمان



آهنی .

* سپاهیان دانش شهریار جودت و جواد حسینون ماموران خدمت در روستای جاع آباد مروندت :
تهیه زمین و مصالح ساختمانی برای احداث دبستان و تعمیر دبستان .

* سپاهیان دانش کاظم رشائی و محمود راشدی و حبیب اله احمدی ماموران خدمت در روستای شن آباد زرد و مروندت :

تعمیر دبستان قلاتویه ، تعمیر دبستان لایزنگان ، تعمیر دبستان قره مرز ، احداث پل در قریه

بوسیله آقای اسحق رحمدیان .
تعمیر يك دهنه پل در روستای نگارستان رامجرد بوسیله آقای فرهاد جبار نویسی .

تعمیر دبستان روستای گمر زرد مجرد بوسیله آقای عبدالرحمن آصفی .
تعمیر دبستان روستای علی آباد مروندت بوسیله آقای جانعلی صادقی .

تعمیر دبستان و حفر يك حلقه چاه در قریه ابوالوردی سعادت آباد بوسیله آقایان محمد علی حسین پور و محسن شالچی تعمیر دبستان روستای رجاء آباد مروندت با فعالیت

... در خدمت روستاها



نظارت سیاهی دانش در کار ساختن مدرسه یادبود بمناسبت جشن دوهزار و پانصدمین سال شاعنشاهی ایران در روستای قچلوی میانرودان

ماموران خدمت در روستای صدرآباد: تعمیر تلبیه دبستان - راهنمایی های بهداشتی و عمرانی .

استان کرمان

* سیاهی دانش علی معین : تشکیل کلاسهای مبارزه با بیسوادی و کلاسهای تابستانی ، ساختمان حمام ، ساختن چشابه ، تشکیل کلاس روزانه ۶ کلاس ، * سیاهیان دانش حوزه استان کرمان فعالیتهائی شرح زیر داشته اند :

تعلیم و تشکیل کلاس آزاد ، تشکیل کتابخانه ، ترتیب دادن آزمائشهای درسی ، انجام گردش های علمی در روستاهای خرم آباد ، حسین آباد ، محمدیه ، واکسینه کردن روستازادگان ، تعمیر دبستان دولت آباد ، ساختمان سه دهه پل در قریه دولت آباد ،

داودی و فقیهه ستری و عبادوزب طحان : تعمیر و تکمیل ۱۲ باب خانه روستائیان . * سیاهیان دانش طبیی و نادعلی محمدی ، رشتم محبی و محمد لائسی ماموران خدمت در روستای دهنو مقیمی و شاه داوید و شاه تسلیم : احداث و ساختمان های دبستان روستای دهنو مقیمی و شاه داوید و شاه تسلیم

* سیاهیان دانش فرنگیسی رشیدی ، مایحه کشاورز ، معصومه خیاطان و حجت بانو احمدی خواه ماموران خدمت در روستای انارستان: تهیه پرده جهت درب و پنجره دبستان ، راهنمای بهداشتی . * سیاهیان دانش مهرانکیز تمام ، سفری مختاری ، بری رحمانی ، رضوان رامیار ، قمر حمام لایقی

تشکیل جلسات بهداشتی برای * سیاهیان دانش پسرورین رضائیان زاده و عزت احمد فرد ماموران خدمت در روستای عمونی: تهیه وسائل آموزشی ، تشکیل سه جرخه پیشاهنگی .

* سیاهیان دانش اکرم دلپذیر و فرنگیسی دلخواه و زهرا دشنی ماموران خدمت در روستای حاجی آباد: تعمیر در و پنجره کلاسها ، تشکیل فروشگاه تعاونی پسران آشنائی بیشتر روستازادگان بانسول شرکهای تعاونی . * سیاهیان دانش زینت وفاطمه ملازاده صادقین ماموران خدمت در روستای ابوعلی : تعمیر و رنگ آمیزی دبستان ، تهیه و نصب تابو .

عمسی * سیاهیان دانش ماه منظر و زرین تاج مخزاشان و معصومه

حجر چاه جهت آب آشامیدنی در قریه بیزدان ، تعمیر دبستان کوهچرد ، تعمیر دبستان قریه بریسکان ، تعمیر کالی دبستان قریه آشییو ، تعمیر دبستان قریه فتح آباد و تعمیر دبستان دو برجی فرگ . کارون

* سیاهی دانش محمد رضا دلرته ، مامور خدمت در روستای تنگ چوگان علیا : * سیاهیان دانش استفادار تعمیر در و پنجره دبستان . دستگل زاده و علی اکبر قاسمی حسوند ماموران خدمت در روستای اچانی :

تعمیر دبستان . * سیاهی دانش غلامرضا قربانی گل خواجه : تعمیر در و پنجره دبستان . * سیاهیان دانش غلام شهنی :

حسین لیموچی : احداث آب انبار جهت ذخیره آب آشامیدنی . * سیاهی دانش هما علاقه بند و معصومه شریف ماموران خدمت در روستای فتح آباد : تعمیر دبستان ، تهیه پرده جهت در و پنجره کلاسها . * سیاهیان دانش تراکت دوانی ، فاطمه رفیع ، برجیس طیبیسی ، اختر عباسیا ، سیمین سخت شهدوست و پروین یور اسمعیل : تشکیل دموتراسیون .



مردم روستای هیر اردبیل از سیاهیان دانش بگرمی استقبال میکنند

رئیزی کوچک‌های قریه پست رود ، تشکیل ۱۱ واحد پیشاهنگی در ۱۱ مدرسه روستائی بخش ماهان .

* سپاهی دانش زردوست مامور خدمت در قریه اسماعیل آباد ، ساختمان يك دستگاه حمام و غرس ۲۰۰ اصله درخت .

* سپاهی دانش خوش بیان مامور خدمت در قریه امیرآباد :

اقدام به لوله‌کشی قریه امیر آباداز شبکه لوله کشی ماهان ، تشکیل انجمن خانه و مدرسه .

* سپاهی دانش رضا یوری مامور خدمت در قریه عرب آباد :

بهداشتی کردن دو کارگاه قالی بافی .

* سپاهیان دانش علی کمالی و حسنعلی حقیقی مامور خدمت در روستای تنگل رقی آباد :

احداث باغچه‌های نمونه و غرس ۵۰ اصله درخت .

* سپاهیان دانش حسن مرتضائیان و علی کریمی و غلامرضا

سروی ماموران خدمت در روستاهای داهوئی - گروئی :

بهداشتی کردن ۱۰ کارگاه قالیبافی .

* سپاهی دانش ایران صاری مامور خدمت در دبستان درختکنان :

احداث دو دهنه پل و جدول بندی دبستان .

* سپاهی دانش سید محمد نبوی مامور خدمت در روستای کهن قاضی :

* سپاهی دانش شیخ‌ده‌باشی مامور خدمت در روستای هروزعلیا :

ساختن جاده و تعمیر حیثیه .

* سپاهی دانش محمد قائمی مامور خدمت در روستای پای‌سیم :

تعمیر مسجد و خرید بلندگو .

* سپاهیان دانش اکبر کریمی و حسن مرتضائیان ماموران خدمت در روستاهای داهوئی و گنکوئی :

بهداشتی کردن ۵ کارگاه قالی بافی و راهنمایی آنها .

* سپاهی دانش عباس تاجبخش ریگی مامور خدمت در قریه مهدی آباد :

تعمیر دبستان و تأسیس کلاس های پیکار با بیسوادی .

* سپاهی دانش شیرعلی خواجه



سپاهی دانش مامور خدمت در بخش ممسنی فارس هنگام صحبت با بانوان محل خدمت در برنامه تنظیم بهداشت خانواده

● ماهشهر

* سپاهی دانش صدیقی مهرآبادیان مامور خدمت در روستای سربندر :

تشکیل مرتب کلاسهای بهداشتی و تنظیم خانواده ، تشکیل انجمن

ده و تشکیل مرتب جلسات ، نصب صندوق پست و ایجاد تسهیلات در

امور پستی ، پر کردن گودال‌ها و ماندهای منحل ده ، ایجاد

بندی بمنظور جلوگیری از سیلاب زمستانی و محافظت از نفوذ آب

هنگام جنر و مد ، تأمین آب آشامیدنی و لوله‌کشی ، تهیه

مقدمات ساختمان يك باب حمام عمومی .

● اهواز

* سپاهیان دانش در روستا های زیر این اقدامات را انجام داده‌اند :

روستای صفحه دبستان پایدار ، جمع‌آوری پول جهت احداث

ساختمان دبستان روستای نظامیه دبستان

بزرگمهر : دایر کردن کلاسهای خیاطی

و خانه‌داری و تعلیم طرز سبزی‌کاری ، روستای کوهه دبستان الوند :

تعمیر دبستان و بهداشتی کردن معابر

مسجد سلیمان

* سپاهیان دانش نمرات مرا حاجتی - حبیبه ارسطو و

نصرت‌منعی ماموران خدمت در روستای تلخاب نفاک :

تهیه ۱۸۰ متر سیم خاردار برای سیم‌کشی و محصور کردن

دبستان ، تعمیر دبستان ، تشکیل کلاسهای تقویتی .

* سپاهیان دانش کتابیون ابتدائی و لیولوفر عسگری مامور

خدمت در روستای دوازده امام ، مرمت دبستان ، خیابان‌بندی

و نصب پلاک منازل ، تهیه وسائل آموزشی

* سپاهیان دانش نصرت‌نسیم عربستانی ، خاتون نسیم عربستانی ،

مهین کریمیان و ایران عاشدی ماموران قریه - رضا آباد :

تأسیس کتابخانه دبستان ۲۵ شهرپور .

● شوش

* سپاهی دانش غلامعلی باسچی مامور خدمت در قریه صوفان‌سقلی :

فراهم کردن مقدمات ساختمان دبستان ، تشکیل کلاس

پیکار ، نصب تابلوهای راهنمای قریه

مامور خدمت در قریه چناروئی . تعمیر دبستان و بهداشتی کردن محیط

* سپاهی دانش ملک‌کول مرادی مامور خدمت در قریه

استخروئی : اتمام غسالخانه و بهداشتی

نمودن محیط و تشکیل کلاسهای پیکار یا بیسوادی .

* سپاهی دانش ابراهیم سرحدی مامور خدمت در قریه

بادموئی :

بهداشتی کردن دو کارگاه قالیبافی و تشکیل کلاس پیکار

یا بیسوادی .

● جیرفت

سپاهی دانش پروین شکراله پورفرد :

تأسیس کتابخانه ، تشکیل رسد پیشاهنگی ، تأسیس غسالخانه و

قصابخانه ، تهیه زمین برای دبستان .

* سپاهی دانش رحمت‌الله طاهریان مامور خدمت در روستای

یاتان ، تکمیل ساختمان دبستان ،

ایجاد مسجد ، مرمت جاده ، تشکیل جوخه پیشاهنگی .

استان خوزستان

... در خدمت روستاها

بهداشتی کردن آب آشامیدنی در چرخن آباد و تعمیر بهداشتی حمام در قریه جوی آباد .

* سپاهی دانش اردیبیل
تربیت و تدبیر مأموران خدمت در روستاهای نائین ؛
کوشش و راهنمایی بهداشتی و اجتماعی .

* سپاهیان دانش حسین تاجیک
ویحیی خواجeh اکلطون مأموران خدمت در روستای دولت آباد ؛
حرف چاه مخزن تاکنر نفت ،
تسطیح حیاط مدرسه ،
شهرزوری چاه ،
تعمیر اساسی حمام قریه ،
فردوس

* سپاهی دانش زینت نجف پور مأمور خدمت در روستای برون ؛
تسطیح و تعمیر کوجها و معابر ،
پلاک کویبی منازل ،
نصب تابولی راهنما در مسیر جاده ،
تسطیح زمین جهت ساختمان دیستان .

استان مازندران

* سپاهیان دانش طاهره شهابی
و مهر یاسو حزن پور مأموران خدمت در روستای دهک ؛
تشکیل رسد پیشاهنگی ،
تشکیل سازمان جوانان شیرو - خورشید ،
تعمیر دیستان و شهرزوری جاده فرعی روستا ،
تشکیل چلبات سخترانی بطور هفتگی و پستختر امور خانه داری سخیاطی آشزوری

* سپاهی دانش مصطفی کبیانی
مأمور خدمت در روستای دیزقند ؛
احداث دیستان ،
پلاک کویبی روستا ،
تشکیل رسد پیشاهنگی ،
تشکیل

استان اصفهان

شهرستان شهرضا

* سپاهی دانش محمدرضا شیخ الاسلامی مأمور خدمت در روستای سولار ؛

اتمام مسجد و نصب بلندگو ،
لارویی قنات ،
حفر یک حلقه چاه برای حمام ،
تشکیل جوخه پیشاهنگی ،
اتمام ساختمان غسلخانه

* سپاهی دانش مهدی غیابی
مأمور خدمت در روستای بزرگان ؛
تعمیر چاه ،
تشکیل واحد پیشاهنگی ،
تعمیر دیستان ،
کمک در لوله کشی آب آشامیدنی .

* سپاهی دانش فرخ عسگریان
مأمور خدمت در روستای نیسانک ؛
تنظیم معابر عمومی ،
سخترانی دربار چشما ،
بهداشتی کردن کارگاههای قالبیابی ،
تشکیل کارگاههای گلدوزی خیاطی و بیجه - داری و تنظیم خانواد ،
شهرزوری معابر عمومی ،
تعیین مکان مخصوص شستوی لباس .

* سپاهی دانش علی عسگری
مأمور خدمت در روستای حسین آباد حاج کاظم ؛
تکمیل ساختمان دیستان حسین آباد ،
نظارت بر تکمیل یک باب دیستان ،
یادبود در روستای کجان ،
نظارت قری بر ساختمان دیوباب حمام هفت دوشه در روستای کجان

روستای کرمان دیستان پندار ؛
تشکیل کارگاههای تقویتی تابستان ،
راهنمایی بهداشتی به روستائیان و تشکیل کارگاه دوم پیکار برای زنان .

روستای ایوبخیر دیستان دانش پزوه ؛
اقدام به تهیه ششنامه برای بعضی از اهالی و تشویق اهالی برای ساختن دیستان و تشکیل انجمن ده .

روستای کریم آباد دیستان آراسته ؛
تهیه مقدمات ساختمان دیستان ،
بازدید از نطفه کوجه ها و معابر بطور مکرر .

روستای کویت سید صالح دیستان ناآنی ؛
واگذاری ۴۵۰ متر زمین وسیله سید صالح ایوبشو جهت ساختمان دوره راهنمایی ،
سندیدکاری و تعمیر اساسی دیستان .

و آبریزها .
روستای زویرجری دیستان نادرشاه ؛

جمع آوری پول جهت احداث ساختمان دیستان .
روستای زویه ۲ دیستان سراب ؛

واکسیناسیون دامهای بیمار ،
تامین برق و آب تصفیه شده و نمایش فیلم .

روستای اسمعیلیه دیستان سهیل ؛
مقدمات ایجاد یک باب دیستان .
روستای دهکده دیستان ۲۵ شهرپور ؛

تشکیل کارگاههای پیکار برای زنان و مردان و تشکیل کارگاههای روستای ریهه دیستان کبان ؛

احداث باغچه نمونه نزدیک دیستان و تهیه مهر دیستان .
روستای عمری آباد دیستان شاه اسمعیل صفوی ؛

تشکیل نمایشگاه آثار باستانی تعمیر جوی بزرگو نصب بلندگو در آن ،
تهیه ششنامه برای بعضی از اهالی و تشکیل کارگاههای پیکار روستای ننداقیه دیستان بهشت ؛

سپاهیان منازل و روستا ،
واکسینه کردن دامها ،
اقدام بجمع آوری مالیات ۲ درصد .

روستای کرمان دیستان پندار ؛
تشکیل کارگاههای تقویتی تابستان ،
راهنمایی بهداشتی به روستائیان و تشکیل کارگاه دوم پیکار برای زنان .

روستای ایوبخیر دیستان دانش پزوه ؛
اقدام به تهیه ششنامه برای بعضی از اهالی و تشویق اهالی برای ساختن دیستان و تشکیل انجمن ده .

روستای کریم آباد دیستان آراسته ؛
تهیه مقدمات ساختمان دیستان ،
بازدید از نطفه کوجه ها و معابر بطور مکرر .

روستای کویت سید صالح دیستان ناآنی ؛
واگذاری ۴۵۰ متر زمین وسیله سید صالح ایوبشو جهت ساختمان دوره راهنمایی ،
سندیدکاری و تعمیر اساسی دیستان .



تلاسی درس دیستان کوه رشاد (قدمگاه) شهرستان نیشابور

مامور خدمت در روستای گردن‌رشت؛
ساختن پل بر روی رودخانه
چلیک .

● سیاهی دانش مجدد روستائی
مامور خدمت در قریه زارغان ؛
تعمیر روش نوین ، اقدامات
بهداشتی ، نصب صندوق پستی ،
تعمیرات پیشاهنگی ، تشکیل مزرعه
نمونه ، کمک و همکاری با خانه
های انصاف ، انجام تمرینات ورزشی
همراه با روستازادگان ، تشکیل
کتابخانه ، تعمیر دیوار دبستان ،
درختکاری ، تشکیل کلاسهای بیگار
با بیسوادی برای بزرگسالان ،
تشکیل و ایجاد میدانهای ورزشی ،
پالاکوپی منازل و معابر .

● مهیاد
● سیاهی دانش میرقاس میر

رشت

● سیاهی دانش جعفر مکی
مامور خدمت در روستای ماسرای
بخش سنکر ؛
احداث ۳۰ کیلومتر جاده
قرعی ، احداث ۲ پل بطول ۳۰
متر ، احداث ۶ پل کوچک و لوله
گذاری ۱۴ شبکه آبرسانی ، محصور
کردن مجدد روستا ، غرس ۸۰
اصله درخت در مسجد و دبستان ،
کلریزه کردن چاههای آب آشامیدنی .

● رودسر
● سیاهی دانش حسین عطار
جعفری مامور خدمت در روستای
خان‌تپه آبرویی رحیم‌آباد ؛
شن‌ریزی جاده ، تهیه لامپون
از کلیه افراد بنظور تشخیص ابتلاء
به بیماری مالاریا و امراض واگیردار ،
ایجاد سخنرانی ماهانه در مورد

احداث باغچه نمونه ، تهیه
آمار .
● سیاهی دانش صادق بهاری
مامور خدمت مریح محله ؛
تهیه آمار ، محصور کردن
حیاط دبستان .
● سیاهی دانش محمد علی
صاحب مامور خدمت در روستای
گل محله ؛
محصور نمودن حیاط دبستان ،
تهیه آمار .
● سیاهی دانش محمد اسمعیل
رجب‌پور مامور خدمت در روستای
شاهکنی ؛
تهیه زمین برای دبستان ،
تهیه آمار .
● سیاهی دانش فرخ صادقی
مامور خدمت در روستای شاه محله
داو ؛

ایجاد باغچه سزیکاری و گلکاری
نمونه در دبستان ، بهداشتی کردن
آب آشامیدنی ، واکنش خانه و
اطفال ، تشکیل انجمن خانه و
مدرسه جهت بهبود امور بهداشتی
و عمرانی ، خشکانیدن پاتلاقی ، تهیه
مقتضات برگزاری جشن ۲۵۰۰ ساله
شاهنشاهی ایران .

● سیاهی دانش حسین عربی
خوان مامور خدمت در روستای
کارتیچلا ؛
تعمیر چاه آب آشامیدنی ،
تعمیر دبستان ، تشکیل جوخه
پیشاهنگی ، غرس ۲۰ اصله نهال ،
ایجاد مزرعه نمونه .
● سیاهی دانش ابوالقاسم
غلام خراسانی مامور خدمت در
روستای کلامحله ؛



کلاس آموزش بزرگسالان در حوزه شهرستان
رودسر

ماشینی مامور خدمت در روستای
قوزلو علیا ؛
لوله‌کشی آب آشامیدنی ،
احداث یک چشمه و جاده قرعی ،
تسطیح ۲ کیلومتر جاده .

آذربایجان شرقی

● خلخال
● سپاهیان دانش علی‌محمد
صادقی و رضاقلی‌زاده ماموران خدمت
در روستای بناران ؛
تشکیل و تعمیر مدرسه ، بهداشتی
کردن چشمه آب مشروب ، تعمیر
مسجد ، تطبیح محوطه دبستان و
ایجاد زمین ورزش ، تشکیل

فلسفه بنیان‌گذاری جشن‌های
شاهنشاهی .
● بندر بیلوی
● سیاهی دانش زلیخا افراز
و محبوه خوش صحبت مامور خدمت
در روستای شاهور ؛
تشکیل کتابخانه و شرکت تعاونی
دبستان ، تشکیل رسد پیشاهنگی
تشکیل جلسات سخنرانی در مورد
برگزاری جشنهای شاهنشاهی ، تشکیل
کلاسهای خانه‌داری و آشپزی .

آذربایجان غربی

● میان‌آب
● سیاهی دانش علی‌هادی‌زاده

شن‌ریزی جاده ، ایجاد باغچه
نمونه ، تهیه آمار بیسوادان .
● سیاهی دانش غلام‌شاحیدری
مامور خدمت در قریه نظام‌آباد ؛
تعمیر ساختمان دبستان ،
تعمیر کلی حمام ، تعمیر مجرده ،
احداث خیابان هشت متری .
● شهسوار
● سیاهی دانش عبدالله کیانی
خورانی مامور خدمت در قریه
مازوین علیا ؛
اتمام ساختمان دبستان ، تشکیل
جوخه پیشاهنگی ، تهیه وسایل
آموزشی .

تعمیر دبستان و موزائیک
کردن صحن آن ، تهیه تابلو برای
دبستان ، شروع ساختمان مسجد
نوساز ، تهیه منبع آب .
● آمل
● سیاهی دانش نادر اقبال
دوست مامور خدمت در روستای
اعلم ؛
تعمیر دبستان و تهیه آمار .
● سیاهی دانش احمدیوستی
مامور خدمت در روستای متورج ؛
احداث باغچه نمونه ، محصور
کردن دبستان ، تهیه آمار .
● سیاهی دانش علی اکبر
حسینی مامور خدمت در روستای
تازه آباد ؛

استان گیلان

تشویق از:

سپاهیان دانش

پیشامگی ، احداث یکپاک حمام .
 * سپاهیان دانش مجید لشکر
 نویس و داود کاسینی - موحماموران
 خدمت در روستای آقیاش :
 احداث یکپاک دبستان سه طاقه ،
 تشکیل جوخه پیشامگی و اردوهای
 مربوطه ، پلاک کسوی منزل و
 نامگذاری کوچهها و میادین ،
 بهداشتی نمودن چشمه آب آشامیدنی ،
 کمک به مجروحین و مصدومین .
 * سپاهیان دانش سید عباس
 علوی و غلامعلی صالحفرد ماموران
 خدمت در روستای کرندق :
 احداث یکپاک دبستان ، اقدامات
 عمرانی .

استان مرکزی

شیراز

* سپاهی دانش مرتضی قلی
 سرلک مامور خدمت در روستای
 رودک .
 * سپاهی دانش قدرت الله
 میرزا آقازاده مامور خدمت در روستای
 روته .
 * سپاهی دانش شهبان ادرکنی
 مامور خدمت در روستای چاچرود .
 * سپاهیان دانش شیرین آصف
 و طاهره شقازاده مامور خدمت در
 روستای خجیر لوامان بزرک .

هرزد

* سپاهی دانش عیسی فحی
 مامور خدمت در روستای قول آباد
 از محال هشتروند :
 تعمیر کلی دبستان ، احداث
 مزرعه نمونه ، نصب تابلوی راهنما .
 * سپاهی دانش اکبر معینی
 ناظری مامور خدمت در روستای
 ایدلوی صولتی از محال هشتروند :

* سپاهی دانش حسین مشهدی
 اصغری مامور خدمت در روستاهای
 تفرش .
 * سپاهیان دانش حوریه بزرگنیا
 و اکرم کفائی مامور خدمت در دبستان
 ملک پیرنقصر .

ستان آذربایجان شرقی

میانه

* سپاهیان دانش علی اکبر
 قاضی زاده و جعفر مدنی مامور خدمت
 در روستای النجارق .
اروق
 * سپاهیان دانش عصمت خویی
 و رعنا ناسری اسکویی مامور خدمت
 در روستای خانه .
 * متکین شهر

احداث یکپاک ساختمان دبستان ،
 تعمیر دبستان ، آمارگیری روستائیان ،
 نظارت در بهداشت و نظافت کوچه
 ده ، تشکیل جلسات سخنرانی بنظر
 بزرگداشت جشن شامشاهی و تهیه
 وسائل برگزاری جشن .

اروق

* سپاهی دانش رضا امامی رحیم
 آبادی مامور خدمت در روستای
 قزلجه :
 تعمیر دبستان ، مرمت ۳ کیلومتر
 جاده ، تشکیل کلاسهای بزرگسالان .
 * آموزگار سپاهی شهیندخت
 آبخار مامور خدمت در دبستان شهناز
 شرفخانه :
 تهیه وسائل آموزشی مدرن ،
 تدوین بهداشتی برای روستازادگان .

استان خراسان

* سپاهی دانش صفدر قبادیان
 مامور خدمت در روستای دیزقند .
درگز
 * سپاهی دانش محمد علی
 جهاننخستینی و امرالله ثابت رستنی
 و علیرضا تاجیک مامور خدمت در
 آموزشگاه نادری مرکز شهرستان .
 * سپاهی دانش الیاس سهری
 مامور خدمت در بانک کشاورزی درگز
 « برنامه تابستانی » .

* سپاهی دانش بی بی طویلی
 ابوظالب زاده مامور خدمت در روستای
 چقر .
 * سپاهی دانش حاج زبوری
 مامور خدمت در روستای لطف آباد .
 * سپاهی دانش افسر الملوک
 یوسف نژاد مامور خدمت در روستای
 چقر .

* سپاهی دانش خورشید مودنی
 مامور خدمت در روستای لطف آباد .
 * سپاهی دانش افسر الملوک یوسف
 نژاد اسکومامور خدمت در روستای چقر .
 * سپاهی دانش شیرعلی آوانی
 مامور خدمت در روستای سادات .

* تربت حیدریه
 * سپاهی دانش علی اکبر
 وزیری مامور خدمت در روستای
 بایک .
نیشابور
 * افسر سپاهی محمد قاضی زارع
 مامور خدمت در شهرستان نیشابور .

* تربت حیدریه
 * سپاهی دانش محمود راسخ
 مامور خدمت در روستاهای تربت
 حیدریه .
سیزوار

استان کردستان

* سپاهی دانش میرقلی جعفری
 مامور خدمت در روستاهای سبزواری .
قروه
 * افسر سپاهی حسین جلوزیان
 مامور خدمت در شهرستان قروه .
 * سپاهی دانش عبدالله قنچی
 مامور خدمت در روستای ده رشید
 قروه .
بانه
 * سپاهی دانش علی اصغر
 غلامی اصل مامور خدمت در روستاهای
 بانه .

فرمانداری کل ارد

* یستراد
 * سپاهی دانش قاضی گیوه
 اشرف مامور خدمت در روستای بزارک
 سادات .

استان کرمانشاهان

* فریدون خرمی مسئول امور
 سپاهیان و بیمه و تدارکات اداره
 سیاه دانش استان .
 * غلامرضا کسرائی متصدی
 امتحانات سیاه دانش استان .
 * رضاقلی نوروزی متصدی
 آمار و ارزشیابی اداره سیاه دانش
 استان .
 * احد آقاقلی راننده اداره
 سیاه دانش استان .
اورامانات
 * سپاه دانش علیرضا نیامدیور
 مامور خدمت در روستای کوه قلعه
 کهنه .
شاه آباد غرب
 * سپاهیان دانش رحیم رحیم
 زاده و سیاوش رضائی سیه روزمامور



اهداء جوایز به سپاهیان دختر دوره دوم توسط رئیس اداره کل آموزش و پرورش ایلام

خدمت در آموزش و پرورش در برنامه تابستانی .

● سپاهیان دانش نصرت زیورپور مأمور خدمت در روستای دلوحسن- آباد .

● قصر شیرین
● سپاهیان دانش حسین ملیمانی عیبات مأمور خدمت در روستای کلهجوب سوسمار .

فرمانداری کل همدان
● نهاوند

● سپاهیان دانش حسین سوغند مأمور خدمت در روستای جعفرآباد.

استان کرمان
● بافت

● سپاهیان دانش حجت‌الله طریقتی و بهادر محمدی مأمور خدمت در روستاهای ازوئی و گوغر. رفتنجان

● سپاهیان دانش بتول آریانی مأمور خدمت در روستای رستم‌آباد علوی .

استان فارس
● مهنی

● سپاهیان دانش محترم ربانی و شریعت‌برفی و مهین طیبی مأموران خدمت در روستای ممیزی .

● سپاهیان دانش ناصر عبقری زاده و محمود ساجدی مأموران

خدمت در قریه سروان .
● اصطهبانات

● سپاهیان دانش زهرآجشیدی و رقیه حیدرپور فرد و شمس‌السادات کارپور فرد مأموران خدمت در روستای ایج .

استان اصفهان
● اصفهان

● رحیم قانع و ابوالحسن قره‌بازی آموزگاران دبستان لای‌بید .
● سهراب منصور و ابوتراب حسینی آموزگاران دبستان حسن‌آباد جرقویه .

● اکبر والهی آموزگار دبستان امین زیاد جرقویه .
● سپاهیان دانش فروغ جمشید دانایی مأمور خدمت در روستای دولاب‌بخش جرقویه .

● پروین گرانمایه آموزگار دبستان پروین اعتمانی میمه.

استان مازندران
● ساری

● سپاهیان دانش امینی مأمور خدمت در روستای گلینجکلا .
● سپاهیان دانش بهزاد ایزدیار

مأمور خدمت در روستای آساز .
● سپاهیان دانش محمد ابراهیم فلاح واقعی مأمور خدمت در روستای شلیک .

● سپاهیان دانش عباسعلی خلیلی

مأمور خدمت در روستای مرگاب‌سلفی. رشت
● تور

● سپاهیان دانش یوسف طهماسبی و علی عتیفی مأموران خدمت در بخش بلده .
● آمل

● سپاهیان دانش محمد صادق امیر عبدالهیان مأمور خدمت در روستاهای آمل .

● شهوار
● سپاهیان دانش میر ابراهیم عطاشی مأمور خدمت در روستای هراتر .

● نوشهر
● سپاهیان دانش رحمت علیپور مأمور خدمت در روستای گندیسکلا.
● سپاهیان دانش محمد جعفر زرگران مأمور خدمت در روستای اوئل .

● سپاهیان دانش عزت امینی اسپلی - صمد مطلق - حمید سیزچی بوالحسنی - قادرشکوهی - مهدی روشنی‌پور - میسر موسی سادات - عمران دهخدا .
● تفرش

● سپاهیان دانش کریم بهادر نجف‌آبادی .

● سپاهیان دانش عباس‌فروغی .

استان سیلان

● سپاهیان دانش محمد جعفر شرفی - امیر اسلان جاملو .

استان آذربایجان

شرقی

هراغه

● احمد خیابانی مسئول سپاه دانش و تعلیمات روستایی - غلامحسین عبدالله پورسالاری - خسرو سلوک - یعقوب حقدوست - عبدالحسین الملکسی - کاظم ظهیر فرد (راهنمای تعلیماتی سپاه دانش). سردشت

● سپاهیان دانش محمود خدای. شبستر

● لطفیه رشیدی‌نیا آموزگار دبستان روستای کوشک - سپاهیان دانش مکرمه باغبان حدیقه - محمدحسین احمدنژاد - هوشنگ تیموری عرب - مهدی بابائی - علی‌اکبر روحانی - منصور ناسری (راهنمای تعلیماتی مدارس روستایی). خلخال

● آفتاب ناقب آموزگار دبستان روستای اردبیل - اسدی مدیر دبستان روستای وصال بخش خودش رستم - فرهودی راهنمای تعلیماتی مدارس روستایی - سپاه دانش



شاهنشاه آرپامهر در سفر اخیر برضاییه در فرودگاه آب سبز بیانیانی
خطاب به سپاهیان دانش ایراد میفرمایند

- | | | | |
|---|--|---|---|
| ناصر علائی .
میانه | احسانی - سکنه عبداللوی - ایران
جعفری - لیدا گلبندی - رزم آرا
راهبهای تعلیماتی مدارس روستایی - | فریده میردبیگی - مندر و
آموزگار دبستان روستای شیره | سپاهیان دانش - ابراهیم رشتی زاده -
ابوالفضل سبزی فروش . |
| لطفاله گروسی آموزگار
روستای ترکمانچای - سپاهی
دانش کیشرو پاوری - محمود
حمتپور .
مشکین شهر | مئیزه حاجبی مسئول امور سپاهیان
دانش دختر .
مهاباد | رضا - سعید و هاپزاده - رمنان
رضوی - رضائی شریان - -
جعفر رزازانه | سپاهیان دانش احمد شفقن
وزنجوی - یوسف رجائی - صدیقه
شریفی - بهروز حاجیان مدیر و
آموزگار روستای قلمه چون -
عبدالمجید مفتخر مدیر و آموزگار
دبستان چاپگاه |
| سپاهی دانش علی اکبر
شبان آیزکیان
آذشهر
حسین طاهری مشول سپاه دانش | فیروز جعفری آموزگار
دبستان روستای شیخ یوسف -
جلال جاوید آموزگار دبستان
روستای گندهار - منوچهر شرافت
آموزگار دبستان روستای کاولان -
قادر خضرپور آموزگار روستای
کائی میران - سپاهی دانش سفر
رضائی . | علامه رضا سعیدی نژاد - شهین
ابراهیم دماوندی آموزگار دبستان
کریم و حومه - روح انگیز
جهانویسی مدیر و آموزگار دبستان
روستای کریم حاصله - محمود
عریلو مدیر و آموزگار دبستان
روستای میلمسر .
قصر شیرین | سپاهیان دانش عبدالمجوبی -
شهناز کانور - توران سلمی -
شها مهر آور - بهروز نجمعلی
دوست - شمس شهیازی - نادر
جعفری - نستر رشوادی -
فریده زرین چوب - فریده خلفه
برین - فرح اله هداری . |
| استان آذربایجان
غربی
رضاییه
سپاهیان دانش محبوبه
شاه آباد غرب | استان کرمانشاهان | سپاهیان دانش دبستان روستای شیره
رضا - سعید و هاپزاده - رمنان
رضوی - رضائی شریان - -
جعفر رزازانه
علامه رضا سعیدی نژاد - شهین
ابراهیم دماوندی آموزگار دبستان
کریم و حومه - روح انگیز
جهانویسی مدیر و آموزگار دبستان
روستای کریم حاصله - محمود
عریلو مدیر و آموزگار دبستان
روستای میلمسر .
قصر شیرین
حاجی بابا خیرزاده شینی مدیر
و آموزگار دبستان روستای خلیل
ناصر - سپاهیان دانش حسن | |



آئین جشن مهرگان

امسال آئین جشن مهرگان که آغاز سال تحصیلی را نیز نوید میداد و ساینگر گروشش های دختران و پسران سپاهی دانش بود، با جلال خاصی برگزار شد. برگزار این جشن از آن جهت شکوهمندتر می نمود که با جشنهای بیست و پنجمین سده بشیان گذاری شاهنشاهی ایران مقارن بود.

هنوز ملت ایران بخصوص فرهنگیان از باده جشن و سرور آن جشن سرمست بودند. که جشن دیگری در حضور شاه خود برگزار کردند و بیش از پیش سرمست شدند. س عصر روز ۲۹ مهرماه استادیوم سعیدرضا شاه جلوه خیره کننده ای داشت. دختران و پسران سپاهی دانش، فرهنگیان و طبقات مختلف مردم همه و همه در حالت انتظار بسر میبردند و همه چشمها تنها یک طرف دوخته شده بود. آنان همه به جایگاه مخصوص می نگریدند تا یار دیگر شاه خود را زیارت کنند. سرانجام این انتظار بسر آمد و شاهنشاه آریامهر در میان مهلهله و غریو شادی مردم و گزردنهای متمدنزول



اجلال فرمودند. استادیوم یکبارچه شور و احساسی شده بود و برق شادی در چشمان یکایک حاضران در استادیوم می درخشید.

برنامه جشن با نواختن سرود شاهنشاهی و ابراز احساسات مجدد مردم نسبت به شاهنشاه آریامهر آغاز شد.

گزارش مسوول وزیر آموزش و پرورش، خطابه رئیس کنکره تاریخ در مورد نظام شاهنشاهی ایران، خواندن سرود سپاه دانش توسط دختران و پسران سپاهی دانش، اجرای نمایشنامه (از گورش تا ابدیت)، دکلماسیون وسیله یکی از دختران سپاهی دانش و سرانجام اعطای جوایز به سپاهیان دانش و دانش آموزان ممتاز قسمت های مختلف این برنامه را تشکیل میداد. گزارش خانم دکتر فرح روپازسای وزیر آموزش و پرورش چنین بود: شاهنشاهها، ایزد یکتارا سیاسی میگذاریم که جشن آغاز سال تحصیلی و سالروز سپاه دانش در خجسته زمانی برگزار میشود که سراسر جهان را بشارت سال نیکو فال کوروش کبیر نشاط و مسرتی براندازد است و آوازه بلند ایران در اقطار و اکتاف جهان پیچیده و از برکت خرد و شهامت آن شهریار ناممدا ملت ایران غرق در افتخار و غرور و فرهنگیان و معلمین به میمنت آن در شادی و سرورند.

در اجرای اوامر مطاع ملوکانه و پفر و شکوه این سال فرخنده تعداد ۲۷۱۷ مدرسه ابتدائی با کمکهای بیدریغ و ذی قیمت مردم در روستاها بنا شد و علاوه بر آن سپاه دانش به تعداد ۱۳۵۵ دبستان از محل خود یاری مردم و بدون استفاده از کمکهای دولتی در روستاها و مناطق عشایری ایجاد نموده و در شهرستان های مختلف مجموعا ۴۷۷ مدرسه راهنمائی و دبیرستان و چهار مرکز شبانه روزی متوسطه و حرفه ای برای مرزنشینان کشور با ظرفیت دو هزار نفر آماده بهره برداری گردید در اجرای اوامر علیاحضرت شهبانوی ایران سه باب مدرسه برای کودکان استثنائی در کرمان، مشهد، آبادان تاسیس خواهد شد و این مجموع رقمی است که در تاریخ فرهنگ ایران در یکسال مرکز نظیر نداشته است.

کوشش فرهنگیان در راه انتشار ۲۸۷۲ نوع نشریه و بولتن و کتاب و مقاله و تشکیل ۱۵۹۱۹ مجلس سخنرانی و جشن و بزرگاری کنگره بزرگ تاریخ ایران و ارائه ۳۰۵ نمایشگاه بزرگ تاریخ ایران مشارکت ۳۲۰۰۰ دانش آموز در مسابقات علمی و ادبی و هنری کوشش بزرگ و شرکت ۱۲۰۰۰ سیاهبان دانش و دانش آموزان و بیش از هشتاد و جوانان ورزشکاران مدارس در مراسم بزرگاری مستقیم جشنها تحرك بیسابقه‌ای را در واحدهای آموزشی بوجود آورده و این تحرك چنان چهره های فرزندانمان را روشن و پرغور و افتخار ساخته که برای مربیان و معلمان امکان خدمت بهتر و بیشتری را موجب شده است .

این جشنها در کلیه مدارس ایران در خارج از کشور نیز که بیش از نه هزار دانش آموز ایرانی در آنها مشغول تحصیل هستند بتوجهالربو شایسته با هیجان و غرور بیشتری برگزار گردیده است .

سال جدید را با رقم ۲۶۰۶۸۶۸۴ دانش آموز در مدارس ایران آغاز کردیم و اطمینان داریم با ابلاغ اوامر مطاع همایونی در زمینه اجرای تعلیمات اجباری بطور قطع و یقین تعداد دانش آموزان دبستانها در همین روزهای اول سال افزایش خواهد فزونتر گشته است .

استقبال از تحصیلات دو دوره راهنمایی و متوسطه نیز ۹۵٪ بوده بطوریکه با تشکیل کلاسهای جدید روزانه و شبانه و تحصیلات مکاتباتی میتوان گفت اکثر کسانی که مرحله اول تعلیمات عمومی را تمام کرده اند در دوره راهنمایی و اول متوسطه بتحصیل اشتغال ورزیده اند و خط مشی اصلی آن است که تعلیمات ابتدائی در تمام کشور بین کودکان لازم التعلیم گسترش یابد و در مورد تحصیلات متوسطه از کمکهای مردم و بخش خصوصی شوراها منطقه برخوردار گردیم .

بخاطر سلامت جسمی کودکان امر تغذیه برای ۲۰۰۰۰۰ نفر دانش آموز بطور رایگان انجام گرفته و آموزشگاه عالی تهیه تکنسین بهداشت برای حضور دائم پرستار در مدرسه و آموزشگاه عالی تربیت مربیان هنری بمنظور تربیت نیروی ابتکاری هنری نوآموزان تاسیس و شروع بکار نموده است .

متخیرم که نظام جدید آموزش و پرورش در سال تحصیلی جاری

دومین مرحله تعلیمات عمومی را آغاز می نماید و با تمام مشکلاتیکه ممکن بود بآن مواجه شویم خوشبختانه با تربیت ۱۳۲۰۰ معلم در بنیاد های مختلف تربیت معلم از سطح دبلم تا فوق لیسانس توانستیم از هر نظر برای انجام این خدمت در سال جاری آماده و مجهز باشیم .

دو امر آموزش حرفه‌ای یا اتعاذ سیاستهای بهره‌وری کامل از تجهیزات و ساختمان و نیروی انسانی در سال جاری ده هزار نفر پذیرش اضافه بر سال گذشته داشته ایم که پنج ده درصد در بخش صنعتی و ۳۵٪ در بخش روستائی و ۱۵٪ در بخش خدمات بوده است .

ایجاد دومدرسه نمونه متوسطه جامع در تهران و کرمان با سرمایه های خصوصی امکان آزمایش و مطالعه طرح مدارس جامع را قبیل انجام دوره راهنمایی با سرمایه‌های خصوصی بما داده است . مجموع سیاهبان دانش دختر و پسر در سال گذشته ۱۶۶۰۳ نفر بوده است و برای اولین بار سیاهبان دانش ممتازی که حسب الامور مبارک ملوگانه به دانشگاهها اعزام شده اند امروز متخیر به دریافت مدال از دست مبارک ملوگانه خواهند گردید .

دوره انقلاب اداری کوششهای وزارت آموزش و پرورش همچنان استمرار داشته است که از اهم آن ایجاد نسبت معقول بین کارآمداری و کادر آموزشی است که این نسبت در گذشته گاهی به ۱۴٪ میرسید و در سال جاری به ۸۵٪ تقلیل داده شده و کوشش میشود تا به ۶۶٪ که نسبت دلخواه و صحیح است برانیم در همین زمینه بمنظور تسریع در انجام امور اداری ضمن کارآموزیهای لازم در جهت کارآسی و مهارت مسئولان و اختیارات کامل به مناطق داده شده و همچنین با استفاده از وسایل جدیدی ماشین و کامپیوتر و تغییر سیستم کهنه تحول و دگرگونی بیشتری در تسریع انجام امور اداری برای واحد یکصد و پنجاه نفری اوجود آورده ایم و با تشکیل کلاسهای مدیریت و شورای انتصابات تعیین مشاغل بر پایه لیاقت و کاردانی وصحت عمل و صدقات استوار میگردد تا از هرگونه تبعض جلوگیری شود . تشکیل شوراهادر ۱۵۸ منطقه با تمام رسیدگی و کنگره بزرگ آن قریبا با شرکت بیش از ده هزار نفر تشکیل خواهد شد . این شوراها در امر واکداری کار مردم ب مردم فوق العاده موثر بوده و در نتیجه ۴۵٪ از امور

که انحصاری و متمرکز در پایتخت بود باستانها و شهرستانها انتقال یافت .

توجهات و عنایات خاصه شاهنشاه و کوشش دولت موجب گردید تا در سال تحصیلی جاری معلمین و آموزگاران نسبت به پیشتر بر خود را گردن دهنده و موازه از مراحم ملوگانه صادقانه سیاست گزارند . در سال جدید بر نامه کار روزی بهبود کیفیت ها و اجرای صحیح برنامه های آموزشی پایه گذاری شده و ارزشیابی کار معلمین و کارمندان و استفاده صحیح از نیروی آنان در درجه اول اهمیت قرار گرفته است . آنچه که مورد کوشش و توجه بسیار قرار گرفته محتوای آموزشی و آموزش مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی روز بدانش آموزان است تا آنچه که مورد نیاز جامعه و زندگی اجتماعی اوست فرا گیرد . تغییرات کلی و اساسی در برنامه های آموزشی و آئین نامه های امتحانی در نظام جدید کیفیت بهتری از آموزش و پرورش را نوید میدهد . مفتخر است بشر فخر مبارک برساند ترتیبی داده شده است که وظائف سیاهبان آموزگاران ، دبیران و استادان در بیش از ۳۵۰۰۰ واحد آموزشی ابتدائی و ۱۰۰۰ واحد راهنمایی و ۶۰۰۰ واحد متوسطه و ۲۹ واحد آموزش عالی و ۱۵۸ واحد اداری توسط هیئت مخصوصی از بی گران و راهنمایان تعلیماتی نظارت و ارزش یابی شود تا ارزش خدمت کسانی که با صمیمیت و دقت و علاقه و لیاقت و دانش میکنند مشخص گردد و برای کسانی که این اختصاصات را ندارند کارآموزیهای لازم و کوششهای ضروری در راه بهبود خدمت آنان بعمل آید و در صورت عدم موفقیت از خدمت آنان صرف نظر شود .

در پایان عرایض اجازه میخوامد مراتب سیاست و شکرگزاری معلمان را به حضور مبارک تقدیم داشته اطمینان دهد که در سال جاری بیشتر و بهتر از هر سال معلمان کشور به اهمیت و وظیفه خطیر خود پی برده و با فروری و اختیاری که آنرا داشته حضرت در جهان برای هر ایرانی آفریده اند تلاش خواهند کرد تا با الهام از فرهنگ و تمدن اصیل و قدیمی ایران همگام با پیشرفت های علمی دنیا پیش بروند و جوانان لایق و شایسته نام ایرانی برای جامعه تربیت کنند تا دروازه های طلانی تمدن بزرگ را بروی نسل آینده بکشایند .

مهرگان

مصراع آمد پیام آور ز جشن مهرگان
 باغ کاغذ نو بهاران بود در میای
 نیک سبزه تا ز صبح طبع اندر دست باغ
 بوستانها دولت شاد و منت آباد با
 سال را سبزی باغ و دشت بودی گویم
 بر دهر دله و بر مرز هر جای ز دشت
 باغبانان شاد ز می امروز کاغذ باغ تو
 باغبانان را چشم هر سو خیزه بود از این
 سبب با امرد میکو دست اندر دست
 این می گوید که باری موسم نیانست
 خوشه انگور خود دامن فرا چندار است
 دستانان دشت را دیگر فرو بگذرانند
 دانچه ندید ای تو فتن خدا در شکوه
 شد و باد خاطر دهقان که با بار نیکی
 شد و باد خاطر دهقان بهتر نودند
 لشکر و پیش بغیران شنیده بزرگ
 کردگار تا تا بد مصراع از طاق سحر
 تا بر این نیانکان ، بشکوه و زخمی

باد سرد هوا ، وز برگ ریزان سخن
 جاده های زعفرانی کرده بر تن این نهان
 باره سخی از زمره و ز طلا انگشتران
 از غم ایام در نوروز و اندر مهرگان
 حاصلت اینک فراهم شد باغ و بوستان
 توده شست میوه پر آب چون گوی گویان
 دانه انگور می خندد بر روی باغبانان
 بر جسمی گرد گل سبب از رهو این
 ناز و به سنجی لنان یکی بریز میانان
 آن در گوید که آری رفت باید در کمان
 رفت باید اندرون خم به پیغام امان
 دشت خالی شد ز هر کلا و با بخت این
 توده شد در خانه و انبار مرد و همگان
 دانه افشاید و رویانند هر سو جوان
 خاصه در این مهرگان کلابت و در دشت
 بهر آزادی دهقان شد بهر سوی روان
 شاه را پاستگی بخشای و دلاوران
 بار دیگر زنده دارد رسم جشن مهرگان

محمد علی امامی



سپاه دانش



دو هزار و پانصد و هفتاد سال

سپاه نگداری

شاهنشاهی ایران